



۴

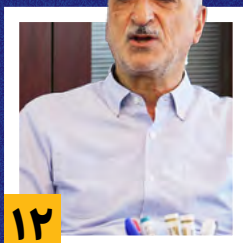
گفت‌وگو با مهندس
محمدحسین رفیعی

رئیس دفتر شهید رجایی،
مدیر دبیرستان مفید



۱۰

گفت‌گو با دکتر
محمد رضا سرکارآرانی
حک‌شدگی معلمی!



۱۲

الگوی آموزشی مفید
حاصل مشارکت در
تمامی سطوح است
گفت‌وگو با دکتر فخرالدین دانش



۱۸

گفت‌وگو با دکتر آمنه احمدی
استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان

ایده‌های کلیدی،
کلید برنامه‌درسی

الگوی آموزشی مفید





آموزش برای تربیت
تربیت برای زندگی
در الگوی آموزشی مفید



امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُُّمٌ

آگاه باشید! در علمی که در آن اندیشیدن نباشد، فایده‌ای نیست.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر فخرالدین دانش آشتیانی

سرمدیر:

سیدحسام‌الدین موسوی‌نیا

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

طوبی پروین

شورای برنامه‌ریزی:

سعیده باقری، محمدرضا حشمتی و سیده فاطمه شبیری

ویراستار:

سعیده باقری

طراح گرافیک و صفحه‌آرایی:

رسول محمدی

عکس:

محمد بابایی، محمدعلی دهاقین، امین فتح‌الله زاده و مرتضی کیانپور

همکاران تحریریه:

حامد جیرودی، سیما رجبی، افسانه محمودی و فاطمه سادات میرعالی

نشانی:

خیابان ولی‌عصر، پایین‌تر از میدان ونک، روبه‌روی گاندی ۱۲، ساختمان خورشید، طبقه هفتم

تلفن: ۲ - ۸۸۶۷۹۸۸۰

آرای مندرج در مطالب نشریه، ضرورتاً بیانگر رأی و نظر مسئولان مجتمع آموزشی نیست.



آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی

بنیانگذار مدارس مفید:

الان به حمدالله مدارس مفید، چند هزار فارغ‌التحصیل دارند. این‌ها اکثراً در هر کجا که هستند، در هر رشته‌ای که درس خوانده‌اند، آدم‌های مفید، خادم، سودمند و مؤمنی هستند. اگر خداوند در روز قیامت از من بپرسد به شما این قدر عمر دادیم، امکانات دادیم، توفیق دادیم، با این‌ها چه کار کردی؟ من هر چه فکر می‌کنم، دستم خالی است. تنها چیزی که برای من امیدبخش است، همین مدارس مفید و دانشگاه مفید است.



۱۰

گفت‌وگو با دکتر محمدرضا سرکارآرانی،
استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن
حک‌شدگی معلمی!



۴

گفت‌وگو با مهندس محمدحسین رفیعی،
اولین مدیر دبیرستان مفید

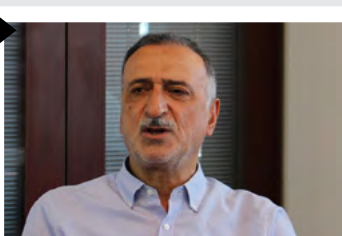
**رئیس دفتر
شهید رجایی،
مدیر دبیرستان مفید**



۱۸

گفت‌وگو با دکتر آمنه احمدی
استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان

**ایده‌های کلیدی،
کلید برنامه‌درسی**



۱۲

**الگوی آموزشی مفید
حاصل مشارکت در
تمامی سطوح است**

گفت و گو با دکتر فخرالدین دانش رئیس
مجتمع آموزشی مفید،



۲۸

**پداگوژی ضربان فرآیند
یادگیری است**

مصاحبه با علی زند دانش‌آموخته مطالعات
برنامه‌درسی، کارشناس علوم تجربی و مشاور علمی
الگوی آموزش مفید در مقطع متوسطه دوره اول



۲۴

در گفت و گو با دکتر سعید نیا، دانش‌آموخته
روانشناسی آموزشی به بحث گذاشته شد

**از تجربه‌های جهانی تا
الگوی آموزشی مفید و
چالش‌های پیش رو**

الگوی آموزشی مدرسه زندگی



در این شماره از نشریه، تلاش شده است که الگوی آموزشی مدارس مفید نه به عنوان یک الگوی کامل و بدون ایراد، بلکه به عنوان یک شیوه آموزشی پویا و در راه رشد به بوتی نقد سپرده شود و از دیدگاه صاحب نظران، نقاط قوت و ضعف آن برای مخاطبان نشریه بیان شود. به اعتقاد تمامی کسانی که در شکل‌گیری و رشد این الگوی آموزشی نقش داشته‌اند، این شیوه، در مسیر طی شده‌اش در سال‌های گذشته، بارها مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته و کماکان در حال تغییر و بروزرسانی برای رسیدن به پویایی بیشتر است.

همچنین در راستای بهبود کیفی نشریه خانواده مفید، در این شماره از نشریه برای نخستین بار از کیو آر کد برای دسترسی مخاطبان به فایل‌های صوتی و تصویری مرتبط با محتوای نشریه استفاده شده است و امیدواریم در شماره‌های آتی بیشتر بتوانیم از این امکان برای ارائه بهتر مطالب برای خوانندگان بهره ببریم.

به همین منظور کانال آپارات مجتمع آموزشی مفید نیز در نشانی زیر فعال شده و در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. <https://www.aparat.com/mofidsch.ir>

با بررسی شیوه‌های آموزشی در نقاط مختلف دنیا به ویژه کشورهای توسعه یافته درمی‌یابیم که نواقص زیادی در سیستم آموزشی کشورمان وجود دارد. به زعم کارشناسان حوزه آموزش این نواقص باعث شده است که آموزش کشورمان در زمره کشورهای ضعیف در حوزه آموزش قرار

بگیرد. مجتمع مدارس مفید تلاش کرده است در قالب یک برنامه منسجم و هدفمند، این نواقص را برطرف کند و با نگاهی به تجربیات موفق آموزشی در دیگر نقاط دنیا و بومی‌سازی آن‌ها با شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران، شیوه‌ای مؤثر و کارآمد برای آموزش و پرورش دانش‌آموزان را ارائه نماید.

این شماره از نشریه به موضوع «الگوی آموزشی مفید» اختصاص پیدا کرده و تلاش کرده‌ایم با مطالب جمع‌آوری شده در این شماره، علاوه بر ارائه دلایل و تاریخچه شکل‌گیری و روشن نمودن زوایای مختلف این شیوه آموزشی، به سؤالات و دغدغه‌های تمامی ذی‌نفعان آن، اعم از معلمان، دانش‌آموزان و اولیا پاسخ داده شود.

اشتراک‌ها و تفاوت‌های الگوی آموزشی مفید با سند رسمی آموزش و پرورش، جایگاه معلم به عنوان تسهیلگر و دانش‌آموز به عنوان یادگیرنده آرمانی، نقش تمامی سطوح مدرسه در شکل‌گیری الگو و پرهیز از تدوین اسناد و ارائه از سطوح بالا به پایین در مدارس، از جمله موضوعاتی است که در مصاحبه‌ها و مطالب نشریه به آن‌ها پرداخته شده است.



سید حسام‌الدین موسوی‌نیا
سردبیر

رئیس دفتر شهید رجایی، مدیر دبیرستان مفید

گفت‌وگو با مهندس محمدحسین رفیعی، اولین مدیر دبیرستان مفید



من متولد ۱۳ اسفند ۱۳۳۱ هستم. چهار سال اول دبستانم را در مدرسه عیسی بهرامی در خیابان منیریه و پس از آن به توصیه یکی از دوستان پدرم تا پایه دوازدهم را در مدرسه علوی خواندم. در کنکور سال ۱۳۵۰ در رشته مهندسی سازه دانشگاه صنعتی آریامهر آن زمان و (شریف فعلی) قبول و مشغول به تحصیل شدم. هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه و از همان پاییز سال ۱۳۵۰ به دعوت مرحوم آقای روزبه در مدرسه علوی به‌عنوان کمک‌معلم مشغول به کار شدم و بعد از یک سال به‌عنوان معلم فعالیت داشتم.

سال سوم دانشگاه بودم که به‌دلیل فعالیت‌های دانشجویی دستگیر شدم و به زندان افتادم و به‌دلیل زندان افتادن من و احتمال ایجاد مشکلاتی برای مدرسه، همکاری من با مدرسه علوی قطع شد. البته گاهی اوقات به مدرسه علوی می‌رفتم و رفت‌وآمدی داشتم اما نه به‌عنوان معلم.

در اوایل سال ۱۳۵۵ آقای کتیرایی معلم فیزیک مدرسه علوی که یک آدم سیاسی روشنفکری بود، از من خواست که به‌عنوان مدیر داخلی با مدرسه جهان‌آرا همکاری کنم. من هم با چند نفر از دوستان از جمله آقای دکتر دانش مدیر فعلی مجتمع مدارس مفید فعالیت خودمان را از مهر سال ۱۳۵۵ در این مدرسه شروع کردیم. مدرسه در منطقه قلهک بود و در مدت کوتاهی نام آن مدرسه بر سر زبان‌ها افتاد و معروف شد. بعد از آن ساواک کم‌کم متوجه مدرسه شد و به بهانه بازنشستگی، آقای غلام‌رضا دانش مدیر مدرسه را که بعدها در حادثه هفتم تیر به شهادت رسید،

آقای رفیعی از اولین مدیران مجتمع آموزشی مفید است و همکاری با مفید را یک سال بعد از تأسیس دبیرستان مفید در سال ۱۳۵۷ آغاز کرده است. وی هم‌زمان و پس از حضور در مفید، در مشاغل مانند ریاست دفتر شهید رجایی و آیت‌الله خامنه‌ای در کسوت رئیس‌جمهور و معاون و مشاور وزرای مختلف بوده و حرف‌هایی شنیدنی از دوران فعالیت خود در مدارس مفید را با ما در میان گذاشته است که در ادامه می‌خوانیم.

■ در ابتدا لطفاً خودتان را معرفی کنید و درباره سابقه حرفه‌ای خودتان در حوزه آموزش و همکاری‌تان با مجتمع آموزشی مفید توضیح دهید.



برکنار کردند و شخص دیگری را به‌عنوان مدیر منصوب کردند. پس از درگیری‌های فراوان با ساواک و اعتصاب و اصرار اولیا برای ماندن تیم ما در مدرسه، فقط من و یکی دیگر از دوستان قرار شد که فقط به‌عنوان معلم و نه در جایگاه مدیریتی در مدرسه بمانیم.

اواخر فروردین یا اردیبهشت سال ۵۷ و زمانی که در مدرسه جهان‌آرا درس می‌دادیم، آقای موسوی‌اردبیلی (ره) از طریق آقای کتیرایی که معلم فیزیک سال اول مدرسه مفید هم بود، از جلوگیری از فعالیت تیم ما در مدرسه جهان‌آرا خبردار شده بود، پیام داد که به دیدارشان بروم. ایشان گفتند که ما قبلاً مدرسه راهنمایی مفید و در ادامه دبیرستان مفید را تأسیس کرده‌ایم و می‌خواهیم فعالیتش را گسترش بدهیم و از من برای حضور در دبیرستان مفید و به‌عنوان مدیر داخلی آن دعوت کردند. بعد هم گفتند ما یک ساختمانی را می‌خواهیم بسازیم و یک زمین را به ما نشان دادند که همین ساختمان فعلی مدرسه مفید شماره یک است. بعد از شروع سال تحصیلی ۵۷ ما آمدم مدرسه مفیدی که الان در خیابان زنجان قرار دارد. در ادامه و به لطف خدا، مدرسه ساخته شد و دوره‌های آموزشی مختلف برگزار شد و مدرسه کم‌کم پا گرفت و من تا سال ۷۵ مدیر داخلی مدرسه مفید بودم و حاج‌آقا شکوری بزرگوارانه و به‌دلیل اعتمادشان با ما همکاری می‌کردند و عملاً تمام امور مدرسه با تصمیم ما و هماهنگی با آن مرحوم انجام می‌شد.

■ هم‌زمان با فعالیت در مفید، چه مسئولیت‌های دیگری داشتید؟

من هم‌زمان با مفید و زمانی که انقلاب شد، کارهای دیگری هم انجام می‌دادم. قبلاً به‌صورت سرپایی مشاور آقای رجایی بودم و سال ۵۹ بود که مرحوم شهید باهنر و شهید رجایی اصرار کردند که استاندار کرمان بشوم که من قبول نکردم. بالاخره آقای رجایی که آن موقع نخست‌وزیر و مرحوم شهید باهنر که آن موقع وزیر آموزش و پرورش بودند، من را قانع کردند که مدیرکل گزینش آموزش و پرورش شوم. چون آن موقع آموزش و پرورش درگیری‌های خیلی زیادی داشت. از حضور ساواکی‌های سابق گرفته تا توده‌ای‌ها و منافقین. یک نفر را می‌خواستند که آن وزارت را پاک‌سازی کند. البته چند ماه قبل از آن به همراه سه نفر از دوستان، آقای مظفری‌نژاد و آقای دکتر ظفرقندی و آقای صابری ظفرقندی که لیسانس حقوق داشت و به امور حقوقی وارد بود، آیین‌نامه‌ای نوشته بودیم که در سال ۵۹ با اصلاحاتی به‌عنوان قانون تخلفات اداری در مجلس تصویب شد و الان هم جاری است.

■ یعنی در اوج جوانی این مسئولیت‌ها را برعهده داشتید؟!

بله. من در حالی مدیرکل گزینش آموزش و پرورش شدم که حدود ۲۸ سالم بیشتر نبود. جالب است بدانید که من آن موقع حتی استخدام هم نبودم و اصلاً حق امضا هم نداشتم! اما بعد با پیگیری آقای رجایی و آقای باهنر استخدام شدم.

اول مهر مدرسه آغاز می‌شد که ۳۱ شهریور ۵۹ جنگ شروع شد. خیلی سال عجیبی بود و پر از درگیری! در ادامه هم، فرار بنی‌صدر و قتل‌ها و انفجارهای سال ۶۰ اتفاق افتاد و ماجرای شهادت مرحوم بهشتی و تعدادی از وزرا و نمایندگان مجلس و مسئولان و بعد از آن انفجار دفتر نخست‌وزیری پیش آمد.

”

از قبل به آقای رجایی گفته بودم که من به شرطی می‌آیم که در مدرسه مفید بمانم. به آیت الله خامنه‌ای هم همین موضوع را گفتم و ایشان هم گفتند در حدی که مدرسه نیاز دارد برو



بعد از فرار بنی‌صدر و زمانی که آقای رجایی رئیس‌جمهور شد، ایشان به من گفتند رئیس‌دفترشان شوم و من هم قبول کردم. در شرایطی که هنوز ۲۹ سالم کامل نشده بود. بعد از آن هم که آقای رجایی ۲۰ روز بیشتر زنده نبود و هشتم شهریور هم به همراه آقای باهنر که نخست‌وزیر شده بود، شهید شدند.

■ روز انفجار کجا بودید؟

در همان ساختمان ریاست‌جمهوری و اتاق من کنار اتاق آقای رجایی بود و ساختمان ما در کنار ساختمان نخست‌وزیری قرار داشت و من کاملاً حس کردم، چرا که اتاق ما هم لرزید و در اتاق باز شد و...

■ در ادامه در دفتر ریاست‌جمهوری ماندید؟

بله. یک روز پیش از انفجار حزب جمهوری و شهادت شهید بهشتی و یاران ایشان، ماجرای انفجار مسجد ابودر پیش آمده بود که آیت‌الله خامنه‌ای دستشان مجروح شده بود. من به همراه آقای مهندس عزیزی که معاون من بود و مرحوم آقای کیومرث صابری که مشاور فرهنگی و سیاسی رئیس‌جمهور بود، بعد از ماجرای شهادت آقای رجایی به عیادت ایشان رفتیم و شرایط را توضیح دادیم و تقاضای استعفا کردیم که ایشان موافقت نکرد و زمانی هم که ایشان رئیس‌جمهور شدند، مجدداً به من به‌عنوان رئیس‌دفتر ریاست‌جمهوری و آقای کیومرث صابری فومنی یا همان گل‌آقا به‌عنوان مشاور فرهنگی حکم دادند. البته مشاور سیاسی ایشان نیز، محمدرضا بهشتی فرزند شهید بهشتی بود. کلاً حدود یک سال و دو سه ماه، من رئیس‌دفتر آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای ریاست‌جمهوری‌شان بودم.

■ با وجود این مشغله فراوان، مدرسه مفید هم بودید؟



من احساس می‌کنم که در قدیم همه چیز با هم هماهنگ بود. یعنی بچه‌ها در مدرسه، صداوسیما، و جامعه همه جا یک چیز می‌دیدند ولی الان کاملاً برعکس شده و یک حرف‌هایی را مثلاً معلم دینی برایشان می‌گوید بعد می‌آیند بیرون می‌بینند اصلاً اینطور نیست

■ بعد از آن کجا رفتید؟

اواخر سال ۸۰ یکی از دوستان که رفته بود وزارت پست و تلگراف و تلفن، خیلی به من اصرار کرد که به آنجا بروم و وضعیت موبایل را که نابسامان بود، سروسامان بدهم. با وزیر آنجا که آقای معتمدی بود، هم صحبت کرده بود و خلاصه به آنجا رفتم و شدم مشاور مدیرعامل مخابرات و مدیرکل مشترکان و متقاضیان تلفن همراه و تا شهریور ۸۲ هم آنجا بودم و کارهایی هم در آنجا کردم. در شهریور سال ۸۲ از وزارت پست و تلگراف بیرون آمدم و از کار اجرایی هم خسته شده بودم ولی تا سال ۸۳ مشاور آقای دکتر ناصری شدم. ایشان آن موقع معاون وزیر ارشاد و مدیرعامل خبرگزاری ایرنا بود. بعد هم که آقای خرم وزیر راه، پیشنهاد داد که مشاور ایشان بشوم که رفتم. مدتی هم خبرگزاری می‌رفتم هم وزارت راه.

■ عضو شورای عالی آموزش و پرورش هم بودید؟

بله. از سال ۶۴ تا ۶۸، ۶۸ تا ۷۲، ۷۲ تا ۷۶ که دوره اول با حکم آقای خامنه‌ای بود و چهار سال دوم و سوم هم با حکم مرحوم آقای رفسنجانی. سال ۷۶ که آقای خاتمی رئیس‌جمهور شد، من با آقای مظفر که وزیر آموزش و پرورش شده بود، دچار اختلاف شدیم، استعفا دادم و گفتم دوره بعد عضو شورای عالی نمی‌شوم و به وزارت علوم در زمان وزارت آقای دکتر معین مأمور شدم. از خرداد ۷۷ تا اواخر سال ۸۰ در وزارت علوم مأمور بودم و در کارهای عمرانی و ساخت و احداث خوابگاه‌ها و دانشگاه‌ها فعالیت داشتم.

و... بودند. خلاصه در جلسه مشکلات را مطرح کردم و آقای باهنر هم حمایت کرد و یادم هست که می گفت ایشان با اینکه مهندس است، کارش را رها کرده و آمده در مدرسه فعالیت می کند و ما باید حمایت کنیم.

بعد از مطرح شدن راه حل های مختلف برای تأمین اعتبار که خیلی هم قابل اجرا به نظر نمی رسید و نیاز را هم تأمین نمی کرد، مرحوم عالی نسب رو به من کرد و گفت که اتمام این کار به نظر شما چقدر هزینه دارد، من البته الان اعداد و ارقام یادم نیست، گفتم مثلاً حدود یک میلیون تومان. همان جا ایشان دست کرد در جیبش و دسته چک را در آورد و دو تا چک مثلاً ۵۰۰ هزار تومانی امضا کرد و به من داد و گفت برو و با خیال راحت کارت را انجام بده.

در واقع کمک اصلی برای تکمیل مدارس مفید توسط ایشان در همان جلسه انجام شد و توانستیم ساختمان مدارس را تکمیل کنیم. یادم هست که اولین دوره راهنمایی مفید را در سال ۱۳۶۱ توانستیم ثبت نام کنیم.

اردوهای جهادی برای اولین بار در مدرسه مفید راه اندازی شده، لطف کنید و در مورد شکل گیری اردوهای جهادی در مفید توضیح بدهید.

یک کار جالب، تشکیل اردوهای جهادی بود که توسط مدارس مفید شکل گرفت. آن زمان بچه ها خیلی هماهنگ بودند و خیلی هم اعتقاد داشتند به معلمانشان. بعد از اطلاع از نیاز منطقه قروه کردستان به فعالیت های جهادی که هم زمان بود با راه اندازی جهاد سازندگی، تابستان سال ۵۹ بود که حدود ۳۰ نفر از دانش آموزان را بردیم قروه و دیدیم قروه و روستاهای اطرافش کار انجام نشده زیادی دارد، مثل چیدن و درو کردن محصولات و گندم کشاورزان، لوله کشی و بنایی و کارهای دیگر. بچه ها را تقسیم بندی کردیم در گروه های مختلف که کارهای خوبی را انجام دادند. آن سال، اولین اردوی جهاد سازندگی را ما داشتیم که حالا اسمش شده اردوی جهادی که در جامعه رواج پیدا کرده و سپاه و بسیج و جاهای دیگر اردوهای جهادی راه می اندازند. از آن سال تا حالا اردوی

”

من اعتقاد دارم که معلم و تمام آدم هایی که در سطوح مختلف از مدیر تا مستخدم در مدرسه هستند به لحاظ سلامت روح و شخصیت باید طوری باشند که دانش آموز احساس کند که این باید الگوی من باشد



■ دیگر به آموزش و پرورش برنگشتید؟

آقای خرم که از طرف مجلس استیضاح و برکنار شد، دوباره می خواستم برگردم آموزش و پرورش ولی آقای رحمتی که هم دانشگاهی ام بود، وزیر راه و ترابری شد و من هم شدم قائم مقام معاون توسعه نیروی انسانی. سال ۸۷ و زمانی که صحبتش بود که قرار است احمدی نژاد آقای رحمتی را از وزارت راه کنار بگذارد، من تقاضای بازنشستگی کردم که اول موافقت نکرد ولی بعد از اصرار من، او با تقاضای من موافقت کرد و نامه تقاضای من را امضا نمود. بعد از او دکتر بهبهانی معاون او که وزیر شد، او هم خیلی مثلاً با من همکاری داشت ولی من می خواستم بروم که ایشان ناراحت شد ولی من گفتم ۳۰ سالم تا اول مهر سال ۸۷ پُر می شود و می توانم بازنشست شوم که به هر حال او موافقت کرد ولی تا اواخر اسفند همان سال با آن وزارتخانه همکاری داشتیم.

■ کمی برگردیم به دوران مدرسه مفید. چه شد که آن جا نماندید؟

همان طور که گفتم من تا شروع سال ۷۶-۷۵ در مدرسه بودم. آن روزها درگیری خیلی زیادی سر ثبت نام داشتیم، چون خیلی مدرسه معروف شده بود و در سه چهار سال آخر، ما برای هفتاد و هشتاد نفر از بیش از دو هزار نفر کنکور می گرفتیم. سفارش برای پذیرش دانش آموز هم خیلی داشتیم. البته آقای موسوی اردبیلی اخلاق ما را می دانست ولی بقیه نمی دانستند. چندین بار وزرای آقای هاشمی رفسنجانی به ایشان گفته بودند ما بچه مان را می خواهیم مدرسه مفید ثبت نام کنیم ولی رفیعی نمی گذارد و می گوید امتحان ورودی قبول نشده اند. خیلی درگیری پیش آمده بود و من به مانند در مدرسه بی تمایل شدم. الحمدلله آقای موسوی اردبیلی هم پذیرفت، یعنی می دانست من درگیری ام زیاد شده و حوصله این کارها را ندارم.

■ خاطره خاصی از دوران مدرسه مفید در ذهنتان مانده است؟

یک خاطره ای که من دارم آن زمانی بود که مدرسه مفید سال ۵۸ تازه راه افتاده بود و ساختمان هایش نیمه کاره بود، مفید زنجان مدرسه راهنمایی اش تقریباً ساخته نشده بود و طبقه دوم دبیرستانش هم در حد سفت کاری بود و مقداری گچ کاری شده بود، و رنگ هم حتی نداشت. خلاصه من به آقای موسوی اردبیلی مشکلات را گفتم. آقای موسوی اردبیلی به من گفت که شما بیا در هیئت مدیره مکتب و مشکلات را بگو که اگر امکانش بود کمکی بشود. البته هیئت مدیره شرکتی به نام مفاد که به عنوان جایگاه حقوقی مکتب تأسیس شده بود و مدیرعاملش شهید باهنر بود و تا جایی که در خاطرم هست، هیئت مدیره اش آقایان موسوی اردبیلی، صنعتی و عالی نسب



جهادی دانش‌آموزان مفید بدون وقفه انجام شده و فکر می‌کنم از سال ۱۳۶۹ هم فارغ‌التحصیلان مفید اردوهای جهادی دیگری را راهاندازی کردند.

■ با توجه به تجربه زیادی که در بحث آموزش و ارتباط با دانش‌آموزها دارید، می‌خواهیم بدانیم که از نظر شما نسل امروز چه تفاوت‌هایی با نسلی که شما با آن‌ها کار می‌کردید، دارد؟

خیلی نمی‌توانم قضاوت کنم که الان دانش‌آموزها چطور هستند اما آن موقع دانش‌آموزهایی که ما داشتیم خیلی مرید مدرسه بودند، در حدی که مثلاً همه زندگی‌شان می‌شد مدرسه. من یادم هست که مثلاً از صبح ساعت مثلاً شش و نیم که در مدرسه باز می‌شد، بچه‌ها می‌آمدند مدرسه و بعضی‌هایشان مثلاً ساعت نه، نه و نیم شب به‌زور از مدرسه برمی‌گشتند. می‌خواهم بگویم بچه‌ها بیشتر وقتشان را در مدرسه می‌گذراندند تا خانه. یعنی فقط خانه که می‌رفتند مثلاً شام می‌خوردند و می‌خوابیدند. آن موقع بچه‌ها می‌دیدند معلمانی که دوروبرشان هستند، آدم‌های بزرگی‌اند، مثلاً معاون وزیر و نمی‌دانم فلان. الان من فکر می‌کنم دیگر این‌طور نیست. یکی از خصوصیتی که من فکر می‌کنم آن موقع بچه‌ها می‌دیدند این بود که آن‌ها می‌دیدند معلم‌ها مجانی برای‌شان کار می‌کنند. معلم‌هایی بودند که تا اواخر فعالیت من در مدرسه فقط به‌خاطر معلمی به مدرسه می‌آمدند و اگر حتی می‌خواستیم بابت حق‌التدریس پولی به ایشان بدهیم، قبول نمی‌کردند و با عشق سر کلاس حاضر می‌شدند. معلمانی داشتیم مانند آقای شکبیا که در آن زمان دانشگاه آزاد با حقوق چندبرابر و ماشین برای رفت‌وبرگشت به دانشگاه، ایشان را جذب کرده بود اما گفته بود که دو روز مدرسه مفید را نمی‌توانم دانشگاه بیایم. یادم هست که همین آقای دکتر شکبیا که فرزندش هم در جنگ شهید شده بود، از منزلشان در تهرانپارس که



”

این که یک نفر مسئول امور پرورشی باشد و برنامه‌هایی مثل قرآن و مناسبت‌های مختلف را در مدرسه برگزار کند، اثری نداشته و ندارد. بلکه تمامی معلمان و کادر مدرسه باید اثرگذاری پرورشی داشته باشند



پرورشی باشد و برنامه‌هایی مثل قرآن و مناسبت‌های مختلف را در مدرسه برگزار کند، اثری نداشته و ندارد. بلکه تمامی معلمان و همه کادر مدرسه باید اثرگذاری پرورشی داشته باشند.

ضمن اینکه معلم باید آن‌قدر مطلب بداند که مثلاً یک‌صدمش را به دانش‌آموز بگوید. جزئی از مطالب خودش را به دانش‌آموز بدهد، نه اینکه یک‌دوره از دانش‌آموز خودش جلوتر باشد. به قول مرحوم آقای روزبه همان اول‌هایی که من رفته بودم مدرسه علوی به من می‌گفت که: «معلم باید روی دانش‌آموز ریزش داشته باشه، این جور نباشد که مثلاً هم‌سطح باشد یا یک شب جلوتر باشد.» به‌عنوان مثال اگر کسی فیزیک چهارم دبیرستان را درس می‌دهد، باید حداقل فوق لیسانس یا لیسانس فیزیک یا رشته‌های مرتبط با آن را داشته باشد.

■ اگر الان مدیر مدرسه بودید، چه برنامه‌هایی را ادامه می‌دادید؟

همان چیزهایی که الان عرض کردم را ادامه می‌دادم یعنی من آدم‌هایی را می‌آوردم مدرسه که نه اینکه بگویم پول نگیرند ولی به‌خاطر پول کار نکنند. من اعتقاد این است که در همه دنیا دانش‌آموز باشخصیت معلم پرورش پیدا می‌کند و رشد می‌کند و آدم می‌شود، یعنی برای خودش کسی می‌شود، نه فقط با آموزش. اینکه بگویم آدم خوبی باش بعد خودمان مثلاً هزار تا کار بکنیم، روش درستی نیست و تأثیری ندارد. بلکه تأثیر معکوس دارد، یعنی باید شخصیتی را ببیند که بفهمد که چطور زندگی کند. حالا این موضوع در کشورهای دیگر با فرهنگ‌های مختلفی که دارند، متفاوت است.

باید دانست که هر کشور پیشرفته‌ای آموزش و پرورش خوب و پیشرفته‌ای دارد و هر جا عقب افتاده است، آموزش و پرورش عقب‌افتاده‌ای دارد.



شرق تهران است و مسافت زیادی تا مدرسه که در غرب تهران است با اتوبوس رفت‌وآمد می‌کرد و یک بار هم نشد که با تأخیر سر کلاس حاضر شوند.

البته مدرسه آن زمان تا سال ۱۳۷۰ از دانش‌آموزان پولی دریافت نمی‌کرد و از سال ۱۳۷۰ به بعد هم که مدرسه به‌دلیل قوانین آموزش‌وپرورش غیردولتی شد، باز هم ما به اولیا دانش‌آموزان خیلی تخفیف می‌دادیم. به‌جهت اینکه دلمان نمی‌خواست که بافتشان عوض شود و حتی به بعضی از دانش‌آموزان کمک هم می‌کردیم و البته بدون اینکه خودشان بفهمند. مثلاً به مادرشان یا پدرشان کمک‌هایی می‌کردیم که خود دانش‌آموز هم متوجه نمی‌شد. به هر حال، یعنی خصوصیت آن موقع مدرسه این بود که بچه‌ها احساس می‌کردند که معلمانشان برای کارهایی که برای آن‌ها دارند می‌کنند، پول نمی‌گیرند. حالا چه درس قرآن، چه جلسه هفتگی در خانه‌شان و یا کارهای دیگر... ولی الان من فکر کنم که خب یک مقداری اوضاع عوض شده یعنی مجبورند که با پرداختن اولیا حقوق معلم را بدهند و همه خرج مدرسه را می‌دهند. در نتیجه روحیات بچه‌های الان، جدای از شرایط اجتماعی خیلی عوض شده است.

علاوه بر این، من احساس می‌کنم که در قدیم همه‌چیز با هم هماهنگ بود. یعنی بچه‌ها در مدرسه، صداوسیما و جامعه همه‌جا یک چیز می‌دیدند ولی الان کاملاً برعکس شده و یک حرف‌هایی را مثلاً معلم دینی برایشان می‌گوید بعد می‌آیند بیرون می‌بینند اصلاً این‌طور نیست.

■ فکر می‌کنید معلمان باید چه خصوصیتی داشته باشند؟

من فکر می‌کنم بزرگ‌ترین خصوصیتی که یک معلم باید داشته باشد، شخصیت است. شخصیت به این معنا که برای پول کار نکنند. چرا که دانش‌آموز در کنار درسی که می‌خواند، باید رشد شخصیتی پیدا کند. شخصیت هم باید توسط معلم به او منتقل شود. طوری که دانش‌آموز احساس کند که این معلم باید الگوی من باشد. دانش‌آموز از معلم هندسه‌اش هم شخصیت می‌گیرد، در کنار هندسه شخصیت هم می‌گیرد یا از معلم ادبیات در کنار ادبیات شخصیت هم می‌بیند، از معلم زیست‌شناسی‌اش هم در کنار زیست‌شناسی شخصیت آن معلم رویش اثر می‌گذارد. آن‌ها باید آدم‌هایی باشند که شخصیتشان روی دانش‌آموز آن‌قدر اثر بگذارد که آن دانش‌آموز را باشخصیت بار بیاورد، بزرگ بار بیاورد. من اعتقاد دارم که معلم و تمام آدم‌هایی که در سطوح مختلف از مدیر تا مستخدم در مدرسه هستند، به‌لحاظ سلامت روح و شخصیت باید طوری باشند که دانش‌آموز احساس کند که این باید الگوی من باشد و من شخصیت و آمدورفت، نشست‌وبرخاست را از این‌ها باید یاد بگیرم.

من خاطرم هست، زمانی که در وزارت آموزش‌وپرورش بودم، بحث سر مسئولان پرورشی مدارس بود که اعتقاد داشتیم باید این جایگاه حذف شود. این که یک نفر مسئول امور

”

باید دانست که هر کشور پیشرفته‌ای آموزش‌وپرورش خوب و پیشرفته‌ای دارد و هر جا عقب افتاده است، آموزش‌وپرورش عقب‌افتاده‌ای دارد

حک شدگی معلمی!

گفت‌وگو با دکتر محمدرضا سرکارآرانی استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن



هستیم که چطور آموزش بدهیم، در صورتی که نگرانی ما بهتر است بیشتر متوجه یادگیری بچه‌ها باشد. اینکه بچه‌ها چطور یاد می‌گیرند و آیا یاد می‌گیرند و به چه کیفیتی؟

کیفیت یادگیری مهم است ولی ما بیشتر سرگرم مرور موضوع یا محتوای آموزش هستیم. این دلواپسی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ از پارادایمی می‌آید که به معلم خوب تکیه دارد نه معلمی و فرایندگرایی! فکر می‌کنیم که با جست‌وجوی معلم یا آموزش او همه کارهای تربیت در مدرسه ما درست می‌شود. به نظر می‌رسد بهسازی فرایندها به توجه بیشتری نیاز دارند. با افراد همیشه بار به منزل نمی‌رسد! معلم در فرایند بهسازی، معلمی بالنده و اثربخش می‌شود، عکس آن دشوار است. یعنی تنها معلم نمی‌تواند فرایند یادگیری را درگون سازد. عوامل بسیار در فرهنگ آموزش و برنامه‌های درسی و مدیریت آموزش و مدرسه‌داری و... در اثربخشی کار او موثرند. وقتی او یاد می‌گیرد فرزندان ما نیز یاد می‌گیرند و یادگیری معلم به یادگیری سازمانی و تحول فرایندها مرتبط است. امری فردی و سلیقه‌ای نیست.

محور در تحول، معلم نیست؛ فرایند معلمی است. فرایندها مهم‌اند. خیلی بیش از افراد. فکر می‌کنیم تحول معلم، ضامن بهبودی معلمی است. کما اینکه فکر می‌کنیم ابزار کیفیت ضامن کیفیت است. ولی به نظر می‌رسد در بهسازی فرایندهای معلمی، معلم نیز متحول می‌شود. شما چطور می‌اندیشید؟

منطق ما با منطق بچه‌ها در بهسازی آموزش نیز متفاوت است. آنها حقوق‌اندیش‌اند و ما بزرگسالان تکلیف‌اندیش. منطق الگوها و طراحی‌های آموزشی و درسی ما بزرگسالانه و تکلیف‌اندیش است اما منطقی که در پداگوژی، کودکان به آن می‌اندیشند بر بنیان حقوق استوار است. بهسازی فرایندها به بزرگسالان یاری می‌دهد تا صدای بچه‌ها را بشنوند و فاصله دو پارادایم تکلیف‌اندیشی و حق‌اندیشی را کاهش دهند و راهی برای سازگاری اثربخش آن‌ها بیابند. این یعنی اندیشه در مناسبات تار (عمودی) و مناسبات پود (افقی) با هم.

■ شکل‌گیری اجتماع حرفه‌ای معلمان تا چه حد می‌تواند برای بهسازی آموزش موثر باشد؟

خانه یادگیری سرو هر روز میزبان گروه‌های متعددی از معلمان برای یادگیری است. در یکی از پنج‌شنبه‌های ماه مرداد دکتر محمدرضا سرکارآرانی، استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن که کتاب‌های ایشان در زمینه درس‌پژوهی و درس‌کاوی، منبع مناسبی برای بهسازی آموزش توسط اجتماع حرفه‌ای معلمان است، نیز میهمان این محفل دلنشین یادگیری بود. آنچه در زیر می‌خوانید، گفت‌وگوی کوتاهی است که با ایشان داشتیم.

■ ما در آموزش تا چه میزان باید دغدغه طراحی یادگیری را داشته باشیم؟

یادگیری بچه‌ها نتیجه معلمی است. ما همیشه نگران

”

محور در تحول، معلم نیست؛ فرایند معلمی است. فرایندها مهم‌اند. خیلی بیش از افراد. فکر می‌کنیم تحول معلم، ضامن بهبودی معلمی است. کما اینکه فکر می‌کنیم ابزار کیفیت ضامن کیفیت است

حلقه‌های یادگیری از جنس خانه یادگیری سرو مفید فرصتی برای اشتراک این تجربه‌ها و دلوایی هاست. البته تمرین مهارت‌های تدریس نیز لازم است ولی بهتر است فراتر رفته تجربه‌ها و راه‌های سازگاری با بچه‌ها را بیشتر بررسی کنیم. خیلی خوشحالم که مفید تجربیات خود را با دیگران به اشتراک گذاشته و معلم‌هایی از مدارس و شهرهای مختلف می‌آیند و با این تجربیات، در خانه یادگیری سرو آشنا می‌شوند و امیدوارم با تمرین زبان مشترکی به حسی مشترک برای گفت‌وگو و تمرین شنیدن از بچه‌ها برسیم. بچه‌ها را بشنویم و تا جایی که محیط اجازه می‌دهد از این تجربیات بیشتر استفاده کنند. زیر پوست شهر ناامیدی موج می‌زند، حضور معلم‌ها در حال گفت‌وگو و اشتراک تجربه‌ها و کار مشترک فرهنگی آنها در اینجا برای پیدا کردن راه‌های تازه شنیدن بچه‌ها، امیدوارکننده است.

با مشاهده سریع کار معلمان در خانه یادگیری سرو متوجه شدم معلم‌ها امروز درباره درس علوم تجربی حلقه‌های یادگیری خود را تشکیل داده‌اند. برای ژاپنی‌ها جالب توجه است که نام تمام کتاب‌ها و درس‌های علوم ما، علوم تجربی است. خیلی وقت‌ها سربسر من می‌گذارند و می‌گویند این از تیزبینی شما ایرانی هاست که نام کتاب‌های علوم را گذاشته‌اید علوم تجربی! می‌پرسم چرا؟ می‌گویند چون در علم تجربی کسی علامه نمی‌شود و دانشمند علم تجربی مدام در حال هرس کردن خودش است. اینجا جای پروبال دادن به علامه‌ها نیست! می‌گویند با نام علوم تجربی روی کتاب‌ها و درس‌های علم جدید، پیش‌فرض را آزمون‌پذیر می‌کنید و حساب و کتاب نظام‌های آگاهی محلی را از هم تمیز می‌دهید و علم تجربی را از آموزه‌هایی که از سنت می‌آیند متمایز کرده‌اید.

چالش اصلی برای بهسازی آموزش این است که از کجا شروع کنیم. تمام دنیا می‌خواهند فرایند آموزش را به‌مثابه یک قطار در حال حرکت اصلاح کنند، اما در اینکه از کجا شروع کنند با هم اختلاف دارند. ژاپنی‌ها از نقطه چطور (how) شروع می‌کنند. خیلی درگیر چی و چرا نمی‌شوند به دلیل اینکه به بهسازی فرایندها باور دارند. آمریکایی‌ها از پرسش چرا شروع می‌کنند.

■ ما برای آموزش معلمان تا چه حد می‌توانیم از تجارب سایر کشورها بهره ببریم؟

وقتی درباره یک کلاس و بهسازی آن می‌خواهیم نظر بدهیم، بهتر است بر اساس شواهد و مدارک عینی باشد. جایی که شتر پرورش می‌دهند (کویر) با جایی که اسب پرورش می‌دهند (دشت سبز) متفاوت است. نسخه بهسازی واحدی برای این دو سرزمین، جامعه و فرهنگ و... وجود ندارد. هر دو می‌توانند از هم بیاموزند ولی نسخه و صورت‌بندی مسئله‌هایشان برای بهبودی یکی نیست. معنی سرزمین در نظریه آدام اسمیت از کهریزک تا سیرجان که منطقه‌ای کویری است، نیست، از اسکاتلند سربسز تا استانبول است. هر دو به معنی لند (سرزمین) است ولی این کجا و آن کجا؟ بدون توجه به بنیان‌های زیست‌محیطی، تاریخی و سرزمینی و فرهنگی و... تنها پای کوه نشستن و از قله‌های ارتقای دیگران تمجید کردن، به فهم مسئله‌ها و حل آن‌ها کمک نمی‌کند.

ما کجا ایستاده‌ایم؟ بدون پاسخ به این پرسش راه به جایی نخواهیم برد. ما کارهایی می‌کنیم که همه‌اش خوب است، اما نمی‌دانیم چطور با یادگیری باکیفیت بچه‌ها پیوند بزنیم. با وسواس مدرسه‌داری می‌کنیم، در حالی که در نهایت کار آموزش، کیفیت یادگیری بچه‌ها است. اگر بچه‌ها یاد نگرفتند، تدریسی اتفاق نیفتاده است.

کار ما در پداگوژی، تلاش برای رصد و مستند کردن بهترین اجرا برای برگزیده شدن در جشنواره‌ها نیست. بعضی وقت‌ها تدریس‌های چالشی، نکات بیشتری برای یادگیری دارند. مستندسازی و نشر بهترین تدریس‌ها برخی اوقات احساس دانایی در ما به وجود می‌آورد، تبدیل به حجاب می‌شود و ما را از یادگیری مستغنی می‌سازد. بعضی وقت‌ها موفقیت‌ها حائل می‌شوند. بعضی وقت‌ها گسترش و توسعه حائل می‌شود. باید با هم کمک کنیم و از این حجاب‌ها عبور کنیم.

اصطلاحی در دو اقتصاد غیرکاپیتالیستی ژاپن و آلمان داریم به‌عنوان حکشدگی (embeddedness). و احساس می‌کنم معلمین زیادی داریم که دچار حکشدگی نهادهای یا هنجارهای پیرامونی هستند و تابعی از پیام‌ها یا دخالت‌های پیدا و پنهان هنجارهای پیرامون

خودشان شده‌اند. حکشدگی تنها مسئله‌ای در اقتصاد نیست، در مسئله آموزش، معلم و معلمی اینجا و اکنون ما هم هست. حکشدگی در پداگوژی ایران فقط مشکل مدارس عادی نیست که یک معلم خلاق و علاقه‌مند نمی‌تواند فعالیت خاصی را انجام بدهد یا ایده‌ای پیش ببرد. همه ما از جمله مدارس خاص نیز در چنبره نهادهای غیر پداگوژیکی گرفتار و به عبارتی حک شده‌اند. تا جایی که عمل به بدیهیات به تدریج خجالت‌آور می‌شود! همان طور که از عقلانیت و گفت‌وگو درباره منطق بازار در اقتصاد توسط نهادهای غیراقتصادی، هنجارزدایی می‌شود!

چطور معلمان خلاق را حک می‌کنیم؟ این حکشدگی و میخکوب شدن به‌خاطر هنجارها و نهادهای غیرپداگوژیکی در خارج از نهاد مدرسه کار را بر بهسازی آموزش دشوار و علاقه‌مندان را در حد تمرین مهارت‌ها و تکنیک‌های بروکراتیک پایین می‌آورد تا جایی که آن‌ها را از پرسیدن چرا و چگونه باز می‌دارد.

تولید سندهای مؤسسه‌ای، سازمانی، محلی و ملی یکی دیگر از عوامل حک‌کننده است! شما سند تحول آموزش و پرورش را نقد می‌کنید ولی هم‌زمان در مفید در حال تولید سند و طرح و برنامه و... هستید. هر یک از اخوی‌های شما هم برای مؤسسه خودشان یک مینی‌سازمان پژوهش درست کرده‌اند! شاید نیاز داریم زاویه دید را تغییر دهیم. در مؤسسه‌ای مثل شما شاید ما سر را بزرگ می‌کنیم، یعنی طرح و برنامه بسیار داریم ولی برای توانایی بخشی به دو دست و دو پای بچه‌ای در کلاس درس و تمهید نتیجه آن، یعنی یادگیری، نحیف و لاغریم. آیا ما ظرفیت و گنجایش این همه حرف‌های خوب روی کاغذها و به نام‌های گوناگون چشم‌انداز، سند، برنامه، طرح و... را داریم. از همه چیز گفتن، خیلی وقت‌ها یعنی هیچ نگفتن. به خاطر داشته باشید ابزار کیفیت مساوی کیفیت بخشی نیست! و از همه چیز گفتن به معنی دیگر سکوت است! این همه می‌گوییم تا آنچه می‌خواهیم بگوییم را پنهان کنیم و این یعنی حکشدگی!

این حکشدگی و میخکوب شدن

به‌خاطر هنجارها و نهادهای

غیرپداگوژیکی در خارج از نهاد مدرسه

کار را بر بهسازی آموزش دشوار و

علاقه‌مندان را در حد تمرین مهارت‌ها

و تکنیک‌های بروکراتیک پایین می‌آورد

تا جایی که آن‌ها را از پرسیدن چرا و

چگونه باز می‌دارد.

الگوی آموزشی مفید حاصل مشارکت در تمامی سطوح است

گفت‌وگو با دکتر فخرالدین دانش رئیس مجتمع آموزشی مفید،
علی صحافزاده معاون مقطع متوسطه دوره اول مفید و
حمیدرضا عبدالمحمدي معاون مقطع دبستان و مدیر خانه یادگیری سرو مفید



■ در رابطه با الگوی آموزشی مفید، شکل‌گیری،
طراحی و تدوین آن توضیح می‌دهید؟

دکتر دانش: تاریخ بحث الگوی برنامه‌درسی برمی‌گردد به خیلی وقت پیش که ما در مجموعه مفید احساس می‌کردیم که نواقصی در روال آموزشی و تربیتی ما وجود دارد و در فارغ‌التحصیل‌های ما هم این نقیصه بروز پیدا می‌کرد. البته در فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که از قدیم بود، به مباحث رشد دانش‌آموزان و بحث‌های تربیتی توجه داشتیم اما در آن دوران، بیشتر تمرکز روی موضوعات آموزشی بود و مسائل دیگر بیشتر به‌عنوان فعالیت‌های فوق‌برنامه اجرا می‌شد. اشکالش هم این بود که وقتی به‌صورت یک برنامه فرعی این مسئله مطرح می‌شد، آن اولویتی که در مسیر رشد و توسعه فردی دانش‌آموز باید ایجاد می‌شد، اتفاق نمی‌افتاد یا بعضاً در تعداد خاصی این روال ادامه پیدا می‌کرد. از

طرف دیگر، ما نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر را هم بررسی کردیم. به‌عنوان مثال، در زمان تحصیل دکتر، به‌دلیل علاقه شخصی به موضوع آموزش، روال و برنامه‌های مدارس انگلیس را بررسی کردم. در آنجا، چیزی به‌عنوان آموزش‌وپرورش (جدا از هم) ندارند و اهدافی که ما در برنامه‌های فوق‌برنامه به شکل ناقص داشتیم، به‌عنوان جزئی از برنامه‌درسی کلاس اجرا می‌شد و این امر باعث جرقه‌ای شد که این مدل اثربخشی بیشتری دارد و می‌تواند به رشد نیروها و دانش‌آموزها بیشتر کمک کند. پس ما هم به این فکر افتادیم که کلاس‌های فوق‌برنامه را با برنامه‌های اصلی آموزشی تلفیق کنیم و نواقصش را هم برطرف کنیم و ببینیم چگونه می‌شود در مجموعه روال‌های آموزشی ما این اتفاق رخ دهد. در ابتدا، بحث‌هایی مثل روش‌های شناختی مطرح شد که در آن ایام در ایران هم مطرح بود و پژوهشگاه علوم شناختی هم در این زمینه کار می‌کرد. ما فکر کردیم که اولین مسئله ما این است که بتوانیم برای معلم‌ها فلسفه این سبک آموزش را طرح کنیم و در واقع، دنبال ایجاد تغییر نگرشی در کل مجموعه مدیران و معلمان بودیم تا بعد از آن با توجه به تغییر در بینش‌های افراد بتوانیم برنامه‌درسی را پیاده‌سازی کنیم. برای مدتی دوره‌هایی را در این زمینه گذاشتیم و با پژوهشکده علوم شناختی قراردادی امضا کردیم اما احساس کردیم که آن اثربخشی لازم را ندارد و به این نتیجه رسیدیم که لازم است در داخل مجتمع بیشتر به این مسئله بپردازیم. از اینجا شروع بحث تدوین

■ این الگو تا چه حد با الگوی آموزشی آموزش و پرورش ایران منطبق هست؟

دکتر دانش: واقعیتش این است که ما در آموزش و پرورش یک سند تحول بنیادین داریم که آن هم ابتدا بر مبنای فلسفه‌ای شکل گرفت و گروه‌های مختلفی هم در آنجا فعال بودند اما به نظر من، اشکال آن این بود که افرادی که سند را تدوین می‌کردند، کسانی نبودند که تجربه مدرسه‌داری داشته باشند. ایراد بزرگ سند تحول، عملیاتی نبودن آن است. زیرا این سند براساس آمال و آرزوهای افرادی که آن را طراحی کرده‌اند، تدوین شده است. لذا می‌توانیم بگوییم که الگوی برنامه‌درسی ما خیلی مشابه سند تحول است اما در الگوی مفید، از مشارکت افرادی که در مدرسه مشغول کار بودند و تجربه معلمی و مدیریتی داشتند، استفاده شده و خودبه‌خود به یک سند کاملاً عملیاتی و قابل پیاده‌سازی تبدیل شده است. البته نمی‌توانیم بگوییم این سند، صددرصد کامل هست. به‌هرحال، هر سندی که تهیه شود، رفت‌وبرگشت‌ها و نواقصی دارد اما نکته مهم عملیاتی بودن سند است. یعنی طوری دیده شده که قابل پیاده‌سازی باشد و به نظر من تجربه موفق‌تری هست که می‌شود آن را تکثیر کرد.

صحافزاده: اتفاقی که در این مسیر افتاده، این است که تمام عناصر مجموعه در حال یادگیری بودند و هستند. یعنی از خود تیم الگو و معلمان تا عناصر مدرسه، مدیران و ساختار مدرسه در جهت رسیدن به این اهداف، باید کارهایی انجام دهند و فرایند تغییر و نوآوری را باید طی کنند که یک فرایند رفت‌وبرگشتی است. این طور نیست که خطی باشد و عده‌ای تفکر از بالا داشته باشند و اجرا شود. تفاوتی که الگوی مفید با سند تحول دارد، همین مشارکت افراد در تمام سطوح است. نه اینکه رویکرد برنامه‌درسی را تغییر اساسی دهند ولی یک گفت‌وگوی دوطرفه است و این رفت‌وبرگشت، جزو پویایی‌های ضروری کار است. ضمن اینکه زمان زیادی نیاز است تا یک مربی حرفه‌ای شود و در عین حال با تجربه‌هایشان نقش‌آفرین هستند. در سند تحول، به نظر می‌رسد



الگوی آموزشی کامل و کارآمد، علاوه بر تعیین ویژگی‌های نهایی یادگیرنده، باید برای نگاه‌های زیربنایی یادگیری، اصول یادگیری، اهداف آموزشی، شیوه آموزش و ارزشیابی، نقش مربی و موضوعات آموزشی سندهای مرتبط داشته باشد

برنامه‌درسی با چنین رویکردی کلید خورد و قرار شد ابتدا در مقطع دبستان این اتفاق رخ دهد. بعد که مقداری در مقطع دبستان جلو رفتیم، در متوسطه اول هم وارد چنین حوزه‌هایی شویم. بعد از آن، بحث هیئت‌علمی و الگوی برنامه‌درسی شکل گرفت. برای انجام این کار، نیاز به سرمایه‌گذاری بود که بودجه‌ای برای آن اختصاص داده شد. ابتدا یک دوره برنامه پنج‌ساله را در نظر گرفتیم که در هر سال بتوانیم برای یکی از پایه‌ها و در درس‌های با اهمیت بیشتر، این برنامه‌درسی را تدوین کنیم و سال‌به‌سال پایه‌ها را افزایش دهیم. انگیزه و هدف این کار، رفع نقایصی بود که در سیستم آموزشی احساس کرده بودیم و با تطبیقی که با نظام‌های آموزشی دیگر پیدا می‌کرد، به این نتیجه رسیدیم که خوب است این کار را در مجتمع مفید شروع کنیم و روی آن سرمایه‌گذاری کنیم و روال را جلو ببریم.

عبدالمحمدی: با مطالعه تجارب زیسته دبستان‌ها و جمع‌آوری تجربه‌های جهانی و بومی در روش‌های اثربخش و کارآمد دنیا، به کمک هم و به تدریج، الگوی آموزشی جدیدی با عنوان الگوی آموزشی دبستان‌های مفید به وجود آمد. در تدوین این سند، از چهار منبع مهم سند تحول آموزش و پرورش، سند راهبردی مجتمع آموزشی مفید، نیازهای آشکار و پنهان محیطی و یافته‌های روز دنیا استفاده شده است. در حقیقت، ما می‌خواستیم تفاوتی با وضعیت موجود داشته باشیم. یکی از نقاط قوت هر الگوی آموزشی، تعیین خروجی‌های آن است. یک الگوی آموزشی کامل و کارآمد، علاوه بر تعیین ویژگی‌های نهایی یادگیرنده، باید برای نگاه‌های زیر بنایی یادگیری، اصول یادگیری، اهداف آموزشی، شیوه آموزش و ارزشیابی، نقش مربی و موضوعات آموزشی سندهای مرتبط داشته باشد. همچنین محتوای آموزشی باید به‌صورت برابر، شامل فعالیت‌های شناختی و ذهنی (مانند سوادآموزی و علوم)، فعالیت‌های فیزیکی و بدنی (مانند ورزش و دست‌ورزی) و فعالیت‌های عاطفی و زیبایی‌شناختی (مانند نقاشی، موسیقی و هنر) باشد. همچنین، در یادگیری هر موضوع آموزشی باید هر سه جنبه مذکور، موردتوجه باشد. این برنامه آموزشی، در عمل، به تدوین یک «طرح یادگیری» منجر شد که نحوه ورود به محتوای آموزش، شیوه ارزشیابی، شیوه طراحی فعالیت‌های یادگیری و تعیین مراحل یادگیری در آن گنجانده شده است.

صحافزاده: شاید دو مورد در تدوین الگوی متوسطه اول پررنگ بود. یکی اینکه دبستان‌های مفید با یک رویکرد متفاوتی فضای تعلیم و تربیتی خود را آغاز کردند. بعد از چند سال در جهت رسیدن به یک نگاه منسجم و یکپارچه تلاش کردند و این گونه، الگوی دبستان شکل گرفت. سال ۹۵ هنوز الگوی دبستان به مرحله تکمیلی خود نرسیده بود و قرار بود دو یا سه سال بعد به پایه‌های بالاتر برسد ولی برای متوسطه اول یک ضرورت بود که از ابتدا خود را آماده کند و نگاه منسجمی داشته باشد. نکته دوم، داشتن یک برنامه‌درسی مدرسه‌محور بود، چرا که در ایران یک برنامه‌درسی متمرکز وجود دارد. پس باید از یک طرف به اهداف آموزش و پرورش و اهداف اصلی برنامه‌درسی ملی کشور پاسخگو باشیم و از طرف دیگر باید اهداف خاص و در بعضی موارد عمیق‌تر را دنبال کنیم. در واقع، نگاه‌های تربیتی و آموزشی عمیق‌تر و اهداف مبتنی بر شایستگی‌های خاص مد نظر ما بود. این شایستگی‌ها زمانی جاری می‌شود که برنامه‌های درسی به اندازه کافی عمیق و غنی باشند و بتوانند در سطح کلاس‌های درسی پشتیبانی کنند. بنابراین، نگاهمان این بود که ما برنامه‌درسی را با همان عناصر محوری که یک برنامه‌درسی دارد، برای خودمان واضح و شفاف کنیم. تلاش اولیه با دو درس زبان انگلیسی و ریاضی در سال ۹۵ شروع شد، سال بعد سه حوزه آموزشی دیگر هم به آن اضافه شد: علوم تجربی، مطالعات اجتماعی و ادبیات فارسی. بدین ترتیب تیم‌های هیئت علمی متوسطه اول از تابستان ۹۶ رسماً شکل گرفت و تلاش کردیم که با اصول زیربنایی به تدوین یک برنامه‌درسی نزدیک شویم و چارچوبی را برای آن اختیار کردیم. پس از یک سال مطالعه تیمی، در تابستان سال ۹۷ اولین دوره آموزشی را برای معلمان پایه هفتم در این پنج حوزه یادگیری برگزار کردیم و در سال‌های بعدی حوزه دینی و تفکر و همچنین در ادامه قرآن و هنر وارد برنامه شد. بدین ترتیب سال‌به‌سال با تعامل و رفت‌وبرگشت بین تدوین‌کنندگان برنامه‌درسی و معلمان به‌عنوان طراحان آموزشی، تلاش کردیم تا اهدافمان به سطح کلاس درس و فعالیت‌های دانش‌آموزان برسد.



دانش‌آموزان و بازخورد گرفتن از معلم‌ها، متوجه شدیم که این اتفاق رخ داده و ما به اهداف موردنظرمان تا حدود زیادی رسیده‌ایم. رفتار بچه‌هایی که از دبستان مفید به متوسطه اول رفته‌اند، با بچه‌هایی که از مدارس دیگر آمده‌اند کاملاً متفاوت است. وقتی با معلمان و مسئولان متوسطه اول صحبت می‌کنیم، می‌گویند این بچه‌ها مهارت‌های خیلی خوبی دارند. مثلاً ما اگر در الگوی برنامه‌درسی، بحث تفکر را پررنگ دیده‌ایم تا بچه‌های متفکر و نقادی تربیت بشوند، معلم‌های ما می‌گویند دقیقاً این اتفاق افتاده و دانش‌آموزان به‌سادگی یک مطلب را نمی‌پذیرند. بحث چرایی را مطرح می‌کنند و خودش‌ان اظهار نظر می‌کنند یا در حوزه ارتباطات اجتماعی رفتار مناسبی دارند. از طرف دیگر، در ارزیابی و نظرسنجی سالیانه‌ای که از مشاهدات اولیا داریم، تفاوت بچه‌ها در نظراتشان کاملاً مشهود است. در جلسه‌ای که با انجمن اولیا یکی از دبستان‌ها برگزار شده بود، بلااستثنا همه این مسئله را عنوان می‌کردند که رفتار دانش‌آموزان کاملاً تغییر کرده است و در جمع‌های خانوادگی همه می‌پرسند که کدام مدرسه تحصیل می‌کنند که این‌قدر ارتباطات اجتماعی آن‌ها قوی است و منطقی رفتار می‌کنند. البته نواقصی هم وجود دارد که در آینده باید روی ارزیابی آن‌ها کار کنیم تا متوجه شویم چگونه به شکل علمی می‌توانیم اهداف را بسنجیم.

■ برای اجرای این الگو چه چالش‌هایی داشتید و چه مزایایی نسبت به الگوی معمول آموزش‌وپرورش دارد؟

عبدالحمیدی: از مهم‌ترین دستاوردهای الگو می‌توان به شکل‌گیری ارتباطات و اعتماد افراد به یکدیگر، تعامل و کارگروهی و در نتیجه نگاه جدید معلم‌ها به پدیده تغییر و شکل‌گیری یک فرهنگ در خلال یک تمرین جمعی اشاره کرد. البته اجرای این گونه طرح‌ها، با مقاومت‌ها و سختی‌هایی نیز روبه‌رو می‌شوند. در ابتدای کار، نظام رسمی آموزش کشور با چنین پدیده‌هایی برخورد می‌کند که این نگاه باعث زحمت بسیاری برای مدارس ما شد. البته در حال حاضر ارتباط خوبی با بدنه آموزش‌وپرورش شکل گرفته اما آن چیزی که به‌عنوان تأثیر سایه‌ای، این پروژه غیرممکن را ممکن کرده، شکل‌گیری فرهنگ سازمانی است که انجام این شکل پروژه‌ها را ممکن می‌کند. شکل گرفتن تیم‌هایی که به هم اعتماد دارند و تمایل دارند تبادل تجربه کنند و دانش سازمانی خودش‌ان را به اشتراک بگذارند. نتیجه این تمرین گروهی مبتنی بر خرد جمعی از سال ۹۵ تاکنون، این است که به محض اینکه معلمان دستاوردی پیدا می‌کنند، با هم به اشتراک می‌گذارند و در مورد آن تبادل تجربه می‌کنند. این فوق‌العاده است. به گمان بنده این تأثیر سایه‌ای و جانبی، از هدف اصلی پروژه مهم‌تر است.

این مشارکت بسیار کم بوده و تعامل سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان با معلمان و دانش‌آموزان کم بوده است. سندی آرمانی نوشته شده که فاصله‌اش با آن واقعیتی که مدارس دارند، بسیار زیاد است. ما در تلاش بودیم در تدوین الگوی آموزشی مفید این فاصله زیاد نشود. ضمن اینکه ما سراغ یک برنامه‌درسی تلفیقی کامل یا پروژه‌محور مثل برنامه‌ای که فنلاند در سال ۲۰۱۶ شروع کرد، نرفتیم. ما در سطحی ایستادیم که نسبت به آنچه هستیم، قطعاً بالاتر است و پیچیدگی‌هایی دارد ولی یک مسیر پنج‌شش‌ساله باید برویم تا به تدریج آمادگی رفتن به سطوح بالاتر و دستیابی به چشم‌اندازهای نوین حاصل شود.

عبدالحمیدی: در مورد تفاوت الگو با سند تحول باید اضافه کنم که اساساً فلسفه حاکم بر سند تحول فلسفه‌ای بود که نوشته شد، نه فلسفه‌ای که کشف شد. در حقیقت با یک سری بایدها خواستند تغییری در نظام آموزشی ایجاد کنند، در حالی که تغییر از باید شروع نمی‌شود بلکه از فهم و درک آنچه هستیم شروع می‌شود. در الگوی سند تحول به واقعیت موجود کمتر توجه شده است. به عبارت دیگر تغییر از جایی که هستیم باید آغاز شود نه جایی که آرزو داریم باشیم. ما در طراحی الگوی آموزشی مفید، به این موضوع خیلی دقت کردیم. به این معنا که اگرچه در طراحی الگو اهداف بزرگی داشتیم اما به‌دلیل اینکه خواستیم گام‌های خودمان را با واقعیت‌ها تنظیم کنیم، بسیاری از این اهداف را پشت خط ورود به کلاس نگه داشته‌ایم و به تدریج به آن‌ها خواهیم پرداخت.

■ فکر می‌کنید با توجه به اهداف پیش‌بینی شده برای الگوی آموزشی مفید، این الگو تا چه حد به اهداف خود رسیده است؟

دکتر دانش: برای ارزیابی الگو، باید به سمت مدل‌هایی با شاخص‌های کیفی رفت و کلاً برنامه‌درسی نمی‌تواند با شاخص‌های کمی اندازه‌گیری شود. ما از مشاهده رفتار



تفاوتی که الگوی مفید با سند تحول دارد، همین مشارکت افراد در تمام سطوح است. نه اینکه رویکرد برنامه‌درسی را تغییر اساسی دهند ولی یک گفت‌وگوی دوطرفه است و این رفت و برگشت، جزو پویایی‌های ضروری کار است

■ برای توسعه الگوی اجراشده در متوسطه اول و دبستان، مخصوصاً برای متوسطه دوره دوم که با توجه به بحث کنکور و نظام آموزشی رسمی کشور ممکن است با چالش‌هایی هم مواجه باشند، تدابیری اندیشیده‌اید؟

دکتر دانش: بله. البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که در دوره ۹ ساله اول، بیشتر مباحث در خصوص آموزش‌های عمومی است و در دوره متوسطه دوم یک مقدار بحث‌های تخصصی مطرح می‌شود و تمرکز ما هم بیشتر روی این موضوع است که در ۹ سال اول بتوانیم به اهداف مد نظرمان برسیم اما این به این معنا نیست که دانش‌آموزان بعد از ۹ سال، در مدل بعدی رها شوند. ما در مورد این مسئله بسیار تأمل کردیم که چگونه می‌توانیم در متوسطه دوم هم الگو را به وجود بیاوریم، اما متأسفانه در متوسطه دوم دو اتفاق افتاد. یکی بحث کنکور و دیگری سه‌ساله شدن دوره متوسطه دوم بود و اینکه یک سال فرصت از ما گرفته شد. در دبستان و متوسطه اول تفاوت‌هایی وجود دارد، هرچند که شباهت‌هایشان نسبت به متوسطه دوم بیشتر است. متوسطه دوم با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند، با متوسطه اول یک مقدار تفاوت دارد. پس مسلماً الگوی برنامه‌درسی متوسطه دوم با متوسطه اول متفاوت است اما در اینکه هر دو در یک مسیر پیوسته پیش می‌روند تا کامل شوند، شکی نیست. به‌رحال باید برای تهدیدها و روال‌هایی که وجود دارد راه‌حل‌هایی پیدا کرد. بالاخره این پیوستگی باید وجود داشته باشد اما عملیاتی شدنش نیازمند تأمل و تفکری است که چگونه می‌شود این دو را با هم ادغام کرد که هم کنکور تحت‌الشعاع قرار نگیرد هم این پیوستگی اجرا شود. ما معتقدیم هدف اصلی، ارتقای کیفیت آموزشی به‌معنای عام آموزشی تربیتی است و خودبه‌خود باید کیفیت آموزشی مقطع دوم را هم ارتقا دهیم. زمانی که مقطع دوم ارتقا



■ آیا در دبستان و متوسطه اول تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی وجود دارد که بتوان ذکر کرد و برای مخاطبان جذابیت داشته باشد؟

صحاف‌زاده: روح کلی الگو در همه مقاطع شبیه به هم و مدل سه‌بعدی برنامه در دو مقطع بسیار شبیه به هم است. مدل سه‌بعدی، یک وجه موضوعی و یک وجه فراموضوعی از جنس مهارت‌ها یا توانمندی‌های عمومی دارد که ما با ادبیات متفاوت خودمان به آن نگاه کرده‌ایم. وجه سوم، شایستگی‌های یادگیرنده آرمانی است که در سطح کلان کل مجموعه یعنی از پیش‌دبستان تا دوازدهم را شامل می‌شود. ما در اولین سال فعالیت، چهار هدف را برای معلمان مطرح کردیم و به اشتراک گذاشتیم. محور اول: تدوین و طراحی الگوی آموزشی متوسطه اول، سپس اجرا و ارزشیابی آن طی پنج سال. محور دوم: بازآفرینی برنامه‌درسی موجود و تدوین یک برنامه‌درسی هم‌سو با اهداف الگوی مدرسه زندگی به‌عنوان چشم‌انداز مفید. محور سوم: طراحی و اجرای برنامه‌های تربیت معلم یا مربی و نظارت بر اجرای این برنامه، نگاه‌داشت و پایش نیروی انسانی یا سرمایه انسانی. محور چهارم: تشکیل اجتماع حرفه‌ای معلمان به این معنا که یک مجموعه‌ای از معلمان به‌صورت حرفه‌ای کار می‌کنند، با هم ارتباط برقرار می‌کنند، ایده‌های جدید را به اشتراک می‌گذارند و مسائلشان را با هم مطرح می‌کنند. در تلاش هستیم این اجتماع حرفه‌ای بزرگ‌تر شود و بتواند با معلمان جامعه ارتباط برقرار کند.

به نظر می‌رسد در این سال‌ها، همه این چهار محور مد نظر هر دو مقطع دبستان و متوسطه بوده است.

■ برای تقویت تدوین الگو از تجربیات و الگوهای آموزشی که در کشورهای دیگر اجرا شده، الگوبرداری داشته‌ایم؟

دکتر دانش: ما در خصوص نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر مطالعه کردیم. به‌عنوان مثال سیستم آموزشی IB و نظام آموزشی کشور فنلاند که خیلی سروصدا هم کرده بود را بررسی کردیم. ما سعی کردیم که در این زمینه با آن‌ها ارتباط نزدیک برقرار کنیم. لذا دوره‌ای برای همکارانمان در سیستم IB برگزار شد که بعد از بازدید از مدرسه‌ای که با سیستم IB اداره می‌شد، از نزدیک با مسائل مواجه شوند. همچنین گروهی از معلمان و مدیران مفید برای گذراندن دوره آموزشی به آنجا اعزام شدند و ضمن گذراندن دوره، عملیاتی شدن آن را هم مشاهده می‌کردند. اگرچه الگوی برنامه‌درسی ما نه IB هست، نه سیستم آموزشی فنلاند. ما الگوی برنامه‌درسی را برای فرهنگ و سیستم آموزشی کشور خودمان بومی کردیم اما با مشاهده نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر، خودبه‌خود از تجربه‌های آن‌ها و مدل‌هایی که داشتند، در طراحی الگو استفاده کردیم.

از مهم‌ترین دستاوردهای الگو می‌توان به شکل‌گیری ارتباطات و اعتماد افراد به یکدیگر، تعامل و کارگروهی و در نتیجه نگاه جدید معلمان به پدیده تغییر و شکل‌گیری یک فرهنگ در خلال یک تمرین جمعی اشاره کرد



داریم و هنوز سه حوزه را اضافه نکرده‌ایم. یعنی از حوزه‌های نظری، حوزه عربی را وارد نشدیم و در حوزه‌های عملی هم هنوز به‌صورت مستقیم وارد برنامه‌درسی تربیت‌بدنی و سلامت و موضوع کاروفناوری نشده‌ایم. طبیعتاً یکی از کارهای آینده، تکمیل حوزه‌های یادگیری در برنامه‌درسی تدوین شده است. ضمن اینکه پرداختن یکپارچه و متوازن به هر سه بعد الگوی برنامه‌درسی نیازمند تلاش‌های آینده است.

همچنین به تدریج با استقرار الگو و با تجربیات و تسلط معلمانی که این الگو را پیاده کرده‌اند، می‌توانیم خود را در مسیر چشم‌اندازهای جدید این عرصه ببینیم: از نگاه‌های تلفیقی کامل‌تر که معناداری آموزش و ارتباط با واقعیت را در سطح متفاوتی وارد می‌کند تا جهت‌گیری‌های مبتنی بر شخصی‌سازی آموزش که در عین پیگیری اهداف اجتماعی، تفاوت‌های فردی را بیش از پیش به رسمیت می‌شناسد.

■ **آیا تا به حال از الگوی آموزشی طراحی‌شده مفید در خارج از مجموعه هم استفاده شده و انتقال تجربه‌ای صورت گرفته است؟**

■ **صحاف‌زاده:** ما معتقد هستیم که تا حد امکان باید به نظام آموزشی کشور کمک کنیم و باید این الگو در بقیه مجموعه‌های آموزشی و در کل مدارس تسری پیدا کند. چون بخش عمده‌ای از بحث سند تحول همین مسئله است و جزء اهداف نظام آموزشی کشور است. شاید از کار ما در مفید، بتوان به‌عنوان پایلوتی که قابل تکثیر است، استفاده کرد. ما شاهد این مسئله هستیم که مجموعه‌های دیگر آموزشی هم سراغ چنین مسئله‌ای رفته‌اند. به‌نوعی، همه متوجه شده‌اند که چنین مدل اثربخشی وجود دارد. ما فکر کردیم دو اتفاق باید رخ دهد. یکی مستندسازی از کارهایی که انجام شده تا در اختیار دیگران قرار بگیرد و دیگری تأسیس مرکز آموزشی برای روال‌مندتر کردن آموزش‌های مربوط به الگو. لذا مأموریتی برای خانه یادگیری سرو تعریف شد که هم معلم‌های مجموعه مفید را آموزش دهند و هم بتوانند این تجربیات را تکثیر کنند که خوشبختانه با اینکه زمان زیادی از تأسیس خانه یادگیری سرو نگذشته است، با استقبال معلمان مدارس دیگر روبه‌رو شده‌ایم. ان‌شاءالله بتوانیم از طریق خانه سرو با برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌ها و مشاوره‌ها، آن را توسعه دهیم و مجموعه‌های دیگر هم این مسیر را با استفاده از تجربیات ما ادامه دهند. آرزوی همکاران مفید، انتقال دانش و تجربه‌ها به دیگران بوده و دوست

پیداکنند، خودبه‌خود در کنکور هم اثر می‌گذارد اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که با توجه به فشردگی و حجم محتوای خیلی زیاد و تنوع موضوعات درسی، کار به نسبت متوسطه اول سخت‌تر می‌شود. موضوع دیگری که در کل نظام آموزشی مطرح است، این است که اصلاً در مقطع متوسطه دوم، تفکیک رشته ریاضی و تجربی و انسانی نداشته باشیم و همه را با هم ببینیم و تعداد موضوعات درسی را متناسب با استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان کم و تخصصی کنیم که اگر این اتفاق در نظام آموزشی کشور رخ دهد، کار ما راحت‌تر می‌شود. یعنی بهتر می‌توانیم این پیوستگی را در الگوی برنامه‌درسی به وجود بیاوریم.

■ **الگو در ادامه به چه ایستگاه‌هایی خواهد رسید؟**

■ **صحاف‌زاده:** ما از سال ۹۵-۹۶ با یک شناخت اولیه کار را شروع کردیم و مطالعات را پیش بردیم. در تابستان سال بعد، آرام‌آرام وارد اجرا در پایه هفتم شدیم و در سال بعدی پایه هفتم و هشتم را پوشش دادیم اما سال سوم شروع پاندمی کرونا از وسط سال روی کل برنامه ما تأثیر گذاشت و وارد مسیر دیگری شدیم که ناگزیر بودیم و از بهمن به بعد کاملاً درگیر این ماجرا شدیم. در آن دوران، مجبور شدیم کار را متوقف کنیم و روی آموزش مجازی کار کنیم که کاملاً متفاوت بود. دشواری‌های خاص خودش را داشت و نیازمند حمایت جدی بود. با توجه به شرایط کرونا وضعیت در کل جامعه ابهام‌آمیز بود. لذا در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ ایده آموزش ترکیبی در مجتمع شکل گرفت و راهبرد آموزش ترکیبی به مفهوم عمیق‌تری مطرح شد. ما در این سال‌ها، از دو حوزه درسی شروع کردیم و بعد به پنج و نهایتاً به هشت حوزه رسیدیم که در آخر، هنر، دینی، قرآن و موضوع تفکر به آن‌ها اضافه شد. در متوسطه اول، ۱۱ حوزه درسی

”

ما معتقدیم هدف اصلی، ارتقای کیفیت آموزشی به معنای عام آموزشی تربیتی است و خودبه‌خود باید کیفیت آموزشی مقطع دوم را هم ارتقاء دهیم. زمانی که مقطع دوم ارتقاء پیدا کند، خودبه‌خود در کنکور هم اثر می‌گذارد

محققان زاده: دوستانی که دوره‌های آموزشی را برای معلمان طراحی کرده‌اند، تلاش می‌کنند به گفته‌هایشان وفادار باشند. یعنی به فلسفه و مدل الگو وفادارند و این جزء چیزهایی است که معلم‌ها آن را کاملاً درک کرده‌اند. به نظرم وفادار بودن خیلی سخت است، چون انرژی زیادی برای طراحی دوره‌ها صرف می‌شود ولی اثرگذاری، رضایت و رشدی که ایجاد می‌کند بسیار متفاوت است.

■ اگر نکته‌ای درخصوص بحث الگوی مفید باقی مانده، بفرمایید.

دکتر دانش: به نظرم مسئله‌ای که وجود دارد، این است که در این الگو ما هنوز نواقصی داریم. به عنوان مثال، ما معتقدیم آموزش باید به تدریج به سمت آموزش‌های فردی برود، یعنی هر دانش‌آموز متناسب با استعدادها و خصوصیات خودش آموزش ببیند. من معتقدم اگر روزی بتوانیم این مدل را پیاده کنیم و آن را با بحث تحول دیجیتال و استفاده از ابزارها و فناوری اطلاعات تلفیق کنیم، این شیوه می‌تواند ما را به اجرای مدل آموزش فردی نزدیک کند. لذا باید در برنامه‌های بعدی ضمن تکمیل الگوی فعلی برنامه‌درسی، بتوانیم به این سمت‌وسو حرکت کنیم. آموزش ترکیبی هم می‌تواند در این مسئله به ما کمک کند. ما می‌گوییم آموزش باید از چهاردیواری کلاس درس خارج شود. یعنی باید به کمک فناوری‌ها، محیط یادگیری را از کلاس و مدرسه خارج کنیم. ضمن اینکه دانش‌آموزان در محیط جدید می‌توانند تجربه‌های بهتری را هم کسب کنند. لذا به نظر من، این مورد می‌تواند هم جزء برنامه‌های آینده مجموعه قرار بگیرد و هم به گونه‌ای برای آن برنامه‌ریزی کنیم تا متناسب با اتفاقاتی که در بحث تحول دیجیتال در زمینه‌های دیگر اتفاق می‌افتد، بتوانیم این مسئله را وارد نظام آموزشی کنیم و از آن استفاده کنیم.

”

تا کنون بیش از چهارصد معلم و مربی درگیر با الگوی برنامه‌درسی شده‌اند. این افراد چه با مفید باشند چه نباشند تکثیر محسوب می‌شود و نوعی فرهنگ‌سازی به حساب می‌آید که در جامعه شکل می‌گیرد و انتشار پیدا می‌کند

دارند که از تجربیات دیگران هم استفاده کنند و نقد شوند. این رابطه یک‌سویه نیست. ما خود را عضوی از کل خانواده کشور می‌دانیم. به عنوان مثال، یک معلم در شهرستان دورافتاده‌ای کارهای جالبی کرده که ما در تهران انجام نداده‌ایم. مهم این است که آن تغییر نگاه رخ دهد و شاهد یک سری روال‌های عملیاتی شویم. ما معتقدیم که این اتفاقات می‌تواند این مسئله را نشر دهد و به نوعی یک فرهنگ ایجاد شود و کم‌کم به بسترهای موردنیاز برسد. فراهم کردن بستری مناسب برای مشاهده‌گری و فرصت‌های ارتباط حضوری در مدارس، برای علاقه‌مندان به این موضوع یکی از این بسترهاست. خانه یادگیری سرو، یک مرکز آموزش مربی یا یک مرکز ارتقا و بالندگی معلمان، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. نقطه تمایز خانه سرو با بسیاری از مراکز آموزشی و تربیتی دیگر این است که دوره‌هایی برگزار می‌کند که از ایده‌های نوآورانه یا حرف‌های تازه‌ای که مطرح می‌کند، یک نسخه عملی هم دارد و این بدین معنی است که ما صرفاً یک ایده نظری نداریم. در کشور ما، فاصله بین فضای نظر و عمل زیاد است. هم دانشگاه‌های تربیت معلم و فرهنگیان هم فضاهای مرتبط با آموزش در دانشگاه‌ها اذعان دارند از عرصه عمل خیلی فاصله دارند. مراکزی مثل خانه سرو می‌توانند فاصله بین نظر و عمل را کم کنند و این شکاف را پوشش دهند. یعنی بین دیدگاه‌های تئوری، نظری و تجربه‌های پیشرو در دنیا و بخش‌های اجرایی و کنش‌های واقعی این عرصه پیوند برقرار کند. به نظر من این ارزش ویژه‌ای است که خانه سرو می‌تواند داشته باشد.

عبدالحمیدی: خانه سرو به عنوان یکی از مراکز وابسته به مجتمع آموزشی مفید، با هدف آموزش و پشتیبانی معلمان مفید و سایر معلمان علاقه‌مند، در ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۱ فعالیت خود را آغاز کرد. مأموریت خانه سرو، علاوه بر ادامه فعالیت برنامه‌های آموزشی الگوی برنامه‌درسی در مقاطع دبستان و متوسطه دوره اول مدارس مجتمع آموزشی مفید، ایجاد اجتماع حرفه‌ای پژوهشگران و مدرسان حوزه یادگیری-یادگیری، برای تولید برنامه‌درسی معنادار، پویا، با سازگاری درونی و بیرونی برای اجرا در مراکز آموزشی مفید و سایر مراکز و پشتیبانی از معلمان مفید و سایر معلمان علاقه‌مند تعیین شده است.

■ ارزیابی مشخصی از هزینه‌هایی که برای الگو شده است داریم؟ هم از لحاظ اعتبار ریالی و هم تربیت نیروی انسانی.

دکتر دانش: ما از امکانات مالی خیلی زیادی بهره‌مند نبودیم و سعی کردیم با یک حداقل‌هایی برنامه الگو را جلو ببریم. به طور تقریبی و طی هفت سال گذشته، چیزی حدود هفت میلیارد تومان هزینه شده است. در خصوص نیروی انسانی و تلاش مضاعفی هم که در این الگو اتفاق افتاده و مهم است می‌توان گفت سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی و شیوه انجام آن است و به نظر من این موضوع خیلی ارزشمندتر از عدد ریالی اجرای طرح است. در حال حاضر بی‌انگیزه بودن افراد، مشکلی است که در نظام آموزش ضمن خدمت معلمان در آموزش و پرورش وجود دارد که از قدیم هم بوده است. افراد فقط برای دریافت گواهینامه، در دوره‌ها شرکت می‌کنند که خیلی هم تأثیرگذار نیست. تا زمانی که این شیوه آموزش ضمن خدمت باشد، به هیچ عنوان تأثیری در ارتقا توانمندی معلمان نخواهد گذاشت اما با شیوه آموزشی که در مجتمع آموزشی مفید به مرحله اجرا رسید، احساس نیاز در نیروی انسانی ایجاد شد و باعث ورود افراد بانگیزه در این الگو شد. وقتی که این انگیزه به وجود آمد، افراد با علاقه‌مندی بیشتر دوره‌ها را می‌گذرانند و ایده‌های خود را مطرح و طراحی می‌کردند. در واقع مجموع این فرایندها، فرهنگی را ساخت که به نظر من خوب است به صورت مستند ارائه شود و به عنوان یک مدل آموزش ضمن خدمت دربیاید. زیرا مدل اثربخشی است که با تقویت انگیزه درونی آدم‌ها و نیروها شکل گرفته است و به نظر من نهادینه کردن این فرهنگ بسیار ارزشمندتر از آن هفت میلیارد تومنی است که به صورت ریالی هزینه شده است. تاکنون بیش از چهارصد معلم و مربی با الگوی برنامه‌درسی درگیر شده‌اند. این افراد چه با مفید باشند چه نباشند، تکثیر الگو محسوب می‌شود و نوعی فرهنگ‌سازی به حساب می‌آید که در جامعه شکل می‌گیرد و انتشار پیدا می‌کند.

ایده‌های کلیدی، کلید برنامه‌درسی

گفت‌وگو با دکتر آمنه احمدی استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان



و نقشی که برای یادگیرنده قائل هستیم، بافت و زمینه اجتماعی، نیازها و اقتضائات در تعیین جهت‌گیری‌ها دخالت می‌کند. این جهت‌گیری در برنامه‌درسی مفید تحت‌عنوان ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی مطرح شده و نوع نگاه ما را به یادگیری، یادگیرنده، و آنچه ارزش یادگیری دارد را مشخص می‌کند. ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی به‌نوعی ترجمان باورها و ارزش‌ها به زبان یادگیری است و آموزش در موضوعات درسی را در دوره‌ها و پایه‌های مختلف تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این گزاره‌ها که می‌توان از آن تحت‌عنوان ایده کلیدی یا کانونی در برنامه‌درسی نام برد قابلیت دارد که به‌صورت طولی و عرضی در دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی و موضوعات مختلف درسی حرکت کنند و امکان پیوند و یکپارچگی میان موضوعات در یک پایه و بین پایه‌ها در مجموع طول دوازده سال تحصیلی برقرار کنند. ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی زمانی قابل دستیابی است که بتواند جهت‌گیری‌ها را در سطح اهداف، محتوا، راهبردهای آموزش و ارزشیابی تحت‌تأثیر قرار دهد. متأسفانه با وجود تأکیدی که در اسناد بالادستی آموزش و پرورش شده است، در نظام آموزشی ایران به‌جای برنامه‌درسی، کتاب درسی حاکمیت دارد و عملاً خلاقیت و تأثیرگذاری معلم بر امر تربیت را به حداقل رسانده است. کتاب‌های درسی‌ای که به‌جای تمرکز بر آموزش مفاهیم و مهارت‌های اساسی، که امکان پیوند با ایده‌های کلیدی را دارند، بر حقایق و اطلاعات جزئی تمرکز می‌کنند. در گذشته، معلمان آزادی عمل داشتند و خود نسبت به محتوای یادگیری تصمیم می‌گرفتند. اگر قرار بود دستور بخوانیم، از جلوی دانشگاه تهران کتاب دستور پنج استاد را

■ ■ دکتر آمنه احمدی استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان اعتقاد دارد حتی اگر یک مورد از ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی در الگوی آموزشی مفید در کل سیستم عملیاتی شود برد با ماست و وقتی یکی از این ویژگی‌ها تحقق پیدا کند، راه ورود بقیه را باز می‌کند. گفت‌وگو با وی در خصوص وضعیت آموزش در کشور و الگوی آموزشی مفید را بخوانید.

■ معیارهای روال آموزشی مفید را چگونه می‌بینید؟

هر برنامه‌درسی مبتنی بر جهت‌گیری‌هایی است که تعیین‌کننده تصمیمات در سطوح مختلف است. این جهت‌گیری‌ها معمولاً بر مبنای سیاست‌های کلان یا نیازهای حال و آینده کشور/سازمان تعیین می‌شود. در برنامه‌درسی مجتمع مفید آزادی عمل

تهیه می‌کردیم و می‌خواندیم. از سال ۱۳۳۵ به بعد، به دنبال تغییرات نظام آموزشی به تدریج اختیارات معلم کاهش یافت تا جایی که در حال حاضر نظام به بالاترین سطح تمرکز رسیده است. در چنین شرایطی معلم مثل یک ماشین یا اپراتور باید صرفاً مجری دستورالعمل‌های ابلاغی باشد. لذا معلم خود را فاقد عاملیت می‌داند و حتی در جایی مانند مدرسه مفید که به او آزادی عمل داده می‌شود و فرصت طراحی و تولید واحدهای یادگیری را دارد، خود را در حصار کتاب درسی محصور کرده است. این حرف به معنای پوشش ندادن به محتوای کتاب درسی یا استانداردها نیست، بلکه به معنای تمرکز بر مفاهیم و مهارت‌های اساسی در موضوعات مختلف درسی و فاصله گرفتن از اطلاعات جزئی است. این نگاه آن‌چنان بر فعالیت آموزشی در مدارس سیطره دارد که معلم برای عدول از آن احساس خطر می‌کند و پای خود را از صفحه کتاب درسی فراتر نمی‌گذارد. متأسفانه این نگاه نه تنها در معلمان بلکه در تمام سطوح مدیریتی در نظام آموزش و پرورش یا شورای عالی آموزش و پرورش یا شورای عالی انقلاب فرهنگی سیطره دارد و زبان و ادبیاتی که مدیران و سیاست‌گذاران ما در رده‌های مختلف به کار می‌گیرند کتاب درسی است. تلاش زیادی باید انجام شود که این حصارهای ایجاد شده برداشته شود و معلم به جای اینکه آموزش خود را بر اطلاعات جزئی متمرکز کند یادگیری را به سطح مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده کلیدی (یا همان ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی) ارتقا دهند. ویژگی اطلاعات جزئی این است که با پیشرفت علمی در حال تغییر است و با پیشرفتی که در فناوری اطلاعات رخ داده است، دستیابی به آن به سهولت صورت می‌گیرد. درحالی که به کارگیری آموخته‌ها از سوی یادگیرنده نیازمند درک عمیق مفاهیم و کسب مهارت‌های اساسی و استفاده از آن در موقعیت جدید است.

■ در جهان چگونه الگوهای آموزشی را پیگیری می‌کنند؟ آیا این آزادی عمل در کشورهای دیگر وجود دارد؟

در نظام‌های آموزشی پیشرفته فرصت‌های یادگیری، حوزه عمل معلم است و این آزادی عمل موجب توسعه حرفه‌ای معلم و رشد و بهبود فرایند یادگیری می‌شود. در کشورهای دیگر جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کلی یا استانداردهایی وجود دارند که مدرسه باید از آن‌ها تبعیت کند. اما تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه چیزی، چگونه و در چه سطحی آموزش داده شود بر عهده تیم آموزشی مدرسه است. در حوزه آموزش معلم و مدرسه آزادی عمل دارند و این آزادی عمل را به جهت عمل حرفه‌ای خود به دست می‌آورند. در کشور ما سیستم آموزشی هنوز در دهه ۵۰ باقی مانده است. برنامه‌های درسی موضوع‌محور و راهبرد آموزشی به شدت رفتاری و موضوعی است. مهم نیست در سخنرانی‌ها و ادعاها چه می‌گوییم؛ مهم این است چه کاری انجام می‌دهیم. برای اینکه بفهمیم کاری که انجام می‌دهیم در چه سطحی است، باید نمونه‌سؤالات امتحانی بچه‌ها را ببینیم. چون به قول دکتر مهرمحمدی ارزشیابی آینه تمام‌نمای برنامه‌درسی است. به نوعی تصویر برنامه‌درسی و بسیاری از واقعیت‌های عرصه آموزش و یادگیری را به شما نشان می‌دهد. سؤالات امتحانی از بچه می‌خواهند نام ببرند، توضیح دهند، تعریف کنند، مثال بزنند یا یک مسئله شبیه آن مسئله‌ای که در کتاب درسی آمده حل کنند. چنین ارزشیابی تصویری از یادگیری عمیق و توانایی انتقال آموخته‌ها به موقعیت جدید را منعکس نمی‌کند.

■ منظور شما این است که ما در برنامه‌ریزی آموزشی و کتاب‌های درسی نمی‌خواهیم به فهم برسیم؟

ببینید درک امروزه معنای دیگری دارد. با آنچه در سطح دو طبقه‌بندی بلوم قرار دارد متفاوت است. درک در این معنا ناظر به توانایی یادگیرنده در انتقال مفهوم به موقعیت جدید است. زمانی می‌توان گفت یادگیری اتفاق افتاده است که یادگیرنده

قادر باشد درک و فهم خود را به موقعیت جدید انتقال دهد. این موقعیت جدید چهار سطح دارد؛ یعنی از موقعیت آکادمیکی شبیه مدرسه تا موقعیتی کاملاً واقعی و نوآورانه که بچه باید یادگیری را در آن موقعیت به کار بگیرد تعریف می‌شود. اگر یادگیری نتواند به موقعیت جدید انتقال پیدا کند، نمی‌توان گفت درک یا فهم رخ داده است. برای آنکه متوجه شویم که آیا آموزش و مباحث مطرح‌شده در کتاب‌های درسی از این ویژگی برخوردار است، کافی است نگاهی به صفحات کتاب درسی بیندازیم. بخش قابل توجهی از صفحات کتاب درسی سؤالات و مسئله‌ها و موضوعاتی است که پاسخ‌های بسته و تکرار شونده دارد. تا زمانی که آموزش به گونه‌ای ارائه می‌شود که یادگیرنده برای نشان دادن یادگیری نیازمند تکرار و تمرین است یا برای پاسخ به سؤال یا مسئله‌ای در سطح یادآوری و بازشناسی عمل می‌کند و فرصت خلق و تولید و پردازش ذهنی در سطوح بالای یادگیری فراهم نمی‌شود، و یادگیرنده با سؤالات و مسئله‌های باز پاسخ که پاسخ‌های صحیح متعدد دارد روبه‌رو نمی‌شود، نمی‌توان گفت درک اتفاق افتاده است. غلبه این رویکرد آموزشی تا حدی است که معلم خوب، معلمی است که به بچه بگوید جواب سؤال در کجای کتاب است و از یادگیرنده بخواهد زیر آن خط بکشد و آن را حفظ کند. این رویکرد آموزشی تا حدی غلبه دارد که وقتی معلم یک ذره پای خود را آن‌طرف یا این‌طرف می‌گذارد مدیر، مسئولان و خانواده‌ها او را مؤاخذه می‌کنند که چرا جواب دانش‌آموز شما عین متن کتاب نیست. بچه باید جمله کتاب را حفظ کند و بگوید و تا وقتی دانش‌آموز باید جملات کتاب را حفظ کند و بنویسد، ما اساساً با درک در معنای واقعی آن سروکار نداریم. حداکثر این است که از بچه بخواهند یک مثال بزنند آن هم مثالی نزدیک به آنچه در کتاب درسی آمده است.

”

اگر یادگیری نتواند به موقعیت جدید انتقال پیدا کند، نمی‌توان گفت درک یا فهم رخ داده است

■ کاری که شما زحمت کشیدید و اهداف دوره‌های تحصیلی را براساس شایستگی نوشتید. این شایستگی‌ها جا نیفتاده‌اند و ما هم در مفید، درگیر این داستان هستیم؟

در حقیقت شایستگی به معنای مجموعه به هم پیوسته‌ای از دانش در اشکال مختلف باورها و نگرش‌ها و مهارت‌های شناختی و غیرشناختی است که در ارتباط با یکدیگر در موقعیت واقعی عمل می‌کند. تجربه یادگیری نویسندگان کتاب درسی و آنچه در پیشینه تحصیلی خود پشت سر گذاشته‌اند با رویکرد موضوع محوری بوده. اغلب افراد، حاضر به پوست اندازی نیستند تا از منظر دیگری به یادگیری و آموزش نگاه کنند؛ لذا همان چیزی را تولید می‌کنند که در تجربه آنان نهفته است و صاحب آن هستند؛ کارشناسان ما در حوزه برنامه درسی صاحب دانش موضوعی هستند. در سازمان پژوهش کار برنامه ریزی درسی بر عهده کارشناسان موضوعی است که با رویکرد موضوع محور دست به نگارش کتاب‌های درسی می‌زنند.

یک سند نمی‌توان یافت که بر اساس اهداف دوره‌های تحصیلی که با رویکرد شایستگی نوشته شده باشد و آن سند را در لایه‌های بعدی عملیاتی کرده باشند. شما کتاب راهنمای معلم را نگاه کنید که در آن اهداف همچنان در قالب هدف کلی هدف جزئی و... نوشته شده است. چیزی که به شدت در نظام آموزشی ایران مغفول است، چه در مدارس چه در بین معلمان و چه میان مدیران و کارشناسان «دانش آموزش» است. دانش اینکه «چگونه یادگیری رخ می‌دهد». دانش آموزش نه در دانشگاه، نه در سازمان پژوهش، نه نزد مدیران ما نیست. مأموریت کارشناس ما در سازمان پژوهش ارائه دانش موضوعی است. دانش آموزش نیازمند پیوند و یکپارچگی دانش موضوعی با راهبردهای یادگیری است. اگر یادگیرنده فرصت کسب مهارت‌های یادگیری و راهبردها را نداشته

”

تا زمانی که آموزشی به گونه‌ای ارائه می‌شود که یادگیرنده برای نشان دادن یادگیری نیازمند تکرار و تمرین است یا برای پاسخ به سؤال یا مسئله‌ای در سطح یادآوری و بازشناسی عمل می‌کند و فرصت خلق و تولید و پردازش ذهنی در سطوح بالای یادگیری فراهم نمی‌شود و یادگیرنده با سؤالات و مسئله‌های باز پاسخ که پاسخ‌های صحیح متعدد دارد روبه‌رو نمی‌شود

باشد امکان انتقال دانش به موقعیت جدید را نخواهد داشت. یک دوره‌ای تلاش‌هایی از این دست در گروه‌های درسی آغاز شد یک مقدار هم به پیش رفت؛ اما تغییرات مدیریتی به قدری در سازمان پژوهش اتفاق می‌افتد که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. بافتن دانش آموزش و دانش یادگیری مانند بافت فرش ایرانی است. فرش ایرانی حتی با گذشت ۳۰۰ سال همچنان فرش است و تاروپود آن همچنان نخ‌ها را در لایه‌لای خود حفظ می‌کند. حتی جایی که کارشناس فکر می‌کند باید حل مسئله را به عنوان یک راهبرد آموزش دهد یا مشاهده علمی مهارتی است که یادگیرنده باید کسب کند، متأسفانه این دست از یادگیری‌ها هم عین دانش موضوعی آموزش داده می‌شوند نه مانند یک مهارت یا فرایند. علاوه بر این یادگیری مهارت‌ها و فرایندها نیازمند آن است که موقعیت‌های متنوع یادگیری تدارک دیده شود تا به ساخت شناختی دانش آموز تبدیل شود. روز اولی که پشت فرمان می‌نشینید را به یاد بیاورید. روز اول روشن کردن ماشین یک ربع طول می‌کشید اما حالا نه تنها با سرعت و دقت می‌توانید این کار را انجام دهید، حتی در یک موقعیت پیچیده هم می‌دانید چطور مسئله را حل کنید. زمانی که این مهارت کسب شود به بخشی از ساختار ذهنی و روانی شما تبدیل می‌شود و در مواقع بحرانی اجازه می‌دهد که شما تصمیم بگیرید چگونه در لحظه ترمز کنید، فرمان را به راست یا چپ بچرخانید و... تا از موقعیت خطر بدون آسیب رساندن به خودتان و دیگری عبور کنید. وقتی می‌گویید مهارتی مانند مهارت حل مسئله کسب شده یعنی یادگیرنده باید به این سطح از توانایی رسیده باشد. برای رسیدن به این سطح از یادگیری باید زمان آموزشی صرف شود، در حالی که ما نه تنها به آن زمان، اختصاص نمی‌دهیم، بلکه روش متناسب با آن را هم به کار نمی‌گیریم و تصور می‌کنیم یادگیرنده باید خودبه‌خود به این مهارت‌ها و توانایی‌ها دست پیدا کند. برخلاف تصور رایج، اتفاقاً این حجم کتاب درسی نیست؛ این از آن خطاهایی است که سال‌ها توسط مسئولان، مدیران و معلمان تکرار شده است. در واقع مشکل مربوط به تمرکز نداشتن بر مفاهیم و مهارت‌های اساسی در محتوا و کسب مهارت‌های یادگیری است. ما انتظار داریم همه اطلاعات ارائه شده در کتاب را یادگیرنده عیناً حفظ و عیناً بازگو کند. درحالی که اگر فرصت انتزاع مفهوم فراهم شود یادگیرنده با هر مثال یا مصداقی روبه‌رو شود با تکیه بر درک مفهوم قادر است به جواب برسد. با معلمان یک مدرسه که در نتایج آزمون دبیرستان جزو مدارس برتر بود صحبت می‌کردم معلم ریاضی پرسید ما چه کار کنیم؟ درس را در کلاس می‌دهم؛ بچه‌ها یاد می‌گیرند و مسائل را حل می‌کنند اما در امتحان یک ذره صورت مسئله را عوض می‌کنم، دانش آموزان نمی‌توانند مسئله را حل کنند. پرسیدم از ۹۰ دقیقه آموزش چند دقیقه درس می‌دهید و چند دقیقه تمرین می‌کنید. گفت ۲۰ دقیقه درس می‌دهم و ۷۰ دقیقه تمرین می‌کنم. گفتم نسبت را برعکس کن؛ ۷۰ دقیقه درس بده و ۲۰ دقیقه تمرین کن. تمرین همین مثال‌های مکرر است با تعدادی تغییرات جزئی، درحالی که مفهوم، معادله است. مشکل این است که روی یادگیری مفاهیم تمرکز نمی‌کنیم و مهارت‌ها و فرایندها را هم اصلاً آموزش نمی‌دهیم. فرض نویسنده این است چون عنوان مهارت در کتاب درسی آمده پس یاد گرفته شده است. درحالی که اگر کتاب‌های درسی دیگر کشورها را نگاه کنید، می‌بینید اگر می‌گویند مهارت «مشاهده»، فصل اول فصل دوم، سوم و چهارم با این مهارت ادغام شده و یادگیرنده آن قدر در موقعیت‌های مختلف در معرض تجربیات یادگیری متنوع و در سطوح مختلف قرار می‌گیرد که مهارت یا فرایند مورد نظر به بخشی از ساختار شناختی او تبدیل می‌شود. بچه‌ها بلد نیستند یک سؤال را به شیوه علمی صورت‌بندی کنند؛ سؤالی که بشود جواب علمی برای آن پیدا کرد. مهارت‌ها اگر به خطا یاد گرفته شوند اصلاح آن کار بسیار دشوار خواهد بود. اگر یادگیرنده فرصت نداشته باشد تا خطاهای خود را در فرایند یادگیری اصلاح کند و روش صحیح آن مهارت یا فرایند را یاد بگیرد، این خطاها درونی شده و به عادت یادگیری تبدیل می‌شود. مثال خیلی بارز آن در دست گرفتن مداد است. اگر در آغاز بچه مداد را درست در دست نگیرد (عادت قرار گرفتن مداد بین سه انگشت) بچه به آن عادت می‌کند و همچنان در بزرگسالی شاهد آن خواهیم بود؛ و این عادت موجب بدخطی و... می‌شود. ایجاد ساختار شناختی از طریق داربست زدن چه برای مفاهیم چه برای مهارت‌ها و حرکت از داربست‌زنی مربی به سمت داربست‌زنی یادگیرنده برای تبدیل شدن به یادگیرنده مستقل، راه حل مسئله است.



■ آیا در طرح آموزشی مجتمع مفید مدل یا الگو را می بینید؟

آن چیزی که در سند مفید وجود دارد چند بخش دارد. یک بخش ویژگی های یادگیرنده آرمانی است که شما می گوئید یک یادگیرنده وقتی بعد از ۱۲ سال در سیستم آموزشی حضور پیدا کرد قرار است از چه ویژگی هایی برخوردار باشد. این ویژگی ها فقط ناظر به الگوی آموزشی نیست بلکه ناظر به تمامی تصمیمات از سطح کلان تا سطح خرد است. یعنی سیاست گذار و مدیر و کادر آموزشی و یادگیرنده باید بر اساس آن عمل کنند. یعنی ویژگی های یادگیرنده آرمانی هماهنگ کننده و نظام دهنده به همه تصمیمات کوچک و بزرگ سیاست گذار، مدیر، معلم و یادگیرنده است.

من بر این باورم که حتی اگر یک مورد از این ویژگی ها در کل سیستم عملیاتی شود برد ما است. چرا؟ به خاطر ماهیت ویژگی های یادگیرنده آرمانی است، وقتی یکی از این ویژگی ها تحقق پیدا کند، راه ورود بقیه را باز می کند. گویا مبنایی را تغییر می دهید که بستر پرداختن به بقیه ویژگی ها را فراهم می کند. لذا فرقی نمی کند از کدام ویژگی یادگیرنده وارد شویم، من همیشه مثال زیارت حرم امام رضا (ع) را -قبل از تفکیک زنانه و مردانه- می زنم؛ شما می توانستید از هر دری وارد شوید و پس از زیارت از در دیگری خارج شوید. در فضا حرکت می کردید. ویژگی های یادگیرنده آرمانی از این نوع است؛ ایجاد حرکت می کند. البته مشروط بر اینکه کل سیستم تحت تأثیر آن قرار بگیرد نه اینکه فقط در طراحی عملیاتی شود.

دومین چیزی که شما در سند مفید دارید اصطلاحاً در ابتدایی تحت عنوان مهارت های فراموضوعی و در متوسطه یک تحت عنوان توانمندی ها مطرح می شود. این دو تقریباً دو دسته بندی است نه اینکه به لحاظ ماهیتی تمایزی جدی با یکدیگر داشته باشند. یک جاهایی به هم نزدیک و در برخی زمینه ها از هم فاصله می گیرند. این ها بستر ورود ویژگی های یادگیرنده آرمانی هستند. مهارت فراموضوعی یا توانمندی بستر یا راه ورود ویژگی های یادگیرنده آرمانی است و اجازه می دهند که ویژگی های یادگیرنده آرمانی با آن چیزی که محتوای موضوعات درسی است با یکدیگر پیوند برقرار کنند و یکپارچه شوند و در فرایندهای یادگیری و آموزش مدرسه جاری و ساری شوند.

مدلی که الان مفید کار می کند، چرخه مواجهه و درک و فهم تا بازاندیشی، مدل

خوب و مؤثری است. اما توجه داشته باشید ما مسامحتاً این گونه نام گذاری می کنیم. هیچ کدام از این گام ها فارغ از دیگری نیست و در تمام مراحل نیاز به درگیری و تأمل و بازاندیشی وجود دارد. آنچه در الگوی مفید در حال اجرایی شدن است غیبت ویژگی یادگیرنده آرمانی در طراحی است. نام مهارت های فراموضوعی را می توان در طرح های یادگیری دید اما نه با روند آموزشی که ذکر کردم.

■ به نظر شما نوع برنامه ریزی مفید در یادگیرنده آرمانی، انضمامی است یا انحرافی؟

نقطه آغاز طراحی، ویژگی های یادگیرنده آرمانی است. اینکه برای تحقق کدام ویژگی طراحی می کنید؟ این ویژگی را به کمک کدام توانمندی ها یا مهارت های فراموضوعی در فرایند

”

اگر یادگیرنده ها به شایستگی های مورد نیاز برای زندگی در دنیای در حال تغییر دست پیدا نکنند بقیه آموخته ها ارزش چندانی ندارد. لذا باید بر کسب ویژگی های یادگیرنده آرمانی تأکید کرد



بر کسب ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی تأکید کرد. این ویژگی‌ها ظرفیت غنی‌ای دارد و اجازه می‌دهد هر یادگیرنده با توجه به ویژگی شخصی وارد فرایند یادگیری شود و با توجه به ویژگی خود یادگیری را نظام و سازمان بدهد.

وقتی شأن معلم به اپراتور آموزشی تنزل داده می‌شود او می‌پرسد چرا باید دست به چنین کاری بزنند؟ در چنین شرایطی احساس هویت نمی‌کند. معلم باید آزادی عمل داشته باشد و رشد و یادگیری معلم همراه با یادگیری دانش‌آموز اتفاق بیفتد. تمرکز بر ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی به‌عنوان کانون پیوند مهارت‌ها و محتوای موضوعات درسی امکان تلفیق و یکپارچگی که لازمه دستیابی به این ویژگی‌ها است فراهم می‌کند.

■ چهار مؤلفه اصلی برنامه‌درسی، هدف و محتوا و راهبرد و ارزشیابی است. آیا باید هدف را در ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی (LP) متمرکز کنیم؟

هدف‌ها از کجا نشئت می‌گیرند؟ مبنای اهداف، یا نیازسنجی است یا سیاست‌ها یا تلفیق این دو. ما فرض می‌کنیم مجتمع مفید یا سیاست‌گذار با نگاه به نیازهای حال و آینده یادگیرنده و جامعه و سیاست‌ها انتظارات را به زبان ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی مطرح کرده است. این ویژگی‌ها از سویی ناظر به توانمندی‌ها و علایق یادگیرنده است و از سوی دیگر بستر تحقق نیازها و سیاست‌ها را فراهم می‌کند. انتظار می‌رود پس از ۱۲ سال خروجی مدرسه از این ویژگی‌ها برخوردار باشد. این امر وقتی قابل تحقق است که از پیش‌دبستان تا انتهای متوسطه دوم در تمام زمینه‌ها بر آن تمرکز شود. ممکن است بگویید در متوسطه دوم به‌دلیل حساسیت خانواده‌ها

آموزش و یادگیری جاری و ساری می‌کنید؟ چطور بین این دو پیوند برقرار می‌کنید؟ و ارتباط آن با محتوای موضوعات درسی چگونه برقرار می‌شود تا بتوانیم از دستیابی به همه این اهداف اطمینان داشته باشیم. در سطح محتوا می‌توانیم این‌ها را جدا از یکدیگر برای اطمینان از پوشش دادن دامنه محتوایی مد نظر قرار دهیم اما در سطح هدف باید یکپارچه شوند و به کمک نوشتن روبریک‌ها/سطوح کیفیت عملکرد قابل سنجش و ارزیابی شوند. به کمک روبریک‌ها می‌توان در مورد فرایند یادگیری و سطح یادگیری تصمیم‌گیری نمود. در حقیقت در تمام مراحل یادگیری، از لنز ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی به همه چیز نگاه می‌کنید. یک ظرفیتی در موضوعات و توانمندی‌ها وجود دارد که تنها اگر از این زاویه به آن نگاه کنید آن ظرفیت را کشف و در طرح عملیاتی خواهید کرد.

پیشنهاد این است که ابتدا خیال معلم را از دانش موضوعی راحت کنیم. در موضوعات درسی قصد آموزش چه مفاهیم، مهارت‌ها یا خرده‌مفاهیم و مهارت‌هایی را دارد. همه را از متن کتاب درسی استخراج کنید تا اطمینان پیدا کنیم محتوای کتاب‌های درسی را پوشش خواهیم داد. با نگاه به آنچه استخراج شده است می‌توان ظرفیت‌ها را شناسایی کرد و نسبت آن را با مهارت‌های فراموضوعی یا توانمندی‌ها شناسایی کرد. سپس از منظر ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی به آن نگاه کرد که چگونه می‌توان از این طریق رابطه معناداری میان آن برقرار کرد و در قالب هدف منعکس نمود. در این کار حتماً نیازمند خلاقیت و نوآوری مربی هستیم و با نگاه خطی نمی‌توان این کار را انجام داد.

اگر یادگیرنده‌ها به شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی در دنیای در حال تغییر دست پیدا نکنند بقیه آموخته‌ها ارزش چندانی ندارد. لذا باید

”

ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی، هماهنگ کننده و نظام‌دهنده به همه تصمیمات کوچک و بزرگ سیاست‌گذار، مدیر، معلم و یادگیرنده است

بگیرد که چطور با این همه تعارض کنار بیاید. یکی از مشکلات هم انتظار خانواده‌ها است که همچنان دنبال یادگیری کتاب درسی هستند تا تربیت.

■ مدل توانمند شدن معلمان در مجتمع آموزشی مفید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دوره‌های خیلی خوبی برای توسعه حرفه‌ای برگزار می‌شود. اما با اتمام دوره کار تمام می‌شود و وارد عرصه عمل و کلاس درس نمی‌شود تا منجر به تولید دانش بومی در سطح مجتمع بشود ما کارگاه را برای معلم برگزار می‌کنیم ولی در ادامه باید از طریق پایش‌های طولی در سطح کلاس درس این فرایند یادگیری حرفه‌ای را ادامه دهیم. در کارگاه بازی آموزشی این کار را کردیم. ۴ تا کارگاه با همین عنوان به دنبال هم اجرا شد و در کارگاه سوم و چهارم باید کار وارد کلاس درس می‌شد پایش در فرایند اجرا صورت گرفت و نتیجه مجدداً به کارگاه آموزشی وارد شد و مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. در حال حاضر سند استاندارد حرفه‌ای نوشته شده است و سه سطح عملکرد حرفه‌ای در چهار بعد صفات، مهارت‌ها و دانش تخصصی، در آن آمده است که عملکرد حرفه‌ای مورد انتظار از معلم را از بدو ورود تا تبدیل شدن به یک کنشگر حرفه‌ای در سطح مجتمع و مراکز آموزشی و پژوهشی توصیف کرده است. اگر این سند عملیاتی شود و برای تک تک سطوح کارگاهی آموزشی طراحی شود و معلمان در این دوره‌ها به‌صورت نظام‌مند آموزش ببینند در آن صورت می‌توان انتظار داشت که سطح حرفه‌ای‌گری معلم به حدی برسد که قادر باشد به‌عنوان معلم تصمیم‌گیر دست به عمل بزند و می‌توان توقع تحقق انتظارات مجتمع را داشت.

”

در نظام‌های آموزشی پیشرفته فرصت‌های یادگیری، حوزه عمل معلم است و این آزادی عمل موجب توسعه حرفه‌ای معلم و رشد و بهبود فرایند یادگیری می‌شود



یا بازار داغ تست و کنکور نمی‌توان وارد این بحث‌ها شد؛ اما ۹ سال دوره آموزش عمومی فرصت مغتنمی است و زمان کمی نیست. اینکه این کار چگونه انجام شود در سند گام دو با جزئیات توضیح داده شده است.

■ خانم دکتر، به‌عنوان مادر بزرگی که نوه‌هایش در این سیستم هستند چه تفاوتی در یادگیری‌های آن‌ها می‌بینید؟

تصور می‌کنم بچه‌ها آزادی عمل دارند و به فردیت آن‌ها احترام گذاشته می‌شود ولی نکاتی که عرض کردم همچنان نیازمند کار است. ما در حال حاضر بر ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی تمرکز نداریم و روی مهارت‌ها هم کار نمی‌کنیم. چیزی که به‌شدت مورد نیاز است و ردپای روشنی از آن به‌صورت نظام‌مند نمی‌توان در طرح‌های یادگیری دید در دنیای امروز مهارت‌های عاطفی و اجتماعی به‌شدت مورد توجه است. در برنامه ما این مهارت‌ها جایی ندارد در حالی که موفقیت و عدم موفقیت بچه‌ها در زندگی شخصی، حرفه‌ای و اجتماعی وابسته به کسب این مهارت‌هاست.

■ عملیاتی کردن این مهارت‌ها چگونه است؟

من به‌عنوان یک معلم کلاس اول و دوم باید به بچه یاد بدهم که احساسات خود را بشناسد، احساسات دوگانه و هم‌زمان را بشناسد و بداند چگونه با آن روبه‌رو شود. این‌ها مهارت‌های عاطفی است که بچه‌ها باید یاد بگیرند. در این دنیای پرتنش که یک رخداد در یک گوشه جهان تمام جوامع را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد، یاد

در گفت و گو با دکتر سعید نیا دانش آموخته روانشناسی آموزشی از دانشگاه یو ام مالزی به بحث گذاشته شد

از تجربه‌های جهانی تا الگوی آموزشی مفید و چالش‌های پیش‌رو



اشاره: در یک روز تابستانی که حالا کم‌کم رنگ پاییز هم به خود گرفته و نوید نزدیک شدن مهر را هم می‌داد، به سراغ یکی از مفیدی‌ها رفتیم. یکی از آن‌ها که در ابتدای راه مفید قدم در این مسیر گذاشته بود و سابقه فعالیت در جایگاه‌های مختلفی از جمله مدیریت مدرسه راهنمایی مفید، معاونت مقطع ابتدایی مفید، مسئول روابط بین‌الملل دفتر پژوهش مجتمع مفید و مدیریت و مشاوره در مفید و دیگر مدارس و مراکز آموزشی کشورمان را در سوابق اجرایی خود دارد. با او گفت‌وگویی انجام دادیم تا از مفید و الگوی آموزشی آن بیشتر بدانیم. آقای دکتر سعید نیا در کنار گذراندن دوره‌های آموزشی مونه‌سوری، IB و High Scope، دانش آموخته روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه UM مالزی است. از او خواستیم از این الگو و چشم‌انداز مدارس مفید برای ما بگوید. او از فارغ‌التحصیلان دوره یک مدرسه مفید است و خود نیز از معماران اصلی الگوی آموزشی مفید در مقطع دبستان به حساب می‌آید. نکاتی که ایشان در خصوص وضعیت آموزش عمومی کشور و جزئیات شکل‌گیری، توسعه و چالش‌های الگوی آموزشی مفید برای ما بازگو کرده‌اند، شایان توجه و تأمل است. این نکات ارزنده را در این شماره از نشریه خانواده مفید به تک‌تک اعضای این خانواده و سایر علاقه‌مندان به حوزه آموزش و کسانی که دل در گروی آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان این مرزوبوم دارند، تقدیم می‌کنیم.

■ در ابتدا در مورد علت شکل‌گیری الگوی آموزشی مفید برای ما بگویید.

می‌خواهم از اینجا شروع کنم که چرا باید سراغ الگو برویم؟ واضح است که سیستم آموزشی ما ضعیف است. دلیل ما برای این ادعا کاملاً علمی است و مبتنی بر شنیده‌ها و حرف‌های غیرعلمی نیست. وقتی ما می‌خواهیم سیستم آموزشی را ارزشیابی کنیم، باید از سنج‌های معتبر استفاده کنیم. یکی از سنج‌های خیلی معروف که همه با آن آشنا هستند، آزمون تیمز (TIMSS) و یکی دیگر آزمون پرلز (PIRLS) است. این آزمون‌ها هر چهار سال یک بار برگزار می‌شوند و ایران در آن‌ها شرکت می‌کند. در این آزمون‌ها در کلاس چهارم و هشتم، درس‌های ریاضی، علوم و سواد خواندن به صورت کاملاً علمی ارزیابی می‌شوند. ایران در هیچ‌یک از ادواری که شرکت کرده، هرگز به میانگین نرسیده و همیشه جزو رتبه‌های آخر بوده است.

شاید بیشتر از ۲۰ سال است که این آزمون برگزار می‌شود. معمولاً هر بار که برگزار می‌شود، گزارش جامعی را به سیستم آموزشی می‌دهند. این گزارش اطلاعات خیلی زیادی راجع به سیستم آموزشی می‌دهد و پیشنهادهایی می‌کند. ما هیچ‌وقت سیر صعودی مثبتی نداشته‌ایم. البته گاهی جهش‌هایی کرده‌ایم ولی در مجموع اوضاع خوبی نداریم اما این به معنی این نیست که ما فقط در رقابت با آن‌ها پایین هستیم. ما در

مقایسه با خودمان هم پایین هستیم. به خاطر اینکه ما از میانگین پایین تر هستیم و فقط کشورهای خیلی خیلی دست چنم از ما پایین تر هستند. مثلاً سودان و افغانستان. کشورهای رده پایین، کشورهایی هستند که از هر نظر ضعیف هستند.

■ آزمون های دیگری هم داریم؟

بله. اخیراً آزمون دیگری به اسم پیزا (PISA) آمده است که ایران در آن شرکت نمی کند. این آزمون نسخه جدیدتر همان تیمز و پرلز است. یک سنجه جهانی هم وجود دارد که کارایی سیستم های آموزشی را می سنجد که ممکن است این آزمون پیزا بخش کوچکی از آن سنجه جهانی باشد.

■ کارآمدی سیستمشان را چطور می سنجند؟

از طریق یک سری شاخص های دیگر غیر از محصول که در پیزا می آید. مثل اینکه چقدر توانسته اند همکاری یا همدلی ایجاد کنند. آن ها کارایی معلم ها در تغییرات مهارتی بچه ها را می سنجند. ما در این ها هم خوب نیستیم و باید کاری انجام می دادیم. البته ما به خیلی از کشورها رفتیم و منابع آن ها را مطالعه کردیم و تا حدی تشخیص دادیم که مشکل کجاست. فهمیدیم که کشورهای دیگر به چیزهایی توجه کرده اند که ما نکرده ایم.

■ درباره اهداف مدارس در شروع به کارشان در دنیا توضیح می دهید؟

مدارس رسمی در دوره رنسانس تأسیس شدند و قبل از آن ما آموزش عمومی نداشتیم. دلیلی نداشت که مدرسه بروند و چنین حقی هم به وجود نیامده بود. درس خواندن برای اقشار خاص بود که عمدتاً از اشراف بودند. شما فرانسه را نگاه بکنید؛ خانم ها گلدوزی، سفره آرای و موسیقی یاد می گرفتند و مردها نسبتی که نیاز بوده، باسواد بودند. هم زمان با انقلاب صنعتی، موضوع مهندسی خیلی برجسته و مهم شد و به دلیل اینکه نیروی کار بسیار زیادی نیاز بود، برای تأمین نیروی کار مورد نیاز، مدارس را تأسیس کردند. مدارس به تدریج و با توجه به نیاز زمانه خود مأموریت هایشان تغییر کرد و همین طور که زمان می گذرد می بینیم که حوزه های مختلفی جزء مأموریت مدرسه ها می شوند.

یکی از اتفاقات دیگری که افتاد و بسیار بر روی موضوع هدف آموزش تأثیر گذاشت، این بود که احساس کردند که مدرسه ها وقتی به ذهن خیلی توجه می کنند، چیزهای دیگری از جمله مهارتهایی مثل مهارت های جسمی و عاطفی را از دست می دهند. در این مسیر مهارت های بین فردی و جسمی نیز مورد توجه قرار گرفت.

جالب اینکه همه این ها، در اتفاق جدیدی در سایه رفت و آن هم شتاب تغییر بود. به این معنا که دنیا با شتاب فزاینده ای شروع به تغییر کرد. به طوری که هر ۱۰ سال علم بشر دو برابر می شود و این دغدغه را به وجود آورد که ما اصلاً نمی دانیم که بچه هایی که الان وارد مدرسه شده اند، در زمان فارغ التحصیلی با چه دنیایی مواجه هستند. یعنی نمی دانیم باید برای چه چیزی آماده شوند. زمانی بود که بچه ها می گفتند مثل پدرمان کفش دوزی یاد بگیریم ولی الان شما کفش دوزی یاد بگیری و به آنجا برسی، شاید اصلاً نابود شوی. این موضوع، آن قدر عجیب است که مشاغل سطح بالا مانند پزشکی را هم داریم از دست می دهیم. بنابراین سؤال این بود: «ما باید به بچه ها چه یاد دهیم که به نفعشان باشد؟» حالا باید برگردیم به سیستم آموزش خودمان که ما هنوز در آن هستیم. ما داریم مهندس پرورش می دهیم در حالی که توسعه روابط بین فردی به کلی فراموش شده است. از آن بدتر اینکه معلوم نیست چه کسی به این شتاب تغییر نگاه می کند یا چه کسی مسائل جدید دنیا را رصد می کند. ما نمی دانیم سیستم آموزشی ما چقدر ظرفیت دارد که انعطافی نسبت به این تغییرات نشان دهد. بنابراین واضح است که تغییر برای ما ضروری بود.

■ الگوی آموزشی مفید تا چه حد ابداعی است و در مسیر شکل گیری و تدوین الگو، تا چه حد از تجربه ها و الگوهای آموزشی کشورهای دیگر استفاده شده است؟

پس از مطالعه در مورد کشورهایی مثل استرالیا، فنلاند و کانادا به عنوان آموزش و پرورش های خیلی برجسته در سطح دنیا، نگاه کردیم کجا باید تغییر کند. به طور مشخص کلاس درس. نوآوری هایی که در مدرسه ها می شود و به خاطر آن معروف می شوند، دو دسته هستند. یک سری فوق برنامه ها است. یعنی فلان مدرسه معروف است، چون رتبه فلان دارد یا فلان ورزش را دارد یا مسافرت و کلاس زبان آن چنانی دارد. من همیشه این را می گویم که انگار یک ساختمان ۵۰، ۶۰ ساله داری که به آن چیزهای خوشگل آویزان می کنی که یک نمای پیدا کند. در حالی که اول باید مأموریت اصلی را انجام دهیم بعد سراغ مسائل دیگر برویم. تعدادی از مدرسه های دیگر هم که خیلی می خواستند خوب باشند، گفتند ما به اصل قصه می پردازیم و کلاس هایمان تغییر کرده است ولی از چه لحاظ تغییر کرده است؟ از این نظر که همه ویژگی های بد مدرسه های دیگر را، چند برابر انجام می دهیم. مثلاً مدرسه های دیگر تکلیف کم می دهند، ما بیشتر می دهیم. مدرسه های دیگر تکلیف ها را پیگیری نمی کنند، ما به شدت پیگیری می کنیم. مدرسه های دیگر آزمون کم می گیرند، ما ۱۰ برابر آزمون می گیریم. مدرسه های دیگر بچه را خیلی تحت فشار قرار نمی دهند که حتماً ۲۰ بشود، ولی ما می گوئیم اگر کمتر شوی، ما دیگر دبیرستان قبولت نمی کنیم. یعنی بدترین اتفاقاتی که در دیگر مدرسه های دولتی اتفاق می افتد، ما فقط تشدیدش کردیم. اسمشان هم مدرسه های برتر شده است! این در حالی است که کارشناسان حتی کتاب ها را در دوره ابتدایی خیلی سبک کردند و محتوای آن را به شدت پایین آوردند و تأکید را روی مهارت ها برده اند ولی معلم های ما با نشانه گرفتن موضوع تیزهوشان، کتاب روی کتاب می گذارند. من به شهرهای دورافتاده زیادی رفته ام و عجیب است که خواسته تمام مردم همین است. طرف پزشک است، مهندس است و قاضی است؛ همه می خواهند بچه خود را جایی بگذارند که بیشتر از همه فشار می آورد و تکلیف زیادی می دهد!



یادگیری ساختنی است و توسط

یادگیرنده ساخته می شود. کار ما این است

که چند تا کار را انجام بدهیم. موقعیت های

یادگیری، فرصت های یادگیری و تجربیات

یادگیری. شما باید این ها را به او بدهی

ولی هم زمان مهارت های ذهنی را هم

تقویت کرده باشی



■ در این وضعیت چه تغییری دادیم؟

ما فهمیدیم که باید برگردیم و فرایندهای یاددهی و یادگیری را تغییر دهیم. یعنی بگوییم که ما می‌خواهیم روش آموزش را متحول کنیم و به این موضوع بپردازیم که چه چیزی می‌خواهیم آموزش بدهیم و چه چیزی ارزش آموزش دارد. اینجا ما مسیرمان را از دانش به مهارت تغییر دادیم.



مهارت‌های فراموضوعی با این ایده تعریف شده است که دنیا هر تغییری بکند یک سری مهارت‌ها لازم است. چون در همه درس‌ها هم به کار می‌رود. همه جا باید استدلال را انجام بدهی. دنیا هر تغییری بکند نیاز به فکر کردن داریم، نیاز به همکاری با همدیگر داریم. نیاز به پژوهش داریم

مهارت‌های فراموضوعی و LP یا ویژگی‌های آرمانی. ویژگی‌های آرمانی چشم‌انداز نهایی یک سیستم آموزشی هستند. یعنی می‌خواهیم بچه‌هایی تربیت کنیم که این ویژگی‌ها را داشته باشند. تمامی جنبه‌های صفتی مانند متفکر و آگاه و آینده‌نگر، که احساس می‌کنیم باید در آدم به وجود بیاید تا انسان موفق شود. مهارت‌های فراموضوعی با این ایده تعریف شده است که دنیا هر تغییری کند، یک سری مهارت‌ها لازم است و در همه درس‌ها هم به کار می‌رود. همه‌جا باید استدلال را انجام بدهی. دنیا هر تغییری کند، نیاز به فکر کردن داریم، نیاز به همکاری با همدیگر داریم. نیاز به پژوهش داریم. بنابراین ما برای اینکه خودمان نخواهیم چیزی را از صفر بنویسیم، با استفاده از سیستم آموزشی IB (International Baccalaureate)، مهارت‌های پنج‌گانه اجتماعی، ارتباطی، پژوهشی، خودمدیریتی و تفکر را به عنوان مهارت‌های فراموضوعی قرار دادیم. مهارت‌هایی که جواب این سؤال هستند که در سیستم آموزشی دنیا چه مسائلی را باید یاد بدهیم که بعداً تغییر نکنند. در همین راستا نگاه ما به بسیاری از موارد باید تغییر کند. مثلاً نگاه ما به رقابت تغییر کند. یعنی ما از رقابت نباید به عنوان عامل برانگیزاننده برای یادگیری استفاده کنیم. هدف آموزش ما باید رشد یک انسان در نظر گرفته شود. ما انسان موفق می‌خواهیم یا خوشبخت؟ انسان‌های موفق ممکن است شاد نباشند. ما این را انتخاب کنیم یا آن را؟ چرا مطالب این قدر جدا جدا دارد آموزش داده می‌شود؟ این انسجام فکری را از بین می‌برد. در دنیا ما معلم واحد داریم؛ معلم کلاس اول و دوم و سوم. اما در کشورمان مدرسه‌های غیرانتفاعی که می‌خواهند بگویند خیلی بهتر هستند، می‌گویند ما معلم‌ها را شناور گذاشته‌ایم. یعنی معلم این‌ها را جدا کردیم و این از لحاظ سیستم آموزشی دنیا فاجعه است. به خاطر اینکه، ما همه این معلم‌ها را می‌خواهیم که همه این‌ها را به هم پیوند بدهند، بعد شما این‌ها را جدا کردید. ما می‌خواهیم بگوییم بچه‌ها وقتی سنشان کم است، پدیده‌ها را علمی

نمی‌بینند. فیلسوف وقتی به کوه می‌رود، کوه را به‌عنوان یک وجود/ ماهیت می‌بیند. زیست‌شناس آن را به‌عنوان سنگ و هوا می‌بیند. شاعر به‌عنوان استقامت می‌بیند ولی بچه آن را کوه می‌بیند. وقتی بزرگ می‌شویم، ذهنمان موضوعی می‌شود. اما وقتی بچهایم، پدیده‌محور هستیم. وقتی که می‌خواهی این پدیده را به این موضوعات تفکیک کنی، بچه آن دید را ندارد. پس باید در بستر زندگی، علوم و ریاضی را به هم پیوند دهیم و این پیوند هم کافی نیست. بلکه باید با مهارت‌ها تلفیق بشود. یعنی ما نیاز به نگاه تلفیقی داریم. پس سه محور داریم. کلاً نگاه‌های متفاوت به موضوع یادگیری، محتوای یادگیری و هدف یادگیری.

■ حالا چطور اینها را آموزش بدهیم؟

در دنیا دورهای بود که آمدند گفتند که برای مهارت‌های فراموشی هم باید طرح درس بنویسیم و طرح درس نوشتند و بعد آمدند در یک دهه‌ای ای کار را انجام دادند و دیدند که جواب نمی‌دهد. بنابراین گفتند باید از طریق دیگری این کار را انجام بدهیم. نمی‌توانیم تفکر را در خلأ کار کنیم. آدم بزرگ مثلاً ۳۰ ساله ممکن است بتواند این را به‌صورت مجزا بفهمد ولی در سیستمی که خود بچه ریاضی را نمی‌تواند بدون علوم بفهمد، چه جوری می‌خواهد ریسک‌پذیری را به‌عنوان یک مفهوم مجزا بفهمد یا تمرین کند و این چیزی است که بعداً باید با آن زندگی کند. بنابراین ما یک روش دیگر نیاز داشتیم که حداقل بتواند همه این‌ها را با هم جمع کند. بستری باشد که همه این‌ها را با هم داشته باشد. یعنی من اول باید موضوعی را داشته باشم که برای رسیدن به آن ریسک‌پذیری به خرج بدهم. مثلاً می‌خواهیم گیاهی را مطالعه کنیم که در جای خاصی است. برای رسیدن به آن باید ریسک‌پذیر باشیم. بچه اول باید مطالعه کند و بعد می‌گوید این را با مطالعه و آگاهانه انتخاب می‌کنم ولی ریسک می‌کند. می‌خواهد برود و گیاه را بردارد. برای مطالعه مهارتی دیگر نیاز دارد. باید یاد گرفته باشد که چگونه ببیند، چگونه عکس بگیرد، به کدام زاویه توجه کند، این‌ها مهارت مشاهده است و بعد با استفاده از همه این‌ها، آن را تحلیل می‌کند و می‌گوید که مثلاً این گیاه این ویژگی‌ها را دارد. یعنی در آخر علم به شما تحویل می‌دهد ولی در این مسیر، ریسک‌پذیری و مهارت‌هایش نیز تقویت شده است. در حقیقت یادگیری قابل انتقال نیست؛ ساختنی است.

■ یعنی نمی‌توانیم به شما چیزی یاد بدهیم و یاد بگیرد؟

یادگیری از زمانی شروع می‌شود که ذهن بتواند در مورد اطلاعاتی که به دست می‌آورد، کاری انجام دهد. مثلاً بگوید که به نظر من درست یا غلط است. با ارتباط دادن اطلاعات نتیجه‌ای بگیرد. وقتی ذهن کاری روی آن انجام می‌دهد می‌توانی بگویی یادگیری رخ داده است. بنابراین وقتی چنین کاری کردی شما چیزی ساخته‌ای که الزاماً بیرون هم نیست. پس یادگیری ساختنی است و توسط یادگیرنده ساخته می‌شود. کار ما این است که موقعیت‌های یادگیری، فرصت‌های یادگیری و تجربیات یادگیری ایجاد کنیم. شما باید این‌ها را به او بدهی ولی هم‌زمان مهارت‌های ذهنی را هم تقویت کرده باشی. همچنین یک کار دیگر هم باید انجام بدهی و آن این است که مهارت‌های اجتماعی نیز تقویت شود. ما فهمیدیم که بچه‌ها از همدیگر بهتر یاد می‌گیرند. همه این‌ها اگر جمع شد، ما اسم این رویکرد را روش یادگیرنده‌محور می‌گذاریم و معلم باید به تسهیلگر تبدیل شود. الگو قرار بوده که تمام این‌ها را انجام بدهد و بچه‌ها علوم را خیلی عمیق‌تر یاد بگیرند. هدف اصلی ما در دبستان، علم نیست. همه دنیا می‌گویند در دبستان یک مأموریت داریم؛ یاد گرفتن چگونه یاد گرفتن. منتها می‌گویند که این یاد گرفتن چگونه یاد گرفتن همین مهارت‌ها است. اگر من یک علمی را در سطح این یاد بگیرم که معنی «قل»، «بگو» است و بعد ۲۰ بشوند، کجای این تفکر است؟ بچه‌هایی که در سیستم آموزشی پیشرفته هستند، ممکن است کم بدانند ولی عمیق می‌دانند. مهارت‌هایشان هم تقویت شده است. یک سری از ویژگی‌های LP هم به‌صورت غیرمستقیم تقویت می‌شود. برای این کار LP را طراحی کردیم، روش‌های یادگیرنده‌محور را به‌عنوان استراتژی یادگیری توسعه دادیم و بعد یک سری اصول یادگیری هم به آن اضافه کردیم. حالا می‌خواهیم این‌ها را به معلم یاد دهیم و بعد بگوییم که طراحی کن. طرح یادگیری، همان طرح درس سابق است ولی به‌دلیل رویکردهای علمی و خیلی چیزهای دیگر، یونیت‌های بزرگی هستند.

دیگر در یک کلاس ۴۵ دقیقه‌ای و دو زنگ و سه زنگ در نمی‌آید و اگر بخواهیم کارهای خیلی جدی انجام بدهیم، در دنیا برای زمان سه هفته و چهار هفته طرح درس می‌نویسند.

■ الان کجای طرح هستیم؟

می‌توانیم بگوییم که ۶۰ درصد جلو هستیم ولی خدشهای به آن وارد شده. به این خاطر که خوشبختانه تغییرات خیلی واضحی در جهت الگو داریم. یعنی هرکسی که وارد یک کلاس مفید می‌شود، متوجه تفاوت می‌شود. از فیزیک گرفته تا نوع برخورد و نقش معلم، تفاوت کاملاً دیده می‌شود ولی به این معنی نیست که ما به هدف رسیده‌ایم.

■ چالش‌های پیش روی توسعه و گسترش

الگوی آموزشی مفید از نظر شما چیست؟

اگر موضوع الگو را بخواهیم بیشتر گسترش دهیم، یا رواج پیدا کردن الگوی آموزشی مفید در جامعه، ممکن است چالشی با خانواده‌ها یا با بدنه آموزشی کشورمان داشته باشیم. ابتدا بهتر است چالش‌هایی که با خود مفید داریم را بگوییم. روش کار ظاهرش خیلی قشنگ است و هیچ‌کس هم تا حالا نیامده بگوید کار شما بی‌هوده است ولی اولین جمله‌ای که اولین متخصص‌ها می‌گویند این است که: «در اجرا چه کار کرده‌اید؟» سندهای ما قابل بازبینی است و می‌شود یک جور دیگر نوشت. می‌شود از روش‌های هدف‌ریزی دیگری استفاده کرد. می‌شود از روش‌های ارزشیابی دیگری استفاده کرد، می‌شود از چرخه‌های یادگیری دیگری استفاده کرد که این‌ها بخش‌های فنی کارهای ما هستند ولی متخصص‌ها به‌درستی می‌گفتند که: «در عمل چه کار کرده‌اید؟» ما در عمل خوب پیش رفتیم.

امیدوارم که با حمایتی که آقای دکتر دانش از الگو داشته و برای اجرای الگوی آموزشی مفید ریسک می‌کند و هزینه هم می‌کند، به نتیجه برسیم.

”

**ویژگی‌های آرمانی چشم‌انداز نهایی
یک سیستم آموزشی هستند. یعنی
می‌خواهیم بچه‌هایی تربیت کنیم که
این ویژگی‌ها را داشته باشند. تمامی
جنبه‌های صفتی مانند متفکر و آگاه و
آینده‌نگر، که احساس می‌کنیم باید در
آدم به وجود بیاید تا انسان موفق شود**

چرخه آموزش مانند ضربان قلب است

مصاحبه با علی زند دانش‌آموخته مطالعات برنامه درسی و کارشناس علوم تجربی و مشاور علمی الگوی آموزشی مفید در مقطع متوسطه دوره اول



■ چه شد که همکاری‌تان را با گروه الگوی آموزشی مفید آغاز کردید؟

من سال ۸۱، وقتی تازه دو سال از معلمی‌ام می‌گذشت وارد مفید شدم. آن مقطع، دانشجوی فوق لیسانس دانشگاه تربیت مدرس بودم و علوم پایه می‌خواندم. در آن روزها، مقاله‌ای خواندم درباره شاخصه‌های تدریس خوب و تدریس موفق که این‌ها را با هم مقایسه می‌کرد و یک جدول داشت که باید رویش کار می‌کردیم. من به‌خاطر علاقه و ترویج علم معلم شده بودم و آن مقاله هم فضا و فرصتی به وجود آورد تا کاری نظام‌مند و پژوهشی‌طور در فضای مدرسه انجام بدهم. این تجربه بسیار به دل من نشست و باعث شد که تجربه‌های کاری‌ام در کلاس درس و مدرسه با مطالعه و تجربه‌های علمی در حوزه علوم تربیتی همراه شود. این‌ها من را سوق داد به سمت موضوع کار با کودکان و نوجوانان در گروه مفید.

■ چطور تجربه‌تان را در این زمینه افزایش دادید؟

در سال ۹۰ و پس از حدود ده سال فعالیت در مفید، تصمیم گرفتم که تحصیلات خیلی جدی‌تری در این زمینه انجام دهم و صرفاً یک معلم مثلاً زیست‌شناسی یا

شیمی نباشم. نگاه نو اشتیاق من را دوچندان می‌کرد. پیشنهاد آقای دکتر فردانش استاد دانشگاه تربیت مدرس این بود که تحصیل را ادامه دهم تا دغدغه‌هایم را وارد چالش‌های جدی‌تری کنم. وقتی وارد دوره دکتری شدم، تازه داشتیم از این دغدغه‌ها سر درمی‌آوردم. آنجا این فرصت شد که خودم را پیدا کنم و بفهمم که علم تربیت یعنی چه. وقتی که سال ۹۶ فارغ‌التحصیل شدم، روی یک پایان‌نامه نظریه‌ای کار کرده بودم که مدل‌سازی بود و گام بعدی‌اش این بود که جایی اجرا شود و در واقع آن چیزی که توی برنامه‌درسی بهش می‌گویند اجرای برنامه‌درسی.

■ برنامه‌ای که داشتید، باید بومی‌سازی هم می‌شد. درست است؟

بله. چرا که باید اعتماد هم حاصل می‌شد. علم تربیت دوره تحصیلی خیلی درخشانی برای من بود. دکتر فردانش و بعدتر دکتر مهرمحمدی استاد من شدند، خیلی من را تشویق می‌کردند و این‌ها حس‌های خوبی بود. در جلسه دفاعم دکتر فردانش گفت: «من وقتی مثلاً نگاه می‌کنم به این کار، احساس می‌کنم یک تجربه مثلاً ۱۵ ساله پشت آن است.» یعنی واقعاً این‌طور نبود که صرفاً یک نظریه جدیدی باشد. خیلی پویا و ارگانیک بود و به دل من نشست. یک اتفاق خیلی خوب دیگر هم افتاد، فضای انسانی و صمیمی‌ای بود که شکل گرفت و پذیرفته شدم. بالاخره من از دانشگاه آمده بودم؛ با یک نظریه و مفهوم و شکل‌هایی که شاید خیلی دورتر از شکل‌های معلمی بود ولی بچه‌ها نشان دادند که دوست دارند همراه شوند و بفهمند. ما در واقع، چیزی را ساختیم که بعدها یعنی الان از آن، به‌عنوان الگوی برنامه‌درسی متوسطه اول یاد می‌کنیم.

■ درباره پداگوژی توضیح می‌دهید؟

وقتی از پداگوژی حرف می‌زنیم، یعنی می‌خواهیم دو تا چیز را به هم برسانیم. یکی پدیده

یادگیری است که در یادگیرنده اتفاق می‌افتد. بر دانش آموزها و بچه‌ها. برای اینکه ذهن آن‌ها درگیر می‌شود و آن را به ذهن خودشان و رفتارشان اضافه می‌کنند و جهان را بعد از آن یک‌جور تازه‌تری می‌بینند. یکی هم در واقع اقدام یا عملی هست که از آموزش به وجود می‌آید. آن نگاهی که تلاش می‌کند شیوه‌هایی را به کار ببرد برای پشتیبانی از یادگیری در موقعیت‌های مختلف. یادگیری همیشه دارد رخ می‌دهد. چه شما برای آموزش قصدی داشته باشید چه قصدی نداشته باشید ولی وقتی قصد دارید نمی‌توانید مطمئن بشوید که همیشه یادگیری در راستای هدف شما رخ می‌دهد. مسائل زیادی وجود دارد. مانند اینکه: «حق یادگیرنده چیست؟» «چقدر اختیار دارد که خودش طرفش را انتخاب کند؟» یا «بهترین روش‌ها برای شما کدام است؟» و «کسی اگر می‌خواهد کمک کند، چطور این همراهی را انجام دهد؟» «چطور باید به آن فرصت بدهد و چه چیزهایی اتفاق می‌افتد؟» پداگوژی یعنی چیزی که این دو تا را به هم نزدیک می‌کند و در آن، جریان آموزش، سهم آموزش، اهداف آموزش، اولویت‌ها باید‌ها و نیاید‌هایش وجود دارد. شما نمی‌توانید فقط با نظریه آموزشی، با یک رویکرد آموزشی و با یک برنامه‌ریزی، بروید سر کلاس و فکر کنید آن یادگیری رخ می‌دهد. در هر لحظه دیدن و ارزشیابی کردن، تحمل کردن، شنیدن آدم‌ها در موقعیت، سازگاری و انعطاف‌پذیری مهم است. ما دنبال یک مدل بودیم که ضربانی به کلاس درس بدهد و صرفاً این نباشد که با یک کتاب درسی روبه‌رو هستیم که اهدافش این است و یک نفر که یک‌سری کار دارد می‌کند و خوب حالا این‌ها می‌رسند یا نه.

■ این همان چرخه است که در الگو اتفاق می‌افتد؟

بله و من از این تعبیر به عنوان ضربان یاد می‌کنم. مثل قلب که ضربانی دارد، یک سیکیلی دارد و تکرار آن جریان زندگی را به پیش می‌برد. ما یک نگاه تحولی به تجربه یادگیری داریم. تحول به این معنا که یادگیرنده‌ای که مثلاً بعد از هفته دهم نشست سر کلاس با یادگیرنده‌ای که هفته اول وارد می‌شود، فرق داشته باشد و سؤال طرح کند. او دیگر مثل روز اولش نیست. فقط مسئله این نیست که دانش بیشتری دارد، چون بازاندیشی می‌کند و می‌بیند که چه یاد گرفته و چطور یاد گرفته است. حتی می‌رود سراغ اینکه خیلی توانمندتر یاد بگیرد. سهم‌های بیشتری را به خودش می‌دهد و یک آدم دیگر است، یعنی اگر در روز اول نیاز دارد کمکش کنید و دستش را بگیرید، در روز آخر آن نیاز را به دیگری ندارد. جنس نیازش فرق کرده است. این نقش معلم را در این مسیر مشخص می‌کند که باید نقش تحولی داشته باشیم. معلم نمی‌تواند همیشه یک مدل باشد. من در مورد تنوع یادگیرنده‌ها حرف نمی‌زنم که مثلاً در پنج سالگی نگران راه رفتن و افتادن و این‌ها باشیم. جنس دیگری به این پدیده نگاه می‌کنم. ما می‌توانیم یادگیرنده را با یک یادگیری و به‌صورت وابسته و غیر تحولی هم بار بیاوریم. در واقع همان چیزی که به آن یادگیری طوطی‌وار می‌گوییم. مثل یک ربات بگوید من این کار را می‌کنم. پس وقتی کل این سیستم را یعنی در واقع نظریه‌ام را بخواهم توضیح بدهم، یک نگاه تحولی است، یک چرخه است، یک چرخه پداگوژی است که ضربانی است برای یادگیری و ما این را در بستر کلاس‌ها مطرح می‌کنیم. مهم نیست که این موضوع یا هدف چیست. اگر بتوانیم با این چرخه نگاهش داریم و آن جریان تحولی را هم نگه داریم، در طول مسیر یادگیرنده مستقلاً داریم که می‌تواند خودش هدف‌گذاری بکند، خودش جست‌وجو بکند و سراغ مسائل و چالش‌ها برود و در آن جریان تحول شناختی و روان‌شناختی‌اش را هم خودش پیش ببرد.

■ مفهوم خودتنظیمی یکی دیگر از مفهوم‌های مطرح در الگو است. آن را هم توضیح می‌دهید؟

این مفهوم به این معنی است که یک آدمی خودش بتواند تنظیم‌گر باشد، نیازهایش را تشخیص دهد و برای نیازهایش جست‌وجو بکند، راه‌حل‌ها را پیدا بکند. معنی‌اش این است که خودش برای خودش کافی است و در واقع اصالت را به خودش می‌دهیم، عاملیت را به خودش می‌دهیم و فعال بودن خودش مهم است. نکته اصلی یعنی او یاد خواهد گرفت به کمک آدم‌های دیگر در یک بستر اجتماعی فرهنگی فعالیت کند.

■ لطفاً از تجربه‌های خودتان در الگو و مراحل اجرای آن بگویید.

مسیری که ما رفتیم برای الگو تمامش تجربه بود. ما با یک مفهومی کار کردیم به نام اجتماع حرفه‌ای معلم‌ها. تیم الگو یک جمعی از معلم‌های مدارس متوسطه اول یا راهنمایی بودند که جمع شدند و تصمیم گرفتند که تغییری بنیادین را ایجاد کنند که به آن می‌گفتیم کلاس فعال و معلم مؤلف. معلم‌ها طراح شده بودند، یعنی معلم‌ها طراح شوند و فعال باشند. کلاس و یادگیرنده‌ها، یادگیرنده‌های فعال باشند. ما می‌خواستیم این تغییر را رقم بزنیم و مسیر الگو را ساختیم. مسیری که در واقع آدم‌ها دور هم جمع بشوند و درباره یک‌سری مباحثی و مفاهیم با هم، هم‌زبان شوند، نزدیک بشوند، دست به کار ببرند و طراحی کنند. مشخصاً تجربه‌ها و طراحی‌شان را به اشتراک بگذارند. تجربه کلاسی داشته باشند و سعی کنند وفادار شوند به طراحی. البته آنجایی که لازم است عدول و بازاندیشی کنند. تأمل کنند، ببینند چه شد و باز این را با هم به اشتراک بگذارند. طراحی کلاس‌های همدیگر را ارزشیابی کنند و سال‌به‌سال که می‌گذرد معلم‌های جدید بیاورند و معلم‌های قدیمی‌تری هم بیاورند و کنارشان باشند تا مسائل جمعی حل بشود.

■ وضعیت در دوره کرونا به چه صورت بود؟

کرونا دوره خاصی بود برای من. جدای از اثرات روان‌شناختی که روی همه‌مان داشت، تأثیری که داشت این بود که با چالش این‌که حالا مدرسه حضوری نیست، مواجه شدیم. یک عدم تعادل برای همه ما بود. یک دوره یادگیری برای ما تا بتوانیم از ابزارهایی استفاده بکنیم که کلاس درس را بازنمایی کنیم ولی باز چیزی که به نظرم ما را نگه می‌داشت همین تأمل و همین اجتماع حرفه‌ای بود. به نظرم، یک قدم رو به جلو بود برای ما در الگو. مثل سفر بود از یک سرزمین به یک سرزمین و از یک شهر به یک شهر دیگر. درست است هم‌زمان هستیم و فرهنگ مشترک داریم، ولی خرده‌فرهنگ‌ها دیده شد و تفاوت شیوه‌های حل مسئله روشن شد. مثلاً در بعضی مدارس معلم‌ها نقش‌های اجرایی پررنگ‌تری دارند.

”

در الگو من تجربه‌های دوست‌داشتنی حرفه‌ای و انسانی فراوانی داشتم. شاید درخشان‌ترین آن این باشد که ما با یک مفهومی کار کردیم به نام اجتماع حرفه‌ای معلم‌ها



■ چقدر از سیستم‌های آموزشی خارج از کشور الگوبرداری کردید؟

واقعیتش این است که من حتی ناخواسته هم از جایی الگوبرداری نکرده‌ام. چون از یک مسیر مطالعاتی بلندمدت می‌آیم، به مسائل مختلفی برخورد کردم. من چهار سال داشتم روی ترم کار می‌کردم و مدل‌ها را می‌خواندم ولی مطالعات خودم را داشتم و این‌طور نبوده که بگویم من مثلاً این نقطه را الگو قرار دادم. اگر به پنج سال پیش برگردیم، می‌توانم بگویم ما خیلی چیزها را تغییر دادیم.

■ درباره اینکه مثلاً می‌گویند ژاپن سیستم آموزشی‌اش خیلی مثلاً خوب است ولی خب به درد ما نمی‌خورد، چه نظری دارید؟

هیچ سیستم آموزشی‌ای متناسب (fit) ما نیست. ما المان‌های خودمان را داریم. ما دروس مختلف، نگاه‌های جدی داشتیم به اهداف و به شیوه‌هایی که در کشورهای مختلف اجرا می‌شده است. مثلاً من خودم در علوم تجربی، خیلی به تجربه‌ای که مثلاً در استرالیا انجام می‌شود، نگاه کردم ولی نکته‌اش اینجاست که با یک طرح درسی طرف هستیم که به لحاظ فرهنگی به کشور دیگر نمی‌خورد. مثل درس دین و زندگی ولی این‌جوری نبوده که رویکرد یا مثلاً سیستم را از یک جایی برداریم.

■ فکر می‌کنید که حالا برای گسترش این الگو چالش‌های اصلی کدام‌اند؟

بزرگ‌ترین چالش ما این است که چقدر این تجربه را واقعی‌تر و زمینی‌تر بسازیم و بتوانیم صورت‌بندی‌اش کنیم؛ همان چیزی که بیرون وجود دارد. خب همه این‌ها به نظم ناشی از مرزها و محدودیت‌های فرهنگی ماست. منظورم از فرهنگی قوانین و قواعد و مسائل اجتماعی و مسائل اقتصادی‌مان است. مسائلی که باعث می‌شود آدم یک‌سری چیزها را انتخاب کند یا نکند، پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. یعنی نیازها که مخصوصاً در مدارس که مرکز نشین است با مدارس شهرهای دیگر فرق دارد و آنها مسائلی دارند که بعضی وقت‌ها حتی ما ممکن است درک درستی از آنها نداشته باشیم. ممکن است یک بخشی از این الگو به کارشان بیاید، ولی مسئله این است که آیا این اولویت‌شان هم هست، موضوع مهمی است. بنابراین فکر می‌کنم معلم‌ها باید بهترین کسانی باشند که بتوانند یک ایده را نشر بدهند و به هم وصلش کنند. مثلاً در حل مسائل هم به هم کمک می‌کنند. مثل همان کاری که ما اینجا داریم می‌کنیم، یعنی واقعاً اینجا شبکه‌ای از معلم‌ها با هم در حل مسائل کمک می‌کنند که لزوماً هم مجبور نیستند به هم بگویند که پشت ذهنشان چیست. البته اینجا ما این شانس را داریم که سعی می‌کنیم که آن‌ها را هم‌فهم و هم‌کلام کنیم.

■ مزیت‌های الگوی آموزشی مفید نسبت به الگوی آموزشی استاندارد که در مدارس دارد اجرا می‌شود چیست؟

اولاً که من فکر می‌کنم ما از یک هوشیاری و آگاهی بالایی در پنج سال گذشته برخوردار شدیم؛ آگاهی از اینکه داریم چه کار می‌کنیم، به جای اینکه صرفاً بگوییم چه کار باید بکنیم. یعنی یک الگوی بیرونی وجود دارد، یک باید‌ها و نبایدهای بیرونی وجود دارد در بسیاری از جاها. یک نکته دیگر اینکه چیزی را به عنوان اجتماع حرفه‌ای فراتر از دوستی‌ها و آدم‌های خوب، ایجاد کردیم. آدم‌هایی که حتی یک جاهایی کمک‌های داوطلبانه می‌کنند و تعلق به یک خانواده بزرگ دارند. این‌طور نبود که معلم‌ها صرفاً یک تغییری را دارند یاد می‌گیرند و بروند توی کلاس‌های درسشان پیاده کنند. ما خیلی درباره یادگیرنده‌ها و تنوع ظرفیت‌شان، خلق و خوی‌شان، انتخاب‌شان و فعال کردنشان فکر کردیم. به این فکر کردیم که یادگیری را چطور می‌شود پشتیبانی کرد و چطور می‌شود به بچه‌ها توی کلاس، فرصت‌ها و ظرفیت‌های بیشتری داد. همه این‌ها، فراتر از یک برنامه آموزشی شد و فهمیدم که ما قدم‌های جدی‌تری به جلو برداشتیم.

”

معلم‌ها باید بهترین کسانی باشند که بتوانند یک ایده را نشر بدهند و به هم وصلش کنند. دوست دارم الگو در سطح زیست معلمی تبدیل به یک تجربه‌ی معنادار شود. منظورم همه‌ی جنبه‌های آن است. از طراحی یک زنگ کلاسی تا همکاری با دیگر معلمان برای یک برنامه‌ی ارزشیابی

معلم، رکن الگو

گفت‌وگو با مهدی ابوالقاسمی مدیر تیم الگوی متوسطه دوره اول



اشاره: مهدی ابوالقاسمی مدیر تیم الگوی متوسطه دوره اول و کارشناس ادبیات است و گروه معلمان طراح ادبیات مقطع متوسطه اول را راهبری می‌کند. در حال حاضر ایشان مشغول تحصیل در مقطع دکترای رشته مطالعات برنامه درسی می‌باشد.

آقای حشمتی: در سال ۹۶، الگو برای شما چه جذابیت‌هایی داشت که به‌عنوان کارشناس وارد الگو شدید؟

آقای ابوالقاسمی: از دیدگاه من، افزایش کیفیت آموزش با کمک الگو امکان داشت. یعنی در راستای رسیدن به کلاس فعال تلاش کنیم و آموزشی بهتر از آنچه در حال حاضر داریم داشته باشیم و اینکه در الگو، یک حرکت جمعی وجود دارد؛ یعنی باید برای حرکت در مسیر الگو با تعدادی از معلمان در تعامل بود.

آقای حشمتی: آیا این حس ناشی از علاقه‌مندی شخصی شما به کار گروهی نیست؟

آقای ابوالقاسمی: بله، ولی تیم الگو هم خیلی جذاب است. یک تیم حرفه‌ای که هم در آن یاد می‌گیریم، هم متوجه می‌شویم که چه مواردی را بلد نیستیم و چه‌قدر با هدف فاصله داریم. سال اول برای من خیلی سخت بود چون نمی‌دانستم برنامه‌درسی چیست. مدیریت گروه هم سخت بود؛ چون گروه واگرا بود و آدم‌ها متفاوت بودند. در سال دوم ۸۰ درصد از افراد تغییر کردند و از گروه اول فقط من و یکی دیگر از معلمان ماندیم. مهم‌ترین مورد در سال اول این بود که نمی‌دانستم دقیقاً باید چه کار کنم، درحالی‌که الان به آرامش رسیده‌ام چون می‌دانم به چه سمتی حرکت می‌کنم. همچنین، به‌عنوان مسئول ادبیات، سال‌های اول و دوم برای من بسیار سخت گذشت. زیرا هم در حال رشد بودم و هم تلاش می‌کردم بفهمم برنامه‌درسی چیست. مشکلی که

در ادبیات وجود دارد این است که با توجه به ویژگی‌های کتاب‌های درسی ادبیات، باید خلقی اتفاق بیفتد و این زمان می‌برد. معلمان در این مسیر بسیار کمک کردند و برنامه‌درسی موجود حاصل تطبیق با عمل است، به این معنی که رویکردی داشتیم که ابتدا اجرا شده، نقد شده و در سال بعد، یک گام بهتر شده است. همچنین، اگر معلم ادبیات جدیدی به مجموعه اضافه شود که تلاشگر هم باشد، در طول یک سال رشد خوبی می‌کند. در حال حاضر هم، برنامه سه‌ساله یا نقشه راه مشخصی داریم و برای بعضی بخش‌ها هم چند مدل طراحی داریم.

یکی از ویژگی‌هایی که گروه ادبیات داشت، این بود که از همان ابتدا به‌صورت گروهی کار می‌کردیم؛ یعنی هر پایه یک طراحی ارائه می‌کردند که به سرعت روند کار کمک بسزایی می‌کرد.

آقای حشمتی: الگو چیست؟

آقای ابوالقاسمی: یک مورد مفاهیم الگوست؛ مفاهیم عمومی که مربوط به همه درس‌ها می‌شوند. مثل چرخه یادگیری که شامل سه فاز یعنی مواجهه، درک و دریافت و بازاندیشی می‌شود. قرار است این چرخه یادگیری روی



خودم هم رشد می‌کردم و این هم برای من ارزشمند بود. شاید اگر بخواهم از منظر دیگر و نگاه افرادی که من را به این جریان دعوت کردند به موضوع نگاه کنم، بحث ضرورت داشتن یک برنامه‌درسی برای یک مجتمع، داشتن یک پرچم واحد، یعنی اینکه یک برنامه‌درسی داشته باشیم که برای آن فکر شده باشد و با یک تأمل و دانش چیده شده باشد، ضمن اینکه این برنامه فقط در لایه تدوین و لایه نظری نیست و موضوع ارزشمندی است که در بستر عمل هم تلاش در بهبود خود را کرده است، یعنی صرف این نبوده که چیزی نوشته شود؛ از اول قرار بوده که اجرا شود و ما در سختی‌های اجرا بودیم. نکته دیگر این است که شاید برای بعضی از اعضای ما سال اول که هم یاد می‌گرفتیم و هم برنامه‌ریزی می‌کردیم، شیرینی‌هایی داشت. ولی از سال دوم که درگیر اجرا شدیم، سختی‌هایی داشت. سختی‌های کار کردن به این صورت هستند که در عمل سعی کنیم موضوع را جلو ببریم. مثلاً در مدارس متوسطه دوره اول که معلم‌ها تمام‌وقت نیستند و یا شرایط اقتصادی که این دو سه سال اخیر سخت‌تر شد، ما تلاش می‌کردیم کاری کنیم که معلم‌ها مداوم باشند و بتوانند وقت بگذارند و چند سال حضور داشته باشند. چون انرژی می‌گذاریم تا به یک عمق خاص برسیم، ولی وقتی میانگین حضور ۴-۵ سال یا حتی کمتر باشد، یک جاهایی ناامیدکننده می‌شود. یعنی مثلاً از ۲۵۰ نفر معلمی که به‌نوعی درگیر الگو شدند، حدود نصف آن‌ها ماندند، یعنی کسانی بودند که دیگر نیستند و ممکن است کسی باشد که شما سه یا چهار سال به کلاس آن‌ها رفتید و ساعات بسیاری صحبت کردید و شاید از یک مرحله‌ای به بعد تغییرات باید در کلاس رخ دهد که شما به آن نرسیده‌اید و این موضوع تیم را اذیت می‌کند. یعنی اگر قرار باشد در شروع درگیر مسائل عملی نشوید، شیرینی‌هایی دارد، ولی وقتی درگیر عمل می‌شوید شاهد چالش‌های پیش‌رو هم می‌شوید. جدا از چالش‌های محتوایی و چالش‌های دیگر، لازم است که به‌روز باشیم. ما دو سال درگیر کرونا بودیم و آموزش مجازی پیش آمد و برنامه‌هایی که مجبور شدیم کار را به تعویق بیندازیم، یعنی برای برنامه پنج‌ساله الگو، دو سال آن به کرونا و بحث آموزش مجازی گذشت که کار را سخت کرد.

مقطع متوسطه دوره اول، نقطه اتصال دبستان و دبیرستان است. یعنی ما باید بتوانیم هم اتصالی با دبستان برقرار کنیم و هم اینکه هنوز دبیرستان در این زمینه حرکتی نداشته است و اینکه این حرکت چگونه باید باشد، مهم است. در دبستان هم الگو هنوز به پایه ششم نرسیده است. یعنی از پیش دبستان بالا آمده است و امسال نقطه تمرکز روی پنجم است.

آقای حشمتی: شما به‌عنوان ولی یکی از دانش‌آموزان الگو را چگونه می‌بینید؟

آقای ابوالقاسمی: به‌عنوان یک ولی در برنامه‌های مدرسه و برنامه دانش‌افزایی در دبستان، الگو را خیلی پررنگ دیدم و این برای من بسیار ارزشمند بود. یعنی مدرسه سعی می‌کرد مبتنی بر الگو، رویکرد سوادآموزی، رویکرد هنر، رویکردهای درس‌هایی که وجود دارد، ارائه و معرفی‌های

هدف آموزشی پیاده شود. عنصر دیگر رویکرد طراحی معکوس با ارزشیابی مشخص است. یعنی اول هدف طراحی را مشخص می‌کنیم، ارزشیابی آن را هم مشخص می‌کنیم. بعد بررسی می‌کنیم که چگونه به هدف رسیده‌ایم. بعد طراحی را انجام می‌دهیم که به هدف منجر شود.

آقای حشمتی: در الگو داریم که معلم باید دائماً در حال جمع‌آوری شواهد آموزشی باشد برای طراحی برنامه کلاس که این موضوع در تأمل آخر خودش را نشان می‌دهد.

آقای ابوالقاسمی: یعنی در مدل طراحی معکوس، اول هدف و ارزشیابی مشخص می‌شود و بعد که طراحی انجام می‌شود با نگاه چرخه یادگیری انجام می‌شود. چون برنامه‌درسی ما مدل دانش‌بنیان است، روی هر درس تمرکز جداگانه با قوانین و اصول و رویکرد مشخص انجام می‌شود. اهدافش را سازمان‌دهی کرده و مدل‌های ارزشیابی و راهبردهای تدریس را مشخص کرده یعنی هر درسی برای خودش سند دارد و مبتنی بر آن جلو می‌رود.

تئورهای مفهومی الگو دو بخش دارد. یک بخش مفاهیم عمومی الگو و بخش دیگر هم مفاهیم تخصصی هر درس است. جدا از مفاهیم، یک عنصر مهم دیگر در الگو هست که آن اجتماع حرفه‌ای معلم‌هاست.

به نظرم اجتماع حرفه‌ای موجود، هم متن و هم حاشیه خوبی دارد، یعنی هم همراه با رشد و عمق و برنامه است و هم اینکه خود گروه هویت دارد. البته نواقص و مشکلاتی هم بوده ولی بیشتر این جور بوده که آدم‌ها احساس خوبی دارند و جدا از آن، بستر شکل‌گیری کارهای دیگر هم شده مثلاً با انرژی کمتری می‌توانیم کارهای بین‌مدرسه‌ای انجام دهیم، مثل چالش ریاضی امسال یا جشنواره گفت‌وگو که امسال برگزار شد. در ضمن، بستری برای همکاری و رشد بیشتر معلم‌ها هم فراهم می‌شود.

آقای حشمتی: به نظر شما ضرورت شکل‌گیری الگو چه بوده است؟ و چرا شما با این جریان همکاری کردید؟

آقای ابوالقاسمی: برای من، انجام یک کار جدی‌تر و عمیق‌تر در آموزش ادبیات ارزشمند بود. ضمن اینکه

”

معلم‌ها در این مسیر بسیار کمک کردند و برنامه‌درسی موجود حاصل تطبیق با عمل است، به این معنی که رویکردی داشتیم که ابتدا اجرا شده، نقد شده و در سال بعد، یک گام بهتر شده است

نسبت و چگالی آن به چه صورت در گفت‌وگوهای شما وجود دارد؟

آقای ابوالقاسمی: نسبتش متفاوت است، معلم خیلی بیشتر است اما هدف نهایی باز بچه‌ها هستند، همان نقطه‌ای که تلاش می‌کنیم ارتقا پیدا کند و در نتیجه کلاس فعال شود و بچه‌ها یادگیری‌شان بهتر شود.

خانم شبیری: این تا حدودی در تعریف سطوح معلمی الگو مشاهده می‌شود. مثلاً یک معلم طراح سطح ۱ الگو به گونه‌ای کلاسش را طراحی کرده که حداقل ۳۰ درصد از زمان مرحله درک و دریافت در چرخه یادگیری به فعالیت دانش‌آموز آموزش اختصاص دارد. این میزان برای معلم طراح سطح ۲ و ۳، به حداقل ۴۰ و ۶۰ درصد می‌رسد. در واقع گرچه هدف مستقیم الگو دانش‌آموز نیست ولی سهم دانش‌آموز به صورت غیر مستقیم و در طراحی معلم دیده شده است. هدف معلم طراح و فکور است و حاصل آن، افزایش یادگیری دانش‌آموز است.

آقای حشمتی: من در سال ۲۰۱۸ شیباتا را ملاقات کردم. آن موقع موضوع درس پژوهی، چالشی بود که ذهن من را مشغول کرده بود. گفتم یک عده می‌گویند درس پژوهی برای رشد اجتماع حرفه‌ای معلمان است، یک عده دیگر می‌گویند برای آموزش معلمان، حقیقت این قصه کدام است؟ او پاسخ داد: «تمام درس پژوهی و تمام عواملی که شما می‌گویید قرار است برای رشد تک‌تک دانش‌آموزان باشد» یعنی ما درس پژوهی را به‌عنوان ابزاری می‌بینیم که در خدمت رشد تک‌تک دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و به همه دانش‌آموزان توجه می‌کند چون اصل قصه رشد است و گفت: «درس پژوهی یک امر اخلاقی است. درس پژوهی یعنی آن لطفی که من معلم باید به همه دانش‌آموزان داشته باشم و از آن غافل نشوم.» و این در حالی است که در ایران با اینکه برای این موضوع جشنواره تعریف شده است، بحث اصلی را فراموش کرده‌ایم. اینجا که شما می‌فرمایید دانش‌آموز در همه جای الگو هست، یعنی این که وقتی معلم طراح می‌شود یا با الگو کار می‌کند، چه اتفاقی برای دانش‌آموز رخ می‌دهد؟

”

به عنوان یک ولی آرامشی دارم از این جهت که می‌دانم کاری که در مدرسه می‌شود، براساس نظر یک نفر و یک سلیقه نیست. پشت آن فکرها و تلاش‌هایی بوده است و گروه‌هایی زحمت کشیدند



خود را به خانواده‌ها انجام دهد. من آرامشی دارم از این جهت که می‌دانم کاری که در مدرسه می‌شود، براساس نظر یک نفر و یک سلیقه نیست. پشت آن فکرها و تلاش‌هایی بوده است و گروه‌هایی زحمت کشیدند. می‌دانم معلم‌ها بعضی طراحی‌هایی را در دبستان اجرا می‌کنند که از سال‌های پیش طراحی شده است، یعنی پیشینه طراحی و بازنگری دارد و این ارزشمند است.

امسال، در درس ادبیات مقطع متوسطه دوره اول در چهار مدرسه تهران، یک کار بحث‌محور و کارگاهی کوچک یکی دو ساعته برای اولیا انجام دادیم که در آن راجع به یک سری گزاره در راستای نگرش خانواده‌ها نسبت به آموزش ادبیات، گفت‌وگو کردیم.

آقای حشمتی: در فرایند یادگیری، کنشگرهای مختلفی مثل محتوا، دانش‌آموز، معلم و مدیر مدرسه وجود دارد. الگوی مفید برای هر کدام این موارد چه ارزش افزوده‌ای ایجاد کرده است؟

آقای ابوالقاسمی: در ذهن من عنصر معلم خیلی پررنگ است.

آقای حشمتی: الگو برای معلم‌ها درست پیاده‌سازی می‌شود. چون شما طراحی می‌کنید، با هم تدوین می‌کنید، بعد اجرا می‌شود و بازخورد می‌گیرید، شواهد آموزشی را گردآوری می‌کنید و دوباره به طراحی برمی‌گردید، پس قسمت معلمان پررنگ است. اما از جهت غنای یادگیری برای دانش‌آموزان، فعالیت‌هایی که تعریف می‌شود سطح دانش را به جایگاه فهم بالا قرار می‌دهد.

چه تفاوتی هست بین بچه‌ای که با الگو تربیت می‌شود و بچه‌ای که بدون الگو تربیت می‌شود؟ الگو مدلی دارد که در آن از رویکردهایی استفاده می‌شود، شیوه مواجهه برای آن ذکر شده، انگیزه‌ای برای یادگیری ایجاد می‌کند که درک و فهم اتفاق بیفتد. این معنی درک و فهم برای دانش‌آموز را چه جویری احساس کردید؟

خانم شبیری: در حقیقت، هدف‌گذاری الگو بچه‌ها نیستند و به‌نوعی بچه‌ها هدف غیرمستقیم الگو هستند. هدف مستقیم الگو، معلم است. درست است که هر فعالیتی که در مدرسه اتفاق می‌افتد، هدف نهایی‌اش دانش‌آموزان است ولی در الگو، هدف، معلم طراح، کلاس فعال و مدرسه زندگی تبیین شده است.

آقای حشمتی: به چه منظور معلم طراح باشد یا کلاس فعال باشد؟

خانم شبیری: احتمالاً این در اسناد بالاتر آمده است. در واقع برای این که دانش‌آموز به شایستگی‌های مورد نظر دست پیدا کند، نیاز به اقدامات مختلفی است که بخشی از آن به معلم مرتبط است و الگوی آموزشی مفید، این بخش را برداشته است. ادامه پاراگراف حذف بشه.

آقای حشمتی: در گفت‌وگوهای شما، چه قدر معلم هست، چه قدر دانش‌آموز هست؟ یعنی



خانم شبیری: بله، در نکاتی که گفتیم مثل بازاندیشی، تفاوتی است که بچه به آن عادت کرده است و برای او اتفاق افتاده است. در کل تأکید الگو این است که از روش معلم‌محور به سمت دانش‌آموز‌محور برود و این امر، مشارکت بیشتر بچه‌ها را طلب می‌کند.

آقای ابوالقاسمی: اگر کمی به عقب برگردیم، شاید در دو سطح بگوییم الگو برای بچه‌ها چه فایده‌ای داشته است. یک سطح حداقلی، که در تعداد بیشتری از بچه‌ها رخ داده است و سطح بالاتری که برای تعداد کمتری از بچه‌ها اتفاق افتاده است. مثال‌هایی که ذکر شد مثل بازاندیشی در ادبیات بچه‌ها و یا نفوذ بازاندیشی در زندگی روزمره آن‌ها به نظرم در سطح حداکثری است که برای تعداد کمتری از بچه‌ها رخ داده است. این خیلی ادعای بزرگی است، ما شواهدی را شنیده‌ایم که شاید در بعضی بچه‌ها باشد، و نمی‌توانیم بگوییم که این بازاندیشی خیلی جدی در زندگی بچه‌ها وارد شده است. ولی در آن سطح حداقلی که برای تعداد بیشتری از بچه‌ها اتفاق افتاده است، کلاس‌های بی‌برنامه کمتر شده‌اند، معلم‌ها بدون طرح پیشین وارد کلاس نمی‌شوند یعنی استاندارد کلاس‌ها بالاتر رفته است. کلاس فعال، کلاسی است که از قبل طراحی شده باشد و تنوعی از فعالیت‌ها وجود داشته باشد و بچه‌ها نیز تجربه بهتری از کلاس دارند، یا اینکه بچه‌ها تجربه ارزشیابی یا آزمون بهتری دارند، مخصوصاً در آزمون‌های معیار. ارزشیابی را هم یکی از نقطه‌تمرکزهایمان قرار دادیم و سعی کردیم که آزمون‌های بهتری داشته باشد.

آقای حشمتی: یعنی ارزشیابی‌های شما متفاوت از مدارس دیگر است و آیا توانسته‌اید اضطراب و نگرانی بچه‌ها نسبت به ارزشیابی را در این مجموعه کاهش دهید؟

آقای ابوالقاسمی: در حقیقت اضطراب به عوامل مختلفی مربوط است.

آقای حشمتی: صحبت ما نسبی است، یعنی در صحبت با معلمان بروز این اتفاق احساس شده است؟

آقای ابوالقاسمی: ما دوست داریم به سمت دو عامل حرکت کنیم. یکی بحث توجه به تنوع بچه‌ها و دیگری عاملیت آن‌هاست. در طراحی هم وقتی می‌گوییم راهبردهای مختلف تدریس یا راهبردهای مختلف ارزشیابی را استفاده کنیم، برای توجه به تنوع بچه‌هاست، منتها تا حدودی سمت آن رفته‌ایم. اگر ارزشیابی به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز انتخاب کند، آزمون قلم‌کاغذی بدهد یا پروژه انجام دهد، ممکن است سطح اضطراب کمتر شود. ما در تنوع راهبردهای تدریس، بیشتر از تنوع ارزشیابی جلو رفته‌ایم.

این نگاه مهم است، یعنی ما برای حال خوب بچه تلاش کنیم. حال بچه خوب باشد. می‌توانیم فعالیت‌هایی را تعریف کنیم که سطح دانش‌آموز را بالا بیاوریم.

این موضوع ذهن من را مشغول کرده که غنای یادگیری بچه‌ای که مثلاً از مدرسه یادگار مفید فارغ‌التحصیل می‌شود و در مدرسه دیگر امتحان می‌دهد با دانش‌آموزان دیگر چه تفاوتی دارد؟ فرض کنید در ارتباط با سطح یادگیری بخواهیم با او گفت‌وگو کنیم. آیا شما تا به حال چنین گفت‌وگویی داشته‌اید؟

آقای ابوالقاسمی: ما کاری را با هدف پژوهش از پارسال شروع کرده‌ایم. پرسش‌نامه‌ای را به معلم‌ها در محورهای مختلف ارائه کردیم. این یکی از اقداماتی بود که بتوانیم داده‌هایی را از زاویه دید معلم‌ها جمع‌آوری کنیم. تا الان، یک گزارش کمی آماده شده و مرحله بعدی مصاحبه با معلمان است. افرادی که داوطلب هستند، مصاحبه عمیق‌تری می‌شوند و یکی از نقطه‌تمرکزهای مصاحبه، بحث تنوع یادگیری دانش‌آموزان است، با تمرکز بر اینکه چقدر در قسمت‌های مختلف به این تنوع توجه کرده‌ایم.

آقای حشمتی: شما نکته قشنگی درباره دخترتان گفتید، مبنی بر اینکه می‌دانم یک گروه برای آموزش در مفید، فکر کردند و برنامه‌ریزی می‌کنند، دخترخانم شما به لحاظ یادگیری با دوستش که در مدرسه دیگری تحصیل می‌کند چه تفاوتی دارد؟

آقای ابوالقاسمی: خانم ابراهیم‌زاده راهبر متوسطه اول دخترانه مفید با ارجاع به صحبت‌های بچه‌های دبیرستان دوره دوم می‌گفتند: «نگار این گام‌های طراحی، واژه بازاندیشی و چیزهایی از این دست، وارد گفت‌وگوی بچه‌ها هم شده است.»

آقای حشمتی: الان من بیشتر دنبال این هستم که الگو روی این محور باید فکر کند یا نه. نوع زحمتی که شما می‌کشید و برای کلاس تفکر طراحی می‌کنید، تفاوتی در بچه‌ای که در کلاس شما می‌نشیند با این طرز تفکر، با کسی دیگری که بچه‌اش با این مدل کار نمی‌کند، باید ایجاد کند یا نه.

”

در کل تأکید ما این است که از روش معلم‌محور به سمت دانش‌آموز‌محور برویم و این امر، مشارکت بیشتر بچه‌ها را طلب می‌کند

توجه به مهارت‌های فراموضوعی در طرح درس، یکی از مزیت‌های الگوی آموزشی مفید است



به بحث‌های عملی و کاربردی ریاضی و علوم و فارسی در یک طرح درس توجه شده است. نتیجه‌اش این است که معناداری در آن رخ می‌دهد و بچه‌ها وقتی یک فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند آن فعالیت‌ها برایشان معنادار و کاربردی است و با زندگی‌شان عجین است.

نکته بعدی که در الگوی برنامه‌درسی مهم است، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در فعالیت‌هاست. این الگو طوری تنظیم شده است که به لحاظ توجه به تفاوت‌های فردی غنی باشد. به بچه‌های متفاوت در سطوح متفاوت توجه می‌شود و یادگیری بچه‌ها و پیشرفت بچه‌ها تک‌تک دیده می‌شود.

”

در الگوی برنامه‌درسی مفید به مهارت‌های فراموضوعی مثل مهارت‌های اجتماعی یا خودمدیریتی، تفکر و پژوهش و مهارت‌های ارتباطی توجه می‌شود و نکته این است که در طراحی تدریس، ارزشیابی و روش تدریس، به این‌ها توجه می‌شود

اگر ما بخواهیم معلم و مربی حرفه‌ای داشته باشیم، این مربی حرفه‌ای باید طراحی تدریس بلد باشد. باید بتواند از روش‌های مختلف تدریس استفاده کند و مدیریت کلاس داشته باشد و با روش‌های نوین تدریس آشنا باشد و همین طور با

انواع مختلف ارزشیابی و ارزیابی بچه‌ها استفاده کند. بحث‌های مشاوره‌های ابتدایی را بلد باشد که چطور با بچه‌ها برخورد کند و همین طور زیربنای فکری و مباحث نظری فلسفه تعلیم و تربیت را در زمینه‌های مختلف بداند. در همین راستا، الگوی آموزشی مفید تا حدودی به چهار مقوله طرح درس، روش تدریس، ارزشیابی و بحث‌های زیربنایی و نظری توجه جدی دارد. به بحث‌های مشاوره‌ای هم تا حد امکان با برگزاری بعضی از کارگاه‌ها توجه می‌شود.

در الگوی برنامه‌درسی مفید به مهارت‌های فراموضوعی مثل مهارت‌های اجتماعی یا خودمدیریتی، تفکر و پژوهش و مهارت‌های ارتباطی توجه می‌شود و نکته این است که در طراحی تدریس، ارزشیابی و روش تدریس، به این‌ها توجه می‌شود. یعنی این طور نیست که این‌ها خارج از کلاس درس باشند. در بعضی مدارس می‌بینیم که به این مهارت‌ها توجه می‌کنند اما بیرون از کلاس درس است یا در بعضی از فوق برنامه‌ها توجه می‌شود. الگوی برنامه‌درسی مفید یکی از مزیت‌های مهم رقابتی‌اش این است که به این مهارت‌های فراموضوعی در طراحی تدریس توجه کرده است. این کار نوعی عمق به طرح درس‌ها داده است. نکته مهم دیگر توجه به شایستگی‌های شانزده‌گانه‌ای است که در مفید تعریف شده است. ویژگی‌هایی مانند اخلاق‌مداری، یادگیرندگی، مثبت‌اندیشی، نوع‌دوستی، تعامل و ویژگی‌ها و شایستگی‌های یادگیرنده در برنامه‌های مفید تعیین شده‌اند. بسیار سخت است که این شایستگی‌ها را در طراحی درس‌ها بیاوریم. اما در بعضی طرح درس‌ها به این‌ها توجه شده است. نکته بعدی این است در یک سطحی از طرح درس‌ها تلفیق داریم، ریاضی و فارسی و علوم در طراحی با هم تلفیق می‌شوند.



علیرضا باقری

مدیر دبستان مفید مرزداران

عمل می‌بینیم که تفاوت‌های فردی در کلاس درس ما بسیار مهم است. اینجا به این مسئله در کلاس درس توجه می‌شود.

نکته بسیار مهم در الگوی برنامه‌درسی وجود یک تیم کارشناسی در مفید است. از ابتدای آشنایی مربیان با الگوی برنامه‌درسی، یک تیم کارشناسی در کنارشان هست که به مسائل نوین برنامه‌درسی در دنیا توجه می‌کند و کارگاه‌هایی مرتبط با این موضوع‌ها برای مربیان می‌گذارد و مربیان را با این مباحث آشنا می‌کند. تحقیق و پژوهش (R&D) پشت این قضیه توسط تیم کارشناسان انجام می‌شود. مسئولیت دیگر کارشناسان آموزش و هدایت راهبرهای مدرسه است. راهبرها نقش‌شان هدایت‌گری مربیان در کلاس درس است. تیم کارشناسی صبور و حمایت‌گر هستند و فرایندهای مدرسه‌ها را با دقت و توجه زیادی مرتب‌پایش می‌کنند. همچنین با مربیان نشست‌هایی دارند و صحبت می‌کنند. این نظارت و راهنمایی‌طوری نیست که باری بر دوش مربیان باشد. زیرا اختیار و آزادی مربیان سلب نمی‌شود و راحت کلاس درشان را جلو می‌برند. وجود این تیم کارشناسی در مفید یکی از مسائل مهمی است که در پیاده‌سازی الگو و همین‌طور رشد الگو مؤثر بوده است.

گفتمان الگوی مفید در مدارس به یک فرهنگ تبدیل شده است. در دبستان‌ها برایش فرهنگ‌سازی شده است. وقتی طرح درسی می‌خواهد نوشته شود، وقتی یک کار جدی آموزشی می‌خواهد انجام بشود، حتماً پای الگوی مفید و تیم کارشناسی الگو وسط هست و همه با این تیم مشورت می‌کنند. این فرهنگ با دبستان‌ها عجین شده است. تیم الگو یک چیز وصله‌ای نیست که به مدارس چسبانده شده باشد. در متن خود مدارس شکل گرفته است. همان‌طور که کار گروهی در طرح درس به‌عنوان یک فرهنگ جا افتاده است. در بسیاری از مدارس معلم برای خودش طرح درس را می‌نویسد، حتی ممکن است طرح درس خوبی هم تهیه و اجرا کند اما کارش انفرادی است. در مفید طرح درس‌ها به‌صورت گروهی طراحی می‌شود و اگر تغییری لازم باشد، در گروه بررسی می‌کنند و بحث‌های مفصلی انجام می‌دهند. طرح درس‌ها در کلاس‌های مختلف البته با سلاقی مربیان اجرا می‌شود. اجراها ممکن است کمی فرق بکنند اما از لحاظ اصول و فعالیت‌ها یکسان است. اگر هم بخواهند پایش و یا اصلاحات انجام بدهند، با هم انجام می‌دهند.

در الگوی برنامه‌درسی مفید به مهارت‌های فراموضعی و اجتماعی مانند خودمدیریتی و تفکر و پژوهش در تمام طرح درس‌ها و در سال‌های متفاوت توجه می‌شود. برای همین بچه‌هایی که در این الگو چندین سال آموزش دیده‌اند، وقتی



بچه‌هایی که در این الگو چندین سال آموزش دیده‌اند، وقتی وارد متوسطه اول می‌شوند باز خورد متوسطه اول این است که در بحث‌های مهارتی بچه‌ها قوی هستند

وارد متوسطه اول می‌شوند بازخورد متوسطه اول این است که در بحث‌های مهارتی بچه‌ها قوی هستند. بچه‌ها تصمیم‌سازی گروهی‌شان خوب است. نقش‌های مختلفی را در گروه می‌پذیرند و در مهارت‌های حرکتی و سازمان‌دهی امور شخصی خوب هستند. در صحبت کردن و گوش کردن خوب هستند. می‌توانند خودشان را به‌خوبی ارائه دهند. خوب برنامه‌ریزی می‌کنند. مشاهده‌گرهای خوبی هستند و خوب تجزیه و تحلیل می‌کنند. این‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها مهارت‌های فراموضعی را جذب کرده‌اند و این مهارت‌ها با بچه‌ها عجین شده است و در سال‌های بعد می‌توانند از این‌ها استفاده کنند.

تا الان الگو در دوره اول دبستان پیاده شده است. یعنی پیش‌دبستان تا سوم. دوره دوم دبستان هم آرام‌آرام دارد با الگو آشنا می‌شود. الگو را خود تیم کارشناسان و مربیان مدارس با هم ساخته‌اند و ضعف‌هایی هم دارد. چندین سال می‌گذرد تا به نوعی بلوغ برسد. مانند نهالی است که باید پرورش بدهیم. مسائل و سؤالاتی نیز مطرح بوده، از جمله این که ارتباط بین اهداف کتاب درسی با مهارت‌ها به چه صورت می‌شود؟ شاید به بعضی از اهداف کتاب درسی در اجرا نرسیدیم و بچه‌ها در بحث سوادآموزی ممکن است در خواندن و نوشتن مشکلات داشته باشند و سال‌های بعد آرام‌آرام این‌ها را ترمیم بکنند. الان بعد از چهار یا پنج سال که از الگو می‌گذرد، در حال بازنگری و اصلاح الگوی دوره اول دبستان هستیم. در اجرا داریم قوی‌تر می‌شویم.

یکی از مسائلی که در الگو باید بیشتر به آن توجه شود، فعالیت‌های غنی است که باید در سطوح مختلف داشته باشیم، ممکن است از لحاظ نظری در الگو باشد، اما در اجرا ممکن است بچه‌ها را قانع نکرده باشد. بچه‌ها با تجربه‌های متفاوتی در کلاس درس می‌آیند. شاید فعالیت‌های طراحی شده تمام بچه‌ها را اقناع نکرده باشد و آن رشدی که بچه‌ها باید تک‌تک داشته باشند را نداشته‌اند. این‌ها مسائلی هستند که در الگو با آن‌ها مواجه هستیم. بحث ارزشیابی متناسب با بحث طراحی تدریس نکات بسیار سختی است که الگو با آن مسئله دارد و در حال حل این مسائل هستیم. گروهی از همکاران ارزشیابی می‌کنند. در بحث‌های کارنما و نحوه اطلاع‌رسانی به اولیا دارد کار می‌شود.

به‌طور خلاصه الگو نیاز به بازنگری و بازآموزی مستمر دارد. اینکه بگوییم یک چیزی نوشتیم و باید سال‌ها اجرا کنیم، این‌طور نیست. دوره دوم در حال شروع الگو است. کلاً پیاده‌سازی الگو چه در دوره اول و چه در دوره دوم نیاز به صبر دارد و نیاز به این دارد که ما از تجربه‌هایی که در این چند سال کسب کرده‌ایم، برای دوره دوم دبستان استفاده کنیم. این کار تازه دارد شروع می‌شود. الان دو سال است که چهارم و پنجم در حال کار کردن با الگو هستند. چهارمی‌ها دو سال و پنجمی‌ها یک سال الگو را تجربه کرده‌اند. مربیان همچنان در حال آموزش دیدن مسائل مطرح در الگو هستند.

باید برای دوره دوم هم سرمایه‌گذاری جدی روی الگو انجام شود تا این گفتمان الگو در دوره دوم هم به‌خوبی شکل بگیرد. همین‌طور باید دنبال این باشیم که الگو در دوره اول هم تثبیت بشود و خوب جلو برود. الگو خوب می‌تواند در دبستان اجرا بشود و تحمیلی نیست. مربیان تمام وقت هستند در دبستان و وقت و یادگیرندگی لازم را دارند. ملاک انتخاب مربیان در دبستان، این است که یادگیرنده باشند و وقت لازم را بگذارند و بتوانند در کارگاه‌ها شرکت کنند. این کار دارد اتفاق می‌افتد. این که مربیان تمام وقت هستند و وقت لازم را دارند، یکی از نکاتی است که می‌تواند در الگو نقش مهمی ایفا کند. مربیان باید در جلسات طراحی تدریس در مدرسه فعال باشند. با حمایت‌های دوستان کارشناس که حمایت‌های بسیار خوبی هم می‌کنند و پایشی که آن‌ها دارند، الگو می‌تواند در دوره اول و دوم تثبیت بشود.

چالش‌های الگو این است که الگو نیاز به آموزش مداوم دارد. هزینه بالایی دارد و سرمایه‌گذاری می‌خواهد و نگهداری نیروها و مربیان بسیار مهم است. اگر قرار باشد مربی بیاید و آموزش ببیند و کلی سرمایه‌گذاری بشود و بعد برود و مربی جدید بیاید، کار سخت می‌شود. نگهداری نیروها و اینکه مزیت‌های رقابتی ایجاد بکنیم تا مربی، مدارس دیگر را انتخاب نکنند، مهم است. البته این نکته هم وجود دارد که ما به این خاطر که ممکن است مربی از مدرسه برود، الگو را متوقف نمی‌کنیم. امیدواریم که او برای فرزندان خودمان در مدارس دیگر مؤثر باشد، ولی ما باید جایگزینی داشته باشیم و کارمان سخت‌تر خواهد بود. معلم انتخاب خودش را دارد اما مزیت‌های رقابتی را ایجاد کنیم که در مفید بمانند.

کلاس‌های پرجمعیت ناشی از مسائل مالی از چالش‌های مهم اجرای الگو در هر مدرسه است. باید در یک پازل به این موضوع توجه کنیم. نمی‌توانیم هر تعداد دانش‌آموز در کلاس داشته باشیم. هرچه تعداد دانش‌آموز در کلاس کمتر باشد، بهتر است. اما باید بین الگو و اجرای الگو در کلاس درس و تعداد دانش‌آموزان یک ارتباط منطقی داشته باشیم. اگر جمعیت کلاس‌ها زیاد بشود، شاید نتوان الگو را به درستی اجرا کرد.

اثر هنری کودک، مثل اثر انگشتش در دنیا بی همتاست

مصاحبه با کیومرث سلطانی

عضو هیئت علمی مقاطع دبستان و متوسطه دوره اول مفید

را بیان کنند. ابزار خود در تولید هنری نشان از صحت آموزش هنری دارد.

■ کمی درباره تأثیرات آموزش هنر بفرمایید.

مطالعات نشان داده که فعالیت‌های هنری، قدرت بیانگری کودکان را افزایش می‌دهد و به‌نوعی کارکرد زبانی دارد. انسان وقتی یک زبان را می‌آموزد، یک پنجره جدید برای تفکر به روی او باز می‌شود. این یک فرصت برای بچه‌هاست که از طریق هنر، فکر کنند و بیان‌دهند و با هم و با جهان ارتباط برقرار کنند.

آموزش هنر در بروز خلاقیت توسط کودکان تأثیر قابل توجهی دارد. همچنین آموزش هنر کمک می‌کند تا بچه‌ها از طریق به‌کارگیری ذوق هنری و رشد ادراکات زیبایی‌شناسی در خود، دنیا را زیباتر و باشکوه‌تر می‌بینند. علاوه بر آن، پژوهش‌ها نشان داده که هنر روی یادگیری کودکان تأثیر مستقیم می‌گذارد. فعالیت‌های هنری در یادگیری بهتر ریاضی و زبان مؤثر است. بچه‌هایی که کلاس‌های هنری می‌روند، نسبت به بچه‌های دیگر، یک برتری خاصی در یادگیری دارند. البته تأکید می‌کنم که این هدف اصلی هنر نیست. هدف اصلی آموزش هنر باز شدن یک پنجره جدید رو به دنیاست تا کودک از بودن خود در این جهان لذت ببرد و احساس مؤثر بودن بکند. با رشد ابعاد عاطفی و همچنین تحریک تخیل در کلاس‌های هنر، به رشد متعادل و همه ابعاد شخصیتی کودک کمک می‌شود.

”

هدف اصلی آموزش هنر باز شدن یک پنجره جدید رو به دنیاست تا کودک از بودن خود در این جهان لذت ببرد و احساس مؤثر بودن بکند. با رشد ابعاد عاطفی و همچنین تحریک تخیل در کلاس‌های هنر، به رشد متعادل و همه ابعاد شخصیتی کودک کمک می‌شود



■ بحث آموزش هنر در الگوی دبستان مفید چگونه شکل گرفت؟

سال ۹۴، ۹۵ بود که مجتمع تصمیم گرفت روی کیفیت آموزشی و یک‌شکل بودن آموزش در دبستان‌ها کار کند. برای همین منظور گروه الگو تشکیل شد و من به‌عنوان کارشناس هنر در مدارس ابتدایی با افراد گفت‌وگو می‌کردم. پس از آن، به این نتیجه رسیدیم که باید سند واحدی را تدوین کنیم تا همه مربیان هنر با هم هم‌زبان شوند. تدوین این سند، نزدیک به یک سال طول کشید و با مطرح شدن در گروه، اصلاحاتی روی آن انجام شد و به‌عنوان سند هنر گروه آموزشی مفید مصوب و منتشر شد. بعد از آن، مربیان هنر خودشان را با این سند هماهنگ کردند و فعالیت‌هایی را که انجام می‌دادند، به‌صورت مکتوب ارسال می‌کردند. این فعالیت‌ها با ادبیات سند مقایسه و ارزشیابی می‌شد. اگر اصلاحاتی لازم داشت، برای معلم یادداشت می‌گذاشتیم و مربی آن‌ها را اعمال و بعد از تصویب در کلاس اجرا می‌کرد. وظیفه دیگر من هم این بود که کلاس‌ها را پایش می‌کردم. با حضور در کلاس‌ها، چالش‌های اجرای فعالیت‌ها را می‌دیدم و با معلمان صحبت می‌کردم. سعی‌ام این بود که در این صحبت‌ها، ایده‌های آن‌ها تقویت شود و نحوه اجرا هم به آن چیزی که در سند بود، نزدیک شود.

■ درباره ویژگی‌های این سند و چگونگی فعالیت هنری کودکان توضیح می‌دهید؟

در سند به این اشاره شده که بچه‌ها باید با فهم خودشان، اقدام به فعالیت هنری کنند. یعنی آن‌طور که دنیا را در ذهن خودشان تفسیر می‌کنند، تولید هنری داشته باشند. آثار هنری بچه‌ها با هم تفاوت دارد و به‌جرت می‌توان گفت که اثر هنری هر کودک، مثل اثر انگشت او در دنیا بی‌همتا است. از نظر سند هنر مهم است که بچه‌ها از طریق هنر، احساس و عواطف خود

■ درباره تفاوت کارهای هنری در مفید با محتوای رسمی آموزش و پرورش چه نظری دارید؟

دروس رسمی معمولاً یک هدف مشخص دارد که بچه‌ها باید به آن برسند و میزان انحراف از آن‌ها سنجیده می‌شود اما در هنر، زمانی فعالیت معلم ارزشمندتر می‌شود که آثاری که تولید می‌شود، با هم تفاوت بیشتری داشته باشد. دیگر تفاوت هنر با دروس رسمی آموزش و پرورش، این است که در هنر اشتباهی وجود ندارد. یک بچه هر رفتاری که انجام می‌دهد، صحیح است اما در دروس رسمی این طور نیست. مثلاً وقتی بچه جمع دو عدد را اشتباه درمی‌آورد، باید آن را تصحیح کند اما پاسخ همین مثال در تخیل هنری کودک می‌تواند یک اتفاق دیگر باشد. کودک می‌تواند بیانگری‌اش را با هر زبانی که می‌خواهد در هنر انجام دهد. به عنوان مثال، حس خودش از پاییز را در قالب یک نمایش به اجرا بگذارد یا حجم‌سازی و نقاشی کند. کودک می‌تواند داستان یا شعر بگوید. چرا که ادبیات و هنر را در یک ردیف می‌بینیم و یک معیار دارند. اصلاً تخیل یک تفاوت دیگر هنر است با آنچه در دروس رسمی وجود دارد. بچه‌ها در هنر در یک جهان موازی سیر می‌کنند، در حالی که در موضوعات دیسیپلینی این اتفاق نمی‌تواند بیفتد. این را هم اضافه کنم که آموزش و پرورش رسمی قدم‌های خیلی خوبی به سمت هنر برداشته است. چرا که معلم‌ها ترغیب می‌شوند در آموزش یک مفهوم غیر از بعد شناختی، بعد عاطفی کودک و بعد جسمی او را هم هدف بگیرند و مورد توجه قرار دهند تا یک مفهوم رسمی با درگیر کردن ابعاد دیگر وجودی کودک، به یادگیری عمیق‌تر منجر شود.

■ ارزشیابی کارهای هنری کودکان چگونه انجام می‌شود؟

ارزشیابی هنری با ارزشیابی دروس رسمی تفاوت زیادی دارد. در هنر هدف خیلی کلی است و هر چقدر بچه‌ها و اگرتر و متفاوت‌تر عمل کنند، انگار موفق‌تر بوده‌اند. در هنر، بچه‌ها ارزیابی‌شان این طور است که



ارزشیابی هنری با ارزشیابی دروس رسمی تفاوت زیادی دارد. در هنر هدف خیلی کلی است و هر چقدر بچه‌ها و اگرتر و متفاوت‌تر عمل کنند، انگار موفق‌تر بوده‌اند

خودشان کار خودشان را بررسی می‌کنند که چقدر توانسته‌اند بیانگری داشته باشند. کودک خودش بهتر از همه متوجه می‌شود که آیا توانسته حس و افکار خودش را بروز دهد یا نه. نمایشگاه‌هایی را که از تولیدات بچه‌ها برگزار می‌شود، بچه‌های دیگر مشاهده می‌کنند و خودشان را با کار سایر دوستانشان مقایسه می‌کنند و ایده‌های جدید دریافت می‌کنند. یعنی می‌بینند یکی پاییز را این طور دیده و دوستان هم‌سالشان یک جور دیگر. خود این ارزیابی برای آن‌ها یادگیری به همراه دارد.

■ چطور می‌توان فهمید بچه‌ها در فعالیت‌های هنری موفق عمل می‌کنند یا نه؟

این باید از طریق مشاهده انجام شود. یعنی مربی در کلاس مشاهده می‌کند و می‌بیند که بچه‌ها میزان فعالیتشان و درگیر شدنشان با موضوع چقدر است. اگر ببیند که بیشتر بچه‌ها با یک موضوع درگیر نشده‌اند، باید پنجره را عوض بکند. انگار بایستی نوع ورود و نوع درگیری را برای هنر تغییر دهد ولی در مجموع می‌خواهم بگویم که نقطه خاصی وجود ندارد که بچه‌ها باید به آن برسند. کلاً چهار هدف برای هنر از پیش‌دبستان تا پایان دوران کودکی دیده شده که این چهار هدف در سند هنر مجتمع آموزش مفید تعریف شده است.

■ این اهداف را توضیح می‌دهید؟

یکی بروز خلاقیت هست. این که بتوانند آن ایده‌های خلاق و فکر خلاق خودشان را به صورت یک اثر تولیدی بروز دهند. با چالش‌ها و مسائل متفاوت درگیر بشوند و بتوانند مسائل را حل کنند. هدف دیگر، بیانگری است که منظور از آن، بیان افکار و احساسات در قالب هنری و از زبان هنر است. یعنی بچه بتواند به جای اینکه حرف بزند، ایده‌های خودش را با تولیدات هنری بروز بدهد. هدف دیگر، نقد هنری است که معنی آن درک مفهوم از آثار هنری است. مثلاً تابلوی فریاد مونش چه نکات و پیامی برای من دارد. من چه چیزی می‌توانم از آن دریافت کنم. همچنین بتواند آثار هنری را مقایسه هم بکند. هدفی هم در حاشیه سند نوشته شده و آن هدف، آشنایی با شیوه‌ها و تکنیک‌های هنری است. این هدف ابزاری است برای اینکه به بچه‌ها کمک شود که بتوانند بیانگری درستی داشته باشند. یعنی هدفی نیست که بچه‌ها باید به آن برسند. بچه می‌تواند انتخاب کند که من اصلاً نمی‌خواهم با این درگیر بشوم. من همین الان بیانگری دارم و از همین روش که دارم اجرا می‌کنم، راضی هستم و همین روش را دوست دارم. در این شرایط، معلم به خودش اجازه نمی‌دهد که تکنیک‌های هنری را به بچه‌ها تحمیل کند اما در اختیار بچه‌ها قرار می‌دهد و بچه‌ها را با آن‌ها مواجه می‌کند تا اگر بچه‌ها خواستند، از آن‌ها استفاده کنند و بتوانند راه و مسیر جدیدی برای بیانگری خودشان در تولید آثار هنری داشته باشند.

■ در خصوص نمایشگاه آثار کودکان در دبستان‌های مفید توضیح می‌دهید؟ به چه صورت برگزار می‌شود؟

هر سال دو نمایشگاه برای مدارس تعریف شده است. نمایشگاه اول، نمایشگاه طرح فعالیت‌ها یا به نوعی طرح درس معلم هنر است که معلم طرح فعالیت‌های هنری خودش را به دیوار نصب می‌کند و آثاری که در اثر این طرح فعالیت و نتیجه این فعالیت بوده را هم روی دیوار به نمایش می‌گذارد. به معلم‌های هنر گفته می‌شود که در این تلاش پرزحمت، مخاطبان می‌خواهند ببینند که شما سر کلاس چه کار کرده‌اید. شما باید بتوانید در برابر سؤال‌های آن‌ها پاسخگو باشید و از طرح فعالیتی که نوشته‌اید دفاع کنید. البته معمولاً این اتفاق نمی‌افتد و فقط اولیاء طرح فعالیت‌ها را می‌خوانند و از مربی تشکر می‌کنند. این برای رشد خود مربی است و می‌خواهیم بگوییم که ای مربی، تو الان داری دیده می‌شوی و زحمات تو توسط دیگران ارزشیابی می‌شود. این باعث رشد و بزرگ شدن توست. این تلاش مربی کمک می‌کند که هنر از حاشیه اذهان آدم‌ها بیرون بیاید و در متن قرار بگیرد. اولیاء می‌بینند که اتفاقاتی که در کلاس هنر و در رنگ‌های هنر می‌افتد، اتفاقات ارزشمندی است. یعنی تو و فعالیت‌های تو را می‌شناسند. اما نمایشگاه دوم، نمایشگاه خاص بچه‌هاست که در اردیبهشت ماه برگزار می‌شود. در نمایشگاه دوم، بچه‌ها می‌توانند غرفه‌هایی داشته باشند و هر دانش‌آموز آثار خودش را در غرفه هر جور که دوست دارد، نصب کند و آثار خودش را برای دیگران ارائه کند. به هر صورت این نمایشگاه‌ها هم خودارزیابی برای مربی هنر دارد هم خودارزیابی و ارزیابی هم‌سالان برای دانش‌آموز.

مسیر تمام نشدنی الگوی مفید



۳

توانمندی‌های اعضای هیئت علمی الگوی آموزشی مفید و تیم دبیران، انتظارات را بالا برده است. مدل الگوی آموزشی مفید با قابلیت انعطاف عالی، سعی کرد تا آموزش‌های دوران کرونا را به خوبی پوشش و ارتقا دهد. اینک به نظر می‌رسد شخصی سازی آموزش یکی از مسائل جاری و بر روی میز مسئولان مدارس است. تجربه آموزش دوره کرونا و پیشرفت سریع تحول دیجیتال سبب شکل گیری انتظار پوشش فرایند یادگیری برای تک تک دانش آموزان، با توان و استعداد های متفاوت و متنوع، شده است. سرعت یادگیری دانش آموزان در دروس متفاوت با هم فرق دارد. الگوهای طراحی آموزشی که این موضوع را در نظر بگیرند، جایی در دنیای یادگیری امروز ندارند. بنابراین شاید خوب باشد تلاش طراحان الگوی آموزشی مفید بر روی این مسئله متمرکز شود. همچنین تقریباً همه روش‌های تدریس و آموزش، با اندکی چشم‌پوشی، از سه بخش کلی طراحی و اجرا و ارزیابی تشکیل شده‌اند. سؤال اصلی‌ای که در شرایط امروزه طرح می‌شود، این است که فعالیت جبرانی برای یادگیری دانش آموزان به هدف‌نرسیده در کجای پازل طراحی آموزشی درس‌های متفاوت قرار می‌گیرد؟ معلمان طراح الگوی آموزشی مفید، از شایسته‌ترین افراد برای پاسخ‌گویی به این سؤال و سؤال‌های مشابه هستند.

۲

کارهای بزرگ، خصوصاً وقتی که به تدریج پیش می‌روند و چندساله می‌شوند، به آسیب‌شناسی‌های جدی نیاز دارند. طراحی الگوی آموزشی مفید بدون رویکرد داشتن و نگاه سیستمی موفقیت‌آمیز نبود. طراحان الگو باید به محدودیت منابع مختلف مانند مادی و منابع زمانی (زمان هفتگی درس‌ها) توجه ویژه داشته باشند. برنامه‌ای که بدون در نظر گرفتن محدودیت بودجه طراحی شوند، سبب آسیب زدن به سایر بخش‌های سازمان مدرسه می‌شود. مثلاً بعضی گروه‌های درسی براساس طراحی‌های خود تقاضای افزایش ساعت درس خود را داشتند که با توجه به محدودیت ساعت‌های مدرسه در هفته امکان‌پذیر نبود. یکی دیگر از موضوع‌های مهم، توجه به ساختار رسمی درس‌ها و چهارچوب آموزش و پرورش بود. از آنجاکه قرار نیست همه دانش آموزان دوره اول متوسطه به دوره دوم منتقل شوند، طراحی الگوی آموزشی باید به گونه‌ای باشد که اهداف رسمی آموزش و پرورش در پایه‌ها و دروس گوناگون حتماً پوشش داده شود. بی‌توجهی به این موضوع، اعتراض اولیا و دانش آموزان را در پی خواهد داشت و انرژی زیادی را صرف رفع رجوع مشکل خواهد کرد.



سیدرضا میرقاسمی
مدیر متوسطه دوره اول یادگار

۱

بعضی از تغییرات نگرشی هستند. تغییرات نگرشی معمولاً زمان می‌برند تا تثبیت و ماندگار شوند. به همین دلیل شاید این تغییرات در کوتاه‌مدت محسوس نباشند. الگوی آموزشی مفید، در دوره اول متوسطه، از این دست تغییرات است. اگرچه با زحمت دوستان اسناد مرتبی در زمینه معرفی الگو و طراحی آموزشی درس‌های متفاوت به صورت کلی تدوین شده و قابلیت ارائه پیدا کرده است، اما شاید مهم‌تر از این، مسیر طی شده برای تدوین و معرفی الگو باشد. تشکیل جلسات هم‌اندیشی بین دبیران سبب شده است بعد از پنج سال در سطح دیگری به تماشای فعالیت‌های آموزشی مدارس بنشینیم. تغییری که به دلیل رعایت اصل تدریج در آن، شاید در طول زمان به خوبی ملموس نبوده است اما اینک در مقایسه با مدرسه‌ای که الگوی آموزشی نداشته است، می‌توان آن را به خوبی و عمیق احساس کرد.

در الگوی آموزشی مفید طرح یادگیری از آن خود معلم است، نه اینکه از جایی دیکته شده باشد

مصاحبه با صابر کرباسچی راهبر آموزشی دبستان مفید قلعهک



■ ارزیابی خودتان را از موفقیت الگوی آموزشی مفید بیان کنید. فکر می‌کنید الگو تا چه حد به اهداف خود رسیده است؟

بعد از آغاز فعالیت دبستان‌های مفید با یک نگاه و رویکرد کلی و توافق بر باورها و ارزش‌ها، به نظر می‌رسید که تفاوت‌هایی بین مدارس در بعضی راهبردها و روال‌های اجرایی در کلاس و فضای مدرسه وجود دارد.

فکر می‌کنم الگو با دو هدف کلی ایجاد شد. هم‌سویی بین مدارس و فعالیت مشترک در روال‌های آموزشی به وجود آمد. به‌طوری که مسیر یادگیری دبستان‌ها برای دانش‌آموزان، با ایجاد یک باور مشترک از نظر اجرایی نیز به یکدیگر نزدیک و هم‌سو شوند.

هدف دوم این بود که ارتباط بین دبستان‌های مفید افزایش پیدا کند و بتوانند پشتیبانی‌های علمی از یکدیگر و آموزش‌های دقیق‌تری داشته باشند. پیش از این ما شاهد ارتباط خوبی در سطح مدیران بودیم اما این ارتباط می‌توانست در سطوح پایین‌تر و دیگر اجزای آموزشی بهتر باشد.

با توجه به این دو هدف، می‌توانیم بگوییم که قدم‌های اولیه خیلی خوبی برداشته شده است، در زمینه ارتباط بین مدارس فکر می‌کنم اگر این هدف را در نظر بگیریم، اتفاق خیلی خوبی افتاده و

”

ارتباط‌های خوبی شکل گرفته، طرح‌های یادگیری به اشتراک گذاشته می‌شود، حتی خارج از برنامه پیش‌بینی شده در الگو، جلساتی از جنس اشتراک تجربه و یادگیری برای خودشان برگزار می‌کنند و این نشان از موفقیت زیاد الگو در تحقق این هدف دارد.

تقریباً می‌شود گفت که ارتباط بسیار زیادی بین مجموعه بدنه آموزشی اصلی مدارس برقرار شد. یعنی علاوه بر مدیران، مجموعه معاونان و راهبران آموزشی در پایه‌های متفاوت مسیر آموزش در دوره اول دبستان را به‌خوبی راهبری کردند و در حال حاضر ساختار نسبتاً پایداری شکل گرفته است.

ارتباط‌های خوبی شکل گرفته، طرح‌های یادگیری به اشتراک گذاشته می‌شود، حتی خارج از برنامه پیش‌بینی شده در الگو، جلساتی از جنس اشتراک تجربه و یادگیری برای خودشان برگزار می‌کنند و این نشان از موفقیت زیاد الگو در تحقق این هدف دارد.

روال اجرایی طرح‌ها به‌گونه‌ای است که طرح‌های یادگیری خصوصاً در دروس اصلی مانند فارسی، ریاضی، علوم و یک مقدار اجتماعی و هدایای آسمانی و قرآن که با تلفیق هم ارائه می‌شوند، تا حد زیادی هم‌سویی دارند. اما شاید الگو در دروس مکمل به غیر از هنر که شاهد هم‌سویی کامل و اتفاقات خوبی هستیم، در سایر دروس مانند تربیت بدنی و معارف دینی هنوز جای کار دارد.

■ ارزیابی شما از میزان همراهی مربیان و کادر مدارس مفید در اجرای الگو چیست و این همراهی را چقدر در موفقیت الگو تأثیرگذار می‌دانید؟

قطعاً اتفاق مثبت الگو زمانی خودش را خوب نشان داد که مدیران مدارس و به‌ویژه مدیران دبستان‌ها شرایط و ویژگی الگو را به‌درستی درک کردند و مدرسی که مدیر و کادر آن نسبت به این موضوع اهتمام داشتند پیشبرد الگو هم بهتر اتفاق افتاد.

الان فکر می‌کنم مجموعه مدارس نسبت به این موضوع خیلی واقف و توجیه هستند و همکاری خیلی خوبی دارند، مجموعه مربیان اعتماد لازم را به کارشناسان الگو و روش الگو پیدا کردند و شرایط به شکلی است که حتی اگر ارتباط تیم کارشناسان از الگو قطع بشود، مربیان دوست دارند این ارتباط برقرار باشد و یادگیری خودشان را تقویت کنند.

الگو جای خودش را پیدا کرده و مربیان بر مبنای طرح‌های یادگیری که مبتنی بر چرخه یادگیری و مبتنی بر اهداف آموزشی دقیقی که نوشته شده پیش خواهند رفت و طرح‌های جدیدشان را هم در این قالب خواهند نوشت.

البته که ما هنوز در حوزه بحث دروس مکمل همچنان که بالاتر گفتیم، هنوز خیلی جای کار داریم و نقاط ضعفی وجود دارد که باید بر روی آن‌ها کار و فعالیت بیشتری داشته باشیم. ضمن اینکه بروز و ظهور مهارت‌های فراموضوعی هم در طرح درس‌ها هنوز جای کار دارد.

■ ویژگی‌های خاص این الگو چیست؟

تولید محتوا در قالب کارهای تیمی و گروهی از ویژگی‌های خاص الگوی آموزشی مفید است. در حقیقت گروه مربیان این کار را اجرا می‌کنند و این اتفاق پویایی خاص خودش را دارد و این‌طور نیست که الگوی آموزشی بخواهد، طرح درس آماده تحویل مدارس بدهد.

الگوی آموزشی، خط مشی کلی را مشخص می‌کند و معلمان مدارس هر سال کل طرح‌هایی را که برای آن سال می‌خواهند اجرا بکنند بررسی کرده و با توجه به تجربه و یادگیری که برای آن‌ها رقم خورده آماده می‌کنند. در این حالت، طرح یادگیری از آن خود معلم است، نه اینکه از جایی دیکته شده باشد.

■ برای اجرای این الگو چه چالش‌هایی داشته‌اید و فکر می‌کنید چه مزایایی نسبت به الگوی معمول آموزش و پرورش دارد؟

تولید اسناد هم‌زمان با راه‌اندازی الگو یکی از چالش‌های الگوی آموزشی مفید است و این اسناد اگرچه همراه با آموزش، به دست مربیان رسیده بودند، به‌اندازه کافی قوی نبودند تا دست‌مایه کار مربیان باشند. به‌عنوان مثال، ما در قسمت مهارت‌ها و مهارت‌های فراموضوعی در الگوی دبستان‌ها با اسناد ناقصی همچنان مواجه هستیم که در عمل راهنمای عملی خوبی برای مربیان در طراحی‌ها نیستند و مربیان شاید یک مقداری در این زمینه سلیقه‌ای عمل می‌کنند. هرچند آموزش‌های خوبی را برگزار کردیم، ولی جامع نبوده و این موضوع یکی از چالش‌هاست.

همچنین برای بروز ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی و ویژگی‌های شانزده‌گانه مد نظر اسناد بالادستی مفید، راهنمای عمل دقیقی در طرح یادگیری‌ها در الگو نداریم و این‌ها قسمت‌هایی است که برای رسیدن به نتیجه مطلوب نیاز به کار دارد.

تغییرات زیاد در نیروی انسانی از دیگر چالش‌های ما در اجرای الگوی آموزشی مفید است. نوع قراردادی که در مفید داریم و نوع فعالیت‌هایی که در مجموعه مدارس ما انجام می‌شود به شکلی است که هر سال اعضای کادر و نیروی معلمان مدارس، تغییراتی می‌کنند. به‌ویژه در زمینه مربیان پایه‌ها، وقتی مربی جدیدی وارد می‌شود، مجبور هستیم آموزشی که طی ۴ یا ۵ سال به مربی قبلی داده شده را بخواهیم خیلی سریع و فشرده به مربی جدید ارائه کنیم.

هرچند سعی کردیم با برنامه‌هایی که راهبران مدارس برای این گروه از مربیان تدارک می‌بینند بتوانیم جبران بکنیم، ولی با فعالیت‌هایی که ما در چند سال برای مربیان قبلی رقم زدیم تا مربیان به مرز آمادگی برسند تفاوت دارد و رسیدن به جایگاه مربی قبلی، چندین سال طول می‌کشد. بنابراین چالش نیروی انسانی و آموزش نیروی انسانی جدید، از چالش‌های جدی در الگو هست که باید برای آن برنامه‌ریزی کرد.

دوره کرونا یکی دیگر از چالش‌های ما بود که در عمل، اتصال به دوره دوم دبستان را برای ما سخت‌تر کرد. الان در دوره دوم و پایه‌های چهارم، پنجم و ششم به نسبت دوره اول و پایه‌های پیش تا سوم، کندتر جلو می‌رویم.

ضمن اینکه در دوره دوم، به‌ویژه در دبستان‌های پسرانه معلمان فقط آقا هستند و یک مقدار چالش نیروی انسانی در کنار موضوعات آموزشی، در این مدارس جدی‌تر است و کار را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.

شاید بد نباشد به‌عنوان نکته پایانی به این موضوع اشاره کنم که یکی از فرصت‌ها، فرصتی است که در خانه یادگیری سرو فراهم شده است. یعنی خانه سرو تبدیل به محل استقرار الگوی آموزشی دبستان و متوسطه دوره اول، همراه با یادگیری متنوع و اتفاقات جانبی دیگر شده است.

خانه سرو در حال ایجاد بستری مناسب برای سایر مراکز آموزشی و حتی از استان‌های دیگر کشور است. مربیان از سایر شهرها در خانه سرو حضور پیدا می‌کنند و آموزه‌های خوبی را فرامی‌گیرند. این اتفاق باعث نشر الگوی آموزشی مفید خواهد شد.

این اتفاق هرچه‌قدر مستندتر و دقیق‌تر رخ بدهد می‌تواند الگو را در سطح کشور تسری بدهد و برکات آن به دیگر مراکز آموزشی نیز برسد. همچنین ارائه این خدمات برای مجموعه‌های خیریه و مدارس مناطق محروم که نیازمند یادگیری هستند می‌تواند منشاء خیر و برکت و حرکت کل آموزش و پرورش کشور باشد.

”

تولید محتوا در قالب کارهای تیمی و گروهی از ویژگی‌های خاص الگوی آموزشی مفید است. در حقیقت گروه مربیان این کار را اجرا می‌کنند و این اتفاق پویایی خاص خودش را دارد

در الگوی آموزشی مفید، فاصله استاد تا کلاس درس کوتاه است



زهره پندی

عضو هیئت علمی
برنامه‌ریزی دبستان‌های مفید

چالش‌ها:

در آغاز راه، ماجرای الگوی آموزشی مفید تجربه جدیدی برای همه ما بود. گروه الگو، گروه معلمان، راهبران و مدیران، همگی با محتوای تازه‌ای مواجه بودیم که بر تجربه‌های قبلی‌مان منطبق نبود. اما، با توجه به اینکه اصول یادگیری تبیین شده را سازگار می‌دیدیم، تصمیم جمعی‌مان این بود که پیش برویم و الگوی آموزشی مبتنی بر این اصول را آرام شکل دهیم.

میزان همراهی:

میزان همراهی معلمان، راهبران و مدیران مدرسه برای من شگفت‌آور بود و هست. فکر می‌کنم که علاقه همه ما به «کودک و کودکی» و تعهدمان به «یادگیری و آموزش» باعث این همراهی شده است. به هر حال در مسیر اختلاف نگاه‌هایی وجود داشت و دارد؛ اما همراهی به این معنی که اختلاف نگاه‌ها را به گفت‌وگو بگذاریم و جلو برویم نیز همیشه وجود داشته است.

تفاوت با الگوی آموزش و پرورش:

هر برنامه‌ای که برای اجرا در کلاس درس تنظیم می‌شود، قسمت نانوشته‌ای دارد که با حضور معلم تکمیل و در کلاس اجرا می‌شود. فاصله معلم و برنامه‌هایی که از سوی آموزش و پرورش ابلاغ می‌شود، زیاد است و از این جهت است که آموزش و پرورش ناچار به گذاشتن چارچوب‌های زیادی است تا بتواند در گستره ایران و با معلمان با توانایی‌ها و سلیقه‌های مختلف، در جاتی از هم‌شکلی را حفظ کند، ولی این چارچوب‌ها به ناچار نقش معلم را کم‌رنگ می‌کنند. در الگوی آموزشی مفید، فاصله استاد تا کلاس درس کوتاه است و برای همین است که می‌تواند عاملیت معلم و نقش او را در طراحی آنچه در کلاس به اجرا در می‌آید پرنرنگ‌تر لحاظ کند.

آیا الگو به هدفش رسیده است:

من فکر می‌کنم که تجربه، موفق بوده است و بخش بزرگی از این موفقیت به سرمایه انسانی هرکدام از مدرسه‌ها مربوط است. غیر از اهداف از پیش تعیین شده، به نظر می‌رسد که الگو، نتایج پیش‌بینی نشده‌ای را هم همراه داشته است. مثلاً به نظر من الگوی آموزشی مفید، سهمی در توانایی اعضای گروه الگو در تشکیل گروه‌های معلمی فرامدرسه‌ای و تمایل معلمان و راهبران مدرسه‌ها در به اشتراک گذاشتن تجربه‌های آموزشی در گروه‌های بزرگ‌تر دارد. از این مثال‌ها باز هم وجود دارد. تصور من این است که این طرح چندساله به خیلی از ما فرصت داد تا همراهی در یک اجتماع حرفه‌ای معلمی را تجربه کنیم و طعم لذت‌بخش آن را بچشیم و برای گسترش آن قدم برداریم.

بچه‌ها مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می‌گیرند



مفید اشاره کرد و گفت: شاید آموزش‌ها در قدیم، صرفاً سطح یادآوری و دانش عمومی و نهایتاً فهم بچه‌ها را هدف می‌گرفته اما حالا قرار است دانش‌آموزان بتوانند به سطوح بالاتر تحلیل، ارزیابی و حتی به تولید برسند، تولید به معنای خلق یک اثر که از یادگیری‌شان برمی‌آید. هدف دوم این که اگرچه دبیران برای فعالیت‌شان در کلاس طرح درس دارند اما این طراحی‌ها در قالب یک

قرار شد در مدرسه مفید یادگار پای صحبت بچه‌ها و اولیایشان بنشینیم و از الگوی آموزشی مفید بشنویم. جلسه با حضور پنج نفر از دانش‌آموزان و اولیایشان و با هدف شنیدن نقطه‌نظرات دانش‌آموزان و اولیایشان در مورد آموزش و یادگیری برگزار شد. این که معلمان چه می‌کنند تا دانش‌آموزان یاد بگیرند و دانش‌آموزان چه احساسی از نحوه یادگیری درس‌ها داشتند. اولیا هم قرار بود از ادراک و احساس خود از فعالیت یادگیری بچه‌ها بگویند. جلسه با صحبت‌های مقدماتی مدیر مدرسه آغاز شد.

” آموزش‌ها در قدیم، صرفاً سطح یادآوری و دانش عمومی و نهایتاً فهم بچه‌ها را هدف می‌گرفته اما حالا قرار است دانش‌آموزان بتوانند به سطوح بالاتر تحلیل، ارزیابی و حتی به تولید برسند، تولید به معنای خلق یک اثر که از یادگیری‌شان برمی‌آید

میرقاسمی: تقریباً از پنج سال پیش یک مسیری برای ارتقا روال آموزشی مجتمع آموزشی مفید در مقطع متوسطه دوره اول تعریف شد. این حرکت، در دبستان‌های مفید سابقه قبلی داشت. دبستان‌های مفید از ابتدا برنامه‌شان را تحت‌عنوان الگوی آموزشی دبستان مفید و از صفر با یک روال جدیدی شروع کردند. یعنی مطالعات اولیه قبل از شروع مدرسه انجام شده بود. اما مدارس متوسطه دوره اول دایر بودند و این ریل‌گذاری باید ضمن دایر بودن مدارس اتفاق می‌افتاد. بنابراین از فرصت تابستان‌ها برای برپایی جلسات گفت‌وگو و یادگیری الگوی آموزشی مفید بهره گرفته شد. البته گروه هیئت‌علمی جلسات هم‌اندیشی و مطالعاتی خود را در طول سال هم پیش می‌برد. اجرای برنامه از تعدادی از دروس سال هفتم شروع شد. به تدریج هم عناوین دروس کامل‌تر شد هم طراحی آموزشی‌های پایه هفتم تکمیل شد و به دروس سال‌های هشتم و نهم تسری پیدا کرد.

در ادامه جلسه **محمد پناهی**‌ها راهبر آموزشی مدرسه به سه هدف اصلی الگوی آموزشی

چهارچوب قابل ارتقا مدون گردد. به طوری که بسیاری از این طراحی‌ها، حالا قابلیت انتشار پیدا کرده است. نکته سوم توجه به اهداف فرآیندی است. به عنوان مثال بچه‌ها در درس ریاضی، رویکرد حل مسئله، نحوه استدلال و بیان آن را فرا می‌گیرند یا در درس علوم تأکید بر کاوشگری دانش‌آموزان است و اینکه معلمان مسیری را بپیمایند تا بچه‌ها خودشان بتوانند کشف کنند و یاد بگیرند اهمیت پیدا می‌کند.

در ادامه قرار شد بچه‌ها از تجربه‌ها، احساسات و ادراکشان از یادگیری‌های درس‌های مختلف بگویند.

شیرازی (پایه نهم): چیزی که باعث می‌شد من شخصاً درس را عمیق‌تر یاد بگیرم، فعالیت‌های گوناگونی بود که فراتر از تکلیف معمولی در هر درس، برای ما تعریف می‌شد، این کار باعث می‌شد که از زاویه‌های مختلف آن موضوع را ما یاد بگیریم و بیشتر به عمقش دقت کنیم. مثلاً ما در کلاس فارسی امسال فعالیت‌های مختلفی داشتیم. به شعر گوش می‌دادیم، تحلیل می‌کردیم، نظر خودمان را می‌گفتیم، تحلیل‌های بقیه را می‌شنیدیم یا به عنوان مثال یک فعالیتی بود که ما یک متن را ارزیابی می‌کردیم و نقایص آن را پیدا می‌کردیم. بیشتر یک سری کارها برعهده خودمان بود. این سبب می‌شد ما بیشتر در مطالب عمیق شویم و تمرکز کنیم تا بتوانیم بیشتر درکش کنیم.

ابوالفضل امیدی فر (پایه هشتم): در درس اجتماعی ابتدای سال یک سری تکلیف‌هایی در درس اجتماعی داده می‌شد که من و بعضی دوستانم آن را بی‌فایده می‌دانستیم و اعتراض می‌کردیم. اما وسط‌های سال فهمیدیم آن برنامه آموزشی که چیده شده بود از اول یک دلیلی داشت و شرایط یادگیری ما بهبودی پیدا کرد. یا مثلاً در درس ریاضی مسئله‌هایی طرح می‌شد که فراتر از درس بود اما سبب می‌شد ذهن به چالش کشیده شود

”

چیزی که باعث می‌شد من شخصاً درس را عمیق‌تر یاد بگیرم، فعالیت‌های گوناگونی بود که فراتر از تکلیف معمولی در هر درس، برای ما تعریف می‌شد، این کار باعث می‌شد که از زاویه‌های مختلف آن موضوع را ما یاد بگیریم و بیشتر به عمق آن دقت کنیم

و حل مسئله ما قوی‌تر بشود. البته در بعضی درس‌ها که مسئولیت یادگیری زیادی بر عهده بچه‌ها بود، این هدف به صورت کامل تحقق پیدا نکرد. یعنی همه بچه‌ها درس را یاد نگرفتند.

امیرحسین آزادمنش (پایه هشتم): به یک اشکال در بعضی درس‌ها اشاره کرد که روال معلم به گونه‌ای بود که ما برای ارزشیابی‌ها و آزمون‌ها برایمان مشخص نمی‌شد که چه مطلبی را باید بخوانیم و آماده آزمون شویم. او از ارائه جزوه یادگیری در انتهای درس به عنوان یک تجربه موفق یاد می‌کند. البته برای امیرحسین هم تجربه حل تمرین‌های زیاد از یک مبحث درس ریاضی و احساس عمیق‌تر شدن و موفقیت در یادگیری آن درس، بسیار لذت‌بخش بوده است.

طاها عسگر بیوکی (پایه هشتم): چالش‌های درس‌ها بسیار جالب بود اما مثلاً در درس زیست، زمان یک ساعت در هفته برای معلم واقعاً کم بود. ما بعضی وقت‌ها درس را یاد نمی‌گرفتیم اما محتواهای آفلاین خیلی به ما کمک کرد. این در حالی بود که در درس فیزیک هم فرصت یاددهی وجود داشت و هم معلم ما می‌توانست از ما آزمون بگیرد. طاها از تجربه طولانی بودن محتواها و فیلم‌های آموزشی بعضی از دروس به عنوان یک تجربه منفی و امکان ارسال تکالیف در فضای آفلاین به عنوان یک تجربه مثبت یاد کرد. طاها برگزاری آزمون‌های متعدد در دروس مختلف را یکی از عوامل مؤثر یادگیری بهتر درس‌ها می‌داند و ضمن این که ارائه مفاهیم فراتر از کتاب را کار بسیار خوبی می‌داند اما اصرار دارد که بهتر است اول دبیران مفاهیم کتاب را جا بیندازند و بعد به سراغ مطالب دیگر بروند.

آراد اکبری (پایه هشتم): هم به بیان تجربه‌های خودش پرداخت: یکی از چیزهایی که برای ما بسیار لذت‌بخش بود، معلومات وسیع معلممان در آن حوزه بود. مثلاً آن قدر دانستی‌های آقای دروگر یا داستان‌های تاریخی‌ای که می‌گفتند زیاد بود که وقتی شروع به صحبت می‌کردند، ما خیلی کیف می‌کردیم که بیشتر مثلاً توی کلاس ایشان باشیم یا تکلیف‌ها را انجام بدهیم یا حتی فراتر از درس برویم و مطالبی را پیدا کنیم و بخوانیم. انجام تمرین‌های سخت ریاضی یکی از تجربه‌های خوب من بود اما گاهی اوقات مطالب زیادی در یک جلسه آفلاین ارائه می‌شد. همچنین در بعضی از درس‌ها نمی‌دانستیم که چگونه باید برای امتحان آماده شویم. در بعضی درس‌ها فقط یک چیزی بود که ما حفظ می‌کردیم و می‌رفتیم امتحان می‌دادیم ولی دلیل آن فرمول را نمی‌فهمیدیم. یا بعضی از درس‌ها، یک کوچولو بالاتر از درک ما بود!

در ادامه از بچه‌ها خواسته شد به تجربه‌های خاص شیرینی از یادگیری درس‌ها اشاره کنند.

طاها در این زمینه به سایت بازی زیست‌شناسی اشاره می‌کند و اینکه یک فیلم سینمایی با موضوع پزشکی و مرتبط با مفاهیم درسی را دنبال کرده است. او اشاره می‌کند در چند موقعیت فیلم را متوقف کرده تا بعضی از مطالبش را برای خانواده توضیح دهد.

ابوالفضل هم می‌گوید مطالب ارزشمندی که در زمینه بیوتکنولوژی، ژنتیک و ... در درس زیست یادگرفته را در خانه و برای خانواده خود توضیح داده است. همچنین تجربه برپایی دادگاه در درس پادشاهان در درس مطالعات و این که مجبور شده‌اند لایحه بنویسند را یک تجربه خوب سال گذشته خودش می‌داند.

آریا وجود مطالب طنز در درس هندسه و جبر را یکی از خاطرات خوب خودش می‌داند: معلمان هندسه و جبر با خطاهای پای تخته دانش‌آموزان شوخی می‌کردند. هم می‌خندیدیم هم توجه‌مان به آن نکته جلب می‌شد که ببینیم اشتباهش چی بوده، نکته‌اش چی بوده، راهش چی بوده.

او البته بحث و گفت‌وگوهای درس تفکر و این که خودشان یک موضوعی را بررسی می‌کردند هم یکی از تجربه‌های شیرین بچه‌ها می‌داند.

امیرحسین هم وجود خنده و شوخی در کلاس درس برایش پررنگ است و وجود آن را برای یادگیری درس‌ها لازم می‌داند.



آورده بودند اما اصلاً از این برگه استفاده نکردند، بلکه این معلومات عمیق آموخته شده در طول نوبت بود که مورد استفاده قرار گرفت. جایی که بچه‌ها موزه رفتند، جایی که کتاب بهشان معرفی شد، جایی که قبل از شروع آن درس جلسه به گفت‌وگو راجع به آن مبحث گذشت آنجاها هم خیلی برای بچه‌ها اتفاق خوبی بود و آموزش بسیار غنی شد. شیب آموزشی بچه‌ها در این مدرسه خیلی بیشتر از دوره دبستان بود اما بچه‌ها تاب‌آوری این شیب آموزشی را داشتند و توانستند که ارتباط برقرار کنند. علت این بود که بچه‌ها در دوره دبستان این مهارت‌ها را فراگرفتند و آماده شدند. ثمره‌اش هم این شد که توانستند روی پای خودشان بایستند و با گفت‌وگو کارشان را پیش ببرند.

آقای حشمتی عضو اندیشکده مطالعات راهبردی مفید یکی دیگر از میهمانان این برنامه بود که ضمن جمع‌بندی مباحث به‌عنوان تعریف کلی الگوی آموزشی، افزود: در این الگو، یادگیرنده خلاق یعنی دانش‌آموز در یادگیری مشارکت می‌کند و نقش معلم تسهیلگری است.

”

در آزمون اجتماعی بچه‌ها در نوبت اول به بچه‌ها اجازه داده شد که مطالبی را در یک صفحه بنویسند و به جلسه آزمون بیاورند. قشنگی این کار اینجا بود که بچه‌ها تا آنجا که توانسته بودند نوشته بودند و آورده بودند اما اصلاً از این برگه استفاده نکردند

در ادامه بچه‌ها به بیان تجربه‌های مثبت در مورد کلاس‌های آفلاین پرداختند: این که پازلی و به شکل بازی بوده یا آزمون‌هایی بوده که بچه‌ها می‌توانستند مجدد مراجعه کنند و اشکالاتشان را رفع کنند. طولانی نبودن محتواها و وجود پرسش در لابه‌لای فیلم‌های آموزشی هم از جمله همین موارد بوده است. کلاً ارائه فیلم‌های طولانی باعث خستگی بچه‌ها می‌شده اما خوشبختانه مدیریت کار به دست خودشان بوده و می‌توانستند زمان خود را تقسیم نمایند.

نحوه پایان کلاس‌ها یکی دیگر از نکات مطرح شده بود: تمام نشدن درس‌ها در پایان زنگ و ادامه کلاس‌ها در زنگ تفریح از تجربه‌های مشترک بچه‌ها بود. ارائه برگه بازاندیشی در انتهای کلاس ادبیات هم برای بچه‌های سال هفتم ارزشمند بوده است و این کار را در خود ارزیابی خودشان مؤثر می‌دانستند. اما این تجربه را فقط در درس ادبیات هفتم داشته‌اند.

صحبت‌های اولیا بخش مهم دیگر این جلسه بود.

بدر آریا عدم تناسب بین آموزش و سطح آزمون‌ها و حتی تمرین‌ها را یکی از چالش‌های اولیا برشمرد و به لزوم ارائه عمیق مفاهیم در درس‌هایی مانند علوم اشاره کرد. او تجربه ساخت وسایل در درس علوم هفتم را بسیار ارزشمند می‌دانست.

مادر ابوالفضل به کاربردی شدن درس‌ها در زندگی روزمره و در نتیجه عمیق‌تر شدن یادگیری بچه‌ها اشاره می‌کند و آن را برای خانواده‌ها بسیار ارزشمند می‌داند.

آقای آزادمنش به لزوم شناخت استعداد بچه‌ها و تلاش در جهت شکوفایی بیشتر آن‌ها اشاره می‌کند و کتاب‌محور نبودن بعضی از درس‌ها را سبب آشفتگی کار بچه‌ها می‌داند. او یکی از دلایل عدم یادگیری بچه‌ها را ارائه مفاهیم انتزاعی و غیر کاربردی می‌داند و البته برنامه‌محور بودن مدرسه و آموزش نحوه درس خواندن به بچه‌ها را نقطه قوتی می‌داند که می‌تواند همه نقایص را بپوشاند.

مادر طاهیا چالش برانگیز بودن درس‌ها را یک نکته مهم می‌داند که سبب قدرتمندتر شدن بچه‌ها شده است. او از خودخوان شدن بچه‌ها و این که خود پیگیر درس خودشان می‌شوند به‌عنوان یک ویژگی مثبت یاد می‌کند.

مادر طه و مادر آراد ارتباط کلی برنامه‌درسی متوسطه دوره اول و دبستان مفید را بسیار مهم دانستند. مادر آراد در ادامه به وجود برنامه‌ریزی، حرکت تیمی و ارتباط خوب معلمان با بچه‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر در رشد بچه‌ها اشاره می‌کند و به‌عنوان نمونه یک کار زیبا می‌افزاید: در آزمون اجتماعی در نوبت اول به بچه‌ها اجازه داده شد که مطالبی را در یک صفحه بنویسند و به جلسه آزمون بیاورند. قشنگی این کار اینجا بود که بچه‌ها تا آنجا که توانسته بودند نوشته بودند و

ما چیزی را به بچه‌ها دیکته نمی‌کنیم

مصاحبه با خانم منتظری مدیر متوسطه دوره اول دخترانه مفید



شیوه‌های آموزشی مدارس مفید یکی از مسائلی است که توجه بسیاری از اولیا و دانش‌آموزان و فعالان حوزه آموزش را به خود جلب کرده است. مخاطبان می‌خواهند بدانند چه برنامه‌هایی در حوزه‌های آموزشی مدارس مفید اتفاق می‌افتد. خانم منتظری مدیر متوسطه دوره اول دخترانه مفید، یکی از مدیران مجتمع آموزشی مفید است که توضیحات خوبی در این باره ارائه داده است. توضیحات ایشان به‌خصوص درباره سندی به نام ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی مفید به خوانندگان کمک می‌کند با مدارس مفید آشنا شوند. در تمام مدت مصاحبه، لیخنه از چهره ایشان جدا نمی‌شود. مخصوصاً وقتی موضوع صحبت، دانش‌آموزان مدرسه هستند.

■ درباره سند ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی مفید توضیح می‌دهید؟

الگوی آموزشی مفید در مدارس متوسطه دوره اول کارش را شروع کرد، هدف مورد توجه و مهمش این بود که در ذیل تشکیل اجتماع حرفه‌ای معلم‌ها، بتواند سند یادگیری و سند ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی مفید را در چرخه یادگیری و طرح درس‌های معلم‌ها قرار دهد.

از آنجایی که یادگیرنده آرمانی مفید به یادگیری علاقه‌مند است و از آن لذت می‌برد، پس به دنبال فهم عمیق دانش، مفاهیم و معانی است. یادگیری‌هایش را در زندگی و عمل به کار می‌برد و به دنبال این است که بتواند بین آموخته‌هایش ارتباط برقرار کند تا آن را سودمند کند. الگوی آموزشی مفید به‌خوبی توانسته است در راستای یادگیری عمیق و رشد همه‌جانبه، از این سند به‌صورت بهینه و کاربردی در طرح درس‌های معلمان حمایت کند.

■ چه چیزی برای شما در مدرسه مفید جذاب است؟

من به‌عنوان یک معلم الگو، از اینکه وقتی به کلاس می‌روم، نگاه پر از شادی شاگردانم را می‌بینم که منتظر من هستند تا به شیوه‌ای متفاوت، مسیر یادگیری را با هم جلو ببریم، حس شوق و شور و شمع دارم. چرخه یادگیری در مفید رویداد بسیار جذابی است. یک شروع با حال خوب، همراه با یک مواجهه هیجان‌انگیز که فکرها را درگیر می‌کند و به پرسش و امی دارد. سپس می‌رویم سراغ درک و دریافت که با توجه به علایق و نیازمندی‌های دانش‌آموزان مسیرهای متنوعی می‌تواند داشته باشد و نهایتاً هم بازاندیشی و آخر درس و تمام.

حس من به مدرسه و معلمان الگو، خیلی خوب است. حس زندگی و پویایی و حرکت دارم. سروصدایی که از کلاس‌ها و فعالیت‌های بچه‌ها به گوش می‌رسد گوش‌نواز است. وقتی در زمان استراحت می‌شنویم که بچه‌ها با شوق درباره اتفاقی که در کلاسشان افتاده است صحبت می‌کنند، کلاً حال خوبی دارد. البته نباید کتمان کرد که کار معلم الگو، بسیار سخت و مسیروش پرچالش است. ابتدا شناخت و بعد هم‌سو شدن با نیازها و توانمندی‌های دانش‌آموزان و توجه به تفاوت‌های فردی آن‌ها و سپس تدوین و اجرای یک طرح درس خوب و حرفه‌ای که همه زوایا و اهداف دانشی و عاطفی و... را در خود جای دهد، انصافاً کار پیچیده‌ای است.

این سند چهار حوزه ارتباطی را دربر می‌گیرد. ارتباط با خدا که وجه معنوی آن است، ارتباط با خود که وجه شخصی آن است، ارتباط متفاوتی با خود که وجه مدیریتی آن است و ارتباط با خلق که وجه اجتماعی آن محسوب می‌شود. یادگیرنده آرمانی در این سند این‌گونه توصیف می‌شود: آگاه، اخلاق‌مدار، متعبد، مثبت‌اندیش، یادگیرنده، متعادل، آینده‌نگر، مقتصد، ریسک‌پذیر، تعامل‌کننده، مسئولیت‌پذیر، نوع‌دوست، متفکر و جستجوگر. این ویژگی‌ها در مسیر آموزش و تربیت در مجتمع مفید حائز اهمیت هستند و در واقع در راستای همان چهار حوزه ارتباطی تبیین می‌شوند. از حدود چهار سال قبل که

”

الگوی آموزشی مفید به خوبی توانسته است در راستای یادگیری عمیق و رشد همه‌جانبه، از این سند به‌صورت بهینه و کاربردی در طرح درس‌های معلمان حمایت کند

■ خاطره جالبی هم از این مدل آموزشی دارید که تعریف کنید؟

ما دوره‌هایی با بچه‌هایی که از مدرسه‌مان فارغ‌التحصیل می‌شوند، داریم. خاطره خیلی خوبی از دوره‌های افطاری فارغ‌التحصیلان دارم.

سر سفره افطار داشتیم با بچه‌ها از درس و مدرسه می‌گفتیم. یاد آن ایامی که درس نمی‌خواندند و چقدر معلم‌ها را حرص می‌دادند، همه‌اش می‌گفتند آخر چرا باید عربی و ریاضی و... بخوانیم و هی ما می‌گفتیم بچه‌ها، درس بخوانید، یک روزی به کارتان می‌آید. چیزی که برایم جالب بود، گفت‌وگویی بود که بین بچه‌ها شکل گرفت. از همان حرف‌هایی که انگار جزء رازهای مگویی نوجوانی است و گاهی باد به گوش ما معلم‌ها هم می‌رساند. بچه‌ها داشتند می‌گفتند که کلاس‌هایی که معلم‌ها با یک حرکت خلاقانه، همراه فعالیت و بازی کارشان را پیش می‌بردند، به قدری زیبا و عمیق در ذهن‌هایشان به یادگار باقی مانده است که حتی در دبیرستان، آن مفاهیم فراموش نشده بود و به یادشان مانده بود. خاطرم هست که آن روز بچه‌ها از خاطرات مدرسه و کلاس‌هایشان طوری با آب‌وتاب تعریف می‌کردند که ما معلم‌ها که شنونده خاطره‌هایشان بودیم، به وجد آمده بودیم. در واقع داستان مدرسه زندگی ما با طرح و نقشه‌های رنگارنگ و قشنگی که دارد به خوبی حاکی از تجربه عینی دانش‌آموزان در بستر زندگی است.

■ درباره روش متفاوت تدریس به دانش‌آموزان توضیح می‌دهید؟

قرار است مسیر یادگیری طوری چیده شود که معلم نقش تسهیلگری داشته باشد و دانش‌آموزان، محور یادگیری و کشف و جست‌وجو باشند. موضوع یادگیری عمیق در کلاس، زمانی اتفاق می‌افتد که بچه‌ها با انگیزه درونی و علاقه مسیر یادگیری را دنبال کنند. لذا معلم طراح با روش‌های متفاوت به فراخور نیاز و علائق دانش‌آموزان، سعی می‌کند خوراک متعددی برای یادگیرندگان فراهم کند.

من دینی درس می‌دهم. امسال شرایط خاص و متفاوتی را در جامعه تجربه کردیم. در این ایام گاهی پیش می‌آمد که من سه اجرای متفاوت در سه کلاس متفاوت داشتیم. در واقع من از قبل طراحی‌هایی داشتم و به کمک راهبردهای تدریس از شیوه‌های جذاب کمک می‌گرفتم، اما شرایط هر کلاس و دغدغه‌های متفاوت دانش‌آموزان هر کلاس، مرا بر آن می‌داشت که سازم را با موسیقی کلاسم کوک کنم. استفاده از انواع هنرها و همچنین آثار ادبی در روش تدریس، حال خوبی به کلاس می‌دهد و بچه‌ها را بیشتر و بهتر با آهنگ معلم همراه می‌کند. ما چیزی را به بچه‌ها دیکته نمی‌کنیم. هر کدام از بچه‌ها، گوشه‌ای از پازل‌های متنوعی که معلم با خود سر کلاس برده است را می‌گیرند و به دور خود حلقه می‌زنند و غرق در تفکر می‌شوند، یادگیری اتفاق افتاده است.

■ از مدل‌های آموزشی کشورهای دیگر هم استفاده می‌کنید؟

الگوهای خیلی خوبی در کشورهای توسعه‌یافته در حال اجرا است. این‌ها می‌توانند منبع مطالعاتی خوبی برای ما باشند. سال‌هاست که مفید تلاش کرده است از راه‌های گوناگون و از جمله توجه به رویکردهای آموزشی کشورهای پیشرو، تجربه کسب کند. ما به این باور رسیده‌ایم که در مدرسه زندگی، مهم است که به همه جنبه‌های رشد و شکوفایی توجه کنیم.

■ شرایط در دوره کرونا به چه صورت پیش رفت؟

تجربه‌ای که در زمان کرونا به دست آوردیم، بحث آموزش ترکیبی بود. ما در عین حال که بچه‌ها مدرسه نمی‌آمدند، باید در فضای مجازی کارمان را ادامه می‌دادیم. با این چالش روبه‌رو بودیم که باید چه کار کنیم که یادگیری عمیق، به خوبی اتفاق بیفتد.

انعطاف در زمان و مکان و محتوای یادگیری از جمله دغدغه‌هایی بود که معلم‌ها و همه فعالان در حوزه‌های آموزشی به آن توجه کردند و سعی داشتند در کلاس‌های توأمان حضوری و مجازی، کاری کنند تا دانش‌آموزان بتوانند بخشی از مسیر یادگیری را با توجه به علاقه و نیاز خود، انتخاب کنند و جلو ببرند. لذا مهم بود که دبیران و معلمان به یک سری توانمندی‌ها دست یابند تا بتوانند مسیر توسعه شخصی را، اول برای خود سپس برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

فرصت یادگیری به‌طور غیرهم‌زمان، تبعات و در عین حال مزایایی هم به دنبال داشت. اما

نکته قابل توجه این است که ما و بچه‌ها در زمان کرونا یاد گرفتیم که برای دسترسی راحت‌تر به تکنولوژی و فناوری نیاز هست که خودمان را بالا بکشیم و توانمند شویم. در غیر این صورت، ادامه مسیر برای هر دوی ما دشوار به نظر می‌رسید. دانش‌آموزان مجهز به سلاح خودتنظیمی شدند و هر کس که از این سلاح به‌نجو شایسته‌ای استفاده کرد، گام‌های موفقیت را به‌درستی برداشت. معلم‌ها هم به تناسب، برای تولید محتوای آموزشی تلاش کردند.

■ بیشترین دغدغه‌ای که خانواده‌ها در مفید دارند، چیست؟

پرنک‌ترین دغدغه خانواده‌ها در مدرسه مفید، موضوعات تربیتی فرزندان‌شان است. وقتی از تربیت صحبت می‌کنیم، شامل همه جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی و همچنین موارد جزئی‌تری مثل کنترل درست میزان استفاده دانش‌آموزان از فضای مجازی است. البته کم نیستند والدینی که دغدغه درس نخواندن بچه‌ها و چالش نوع نگاه بچه‌ها به خانواده و تفاوت ارزش‌های خانواده و فرزندان‌شان را دارند. این امر، دغدغه پرنک مسئولان و همکاران مدرسه هم هست. قطعاً مسئولیت خطیری بر دوش ما خواهد بود. ما با نسلی روبه‌رو هستیم که به‌سختی در چارچوب و نظام ارزشی خانواده‌ها جا می‌شوند و خانواده‌ها هم در این موضوع، از مدرسه یاری می‌خواهند. هم‌سویی و هم‌کلامی خانه و مدرسه می‌تواند بخش بزرگی از این دغدغه را حل کند. متأسفانه درگیری‌های شغلی و عاطفی برخی خانواده‌ها، آن‌ها را از دنیای ذهنی فرزندان‌شان دور کرده است. ما تمام سعی‌مان را می‌کنیم که به‌عنوان الگوی مناسب برای دختران نوجوانمان، در خودمان و از دورنمان به این بالندگی برسیم که بتوانیم نمونه محبوبی از یک فرد مسلمان با اخلاق مذهبی و عامل باشیم. به هر صورت رسالت سنگینی بر دوش مدرسه است. امیدواریم برنامه‌های فرهنگی و تربیتی مدرسه به شکل پرنک‌تر و با بهره‌مندی از حضور کارشناسان فعال در حوزه‌های مربوط به سلامت ذهن و قلب دخترهای نوجوان و سایر برنامه‌ریزی‌های انجام شده در این زمینه، ما و دخترانمان را به اهداف متعالی و والای انسانی سوق دهد. به امید روزهای پرنور زندگی.

”

قرار است مسیر یادگیری طوری چیده شود که معلم نقش تسهیلگری داشته باشد و دانش‌آموزان، محور یادگیری و کشف و جست‌وجو باشند

اجرای الگوی برنامه‌درسی در دوره اول دبستان و گسترش الگو در متوسطه اول

- طراحی آموزشی (محتوا) در پایه اول و دوم و سوم دبستان
- اجرای الگوی برنامه‌درسی در پایه اول و دوم و سوم مدارس
- تعریف سمت راهبری در مدرسه و برگزاری جلسات راهبران دوره اول دبستان (به‌عنوان رابط الگو)
- برگزاری کارگاه‌های موضوعی
- آغاز مشاهدات کلاسی در راستای بهبود اجرای الگوی پایه اول دبستان
- تشکیل کارگروه‌های علوم و ریاضی و هنر دبستان
- تدوین سند ریاضی و هنر دبستان
- تشکیل گروه الگوی متوسطه اول و آغاز فاز تحقیقاتی برنامه‌درسی
- تدوین نسخه اولیه اسناد عمومی و تخصصی (درسی) راهبردهای یاددهی و یادگیری:

ارزشیابی

سند طراحی آموزشی و معلم طراح اسناد موضوعی: علوم، ریاضی، ادبیات، مطالعات و زبان

- طراحی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مبتنی بر چرخه یادگیری
- آغاز دوره طراحی تخصصی دروس: ریاضی، علوم، مطالعات، زبان، ادبیات
- آغاز اجرای الگوی برنامه‌درسی در پایه هفتم
- آغاز مشاهدات کلاسی دروس الگوی متوسطه اول
- آغاز جلسات راهبران مدارس مفید

تشکیل تیم هیئت علمی دبستان

- تشکیل تیم هیئت علمی دبستان
- طراحی الگو برنامه‌درسی دبستان‌های مفید:
 - تدوین اسناد
 - سند یادگیرنده آرمانی LP
 - نگاه‌های زیربنایی،
 - اصول فرایندهای یاددهی - یادگیری
 - چرخه یادگیری،
 - مدل طراحی سه‌بعدی
- برگزاری دوره‌های آشنایی با الگوی برنامه‌درسی برای معلمان پایه اول و راهبران آموزشی
- تدوین سیاست‌های مدرسه زندگی در متوسطه اول
- زمینه‌سازی شکل‌گیری الگوی برنامه‌درسی متوسطه اول با محوریت شناخت وضعیت موجود (در دو درس ریاضی و زبان)

مسئله‌یابی و حل یک چالش بزرگ

(گام سوم)
یکپارچه‌سازی دبستان‌ها

- احساس نیاز به (ضرورت) هماهنگی در نظام مدرسه داری (نیاز)
- تدوین سند سیاست‌ها و راهبردهای مشترک دبستان‌های مفید (اقدام)
- احساس نیاز به تکمیل اسناد برنامه‌درسی
- مطالعات میدانی و مشاهده تجربه‌های بین‌المللی
- آغاز مطالعات تطبیقی برای طراحی (تدوین) الگوی برنامه‌درسی

سال ۹۸ - ۹۶

سال ۹۶ - ۹۴

سال ۹۴ - ۹۲



گسترش آموزش ترکیبی و گسترش الگو؛ آغاز فعالیت خانه یادگیری معلمان سرو

- تدوین سند مقدماتی پیش دبستان
- چاپ کتاب‌های تأیید شده در گروه الگوی برنامه‌درسی: ریاضی، هنر، زبان آموزی
- تدوین سند اجتماعی
- تدوین سند مهارت‌ها
- تدوین سند گام دوم الگوی برنامه‌درسی
- تدوین سند شایستگی‌های راهبران و معلمان
- تدوین سند دامنه محتوایی ریاضی
- اجرای الگوی برنامه‌درسی در پایه چهارم و پنجم
- چاپ اسناد معلم معیار و نمونه ارزشیابی‌های باکیفیت علوم
- شروع به کار خانه یادگیری سرو
- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزش مربی
- شروع اجرای الگوی برنامه‌درسی در پایه نهم
- تدوین سند پیش‌نیازهای محتوایی ورود به پایه هفتم
- اضافه شدن درس‌های قرآن و هنر به الگوی متوسطه اول
- تشکیل کارگروه توانمندی‌های عمومی
- طراحی رویکردهای سطوح معلمی الگو و اعطای گواهینامه
- برگزاری رویدادهای بین‌مدرسه‌ای دانش آموزی متوسطه اول: جشنواره داستان‌نویسی پربال، چالش ریاضی، بیداد دود، جشنواره گفت‌وگو
- پایش ادراک معلمان از اثرگذاری الگوی (کمی و کیفی)
- تولید بسته محتوای ترکیبی دبستان و متوسطه اول
- چاپ اسناد راهبردهای تدریس، علوم و دینی متوسطه اول

آموزش مجازی

- شروع آموزش مجازی
- ایجاد سامانه سمیم (سامانه آموزش مجازی مفید)
- شکل‌گیری کارگروه و تدوین سند زبان‌آموزی
- آغاز اجرای الگوی برنامه‌درسی در پایه پیش‌دبستان
- طراحی و اجرای آموزش ترکیبی در دبستان (آنلاین و آفلاین)؛ اجرای آموزش ترکیبی در راهنمایی (مجازی و حضوری)
- آغاز جلسات راهبران دوره دوم دبستان
- چاپ کتاب الگوی آموزشی مدرسه زندگی
- آغاز رویداد بین‌مدرسه‌ای «پربال» (داستان‌نویسی)
- برگزاری اولین دوره آزمون معیار: ریاضی، علوم، ادبیات، مطالعات
- اضافه شدن دروس تفکر و دینی و تدوین سند اولیه آن‌ها
- اضافه شدن پایه هشتم به الگو
- تدوین اسناد وضعیت مطلوب (و موجود)، سازوکار استقرار الگو در مدرسه و پیشنهادهای الگو برای ارزشیابی غیرحضوری

سال ۱۴۰۲ - ۱۴۰۰

سال ۱۴۰۳ - ۱۴۰۱



یادگیرنده آرمانی از نگاه مفید

توسعه
مدیریتی

خود مدیریتی

توسعه
شخصی

خود شخصی

توسعه
معنوی

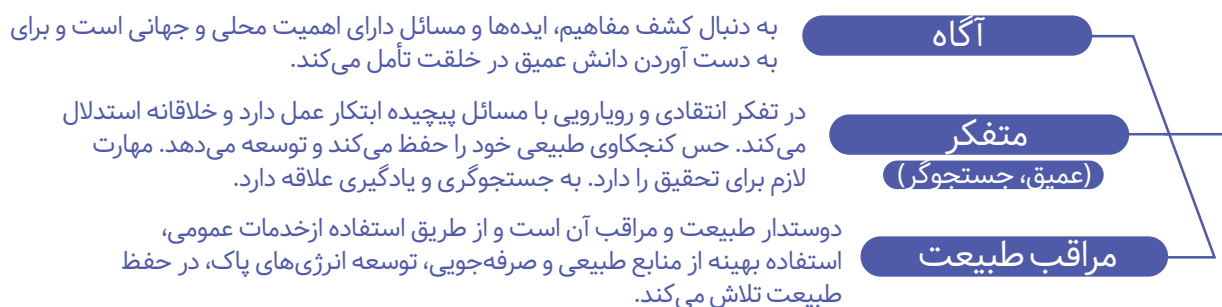
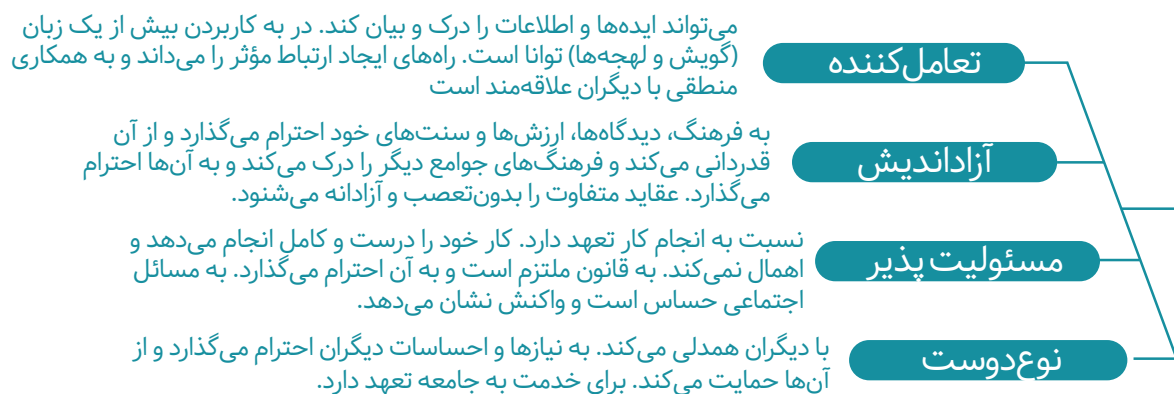
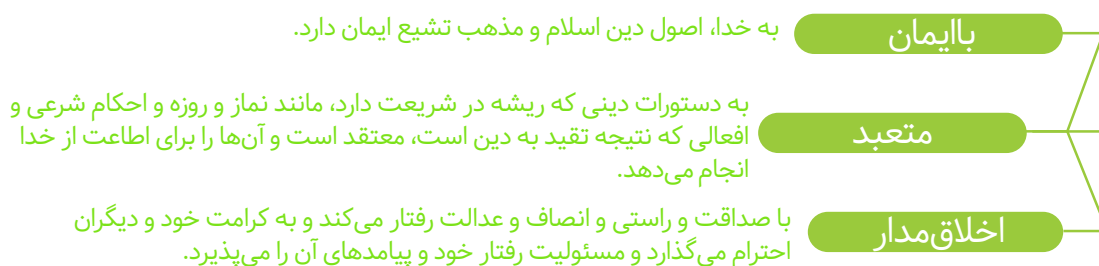
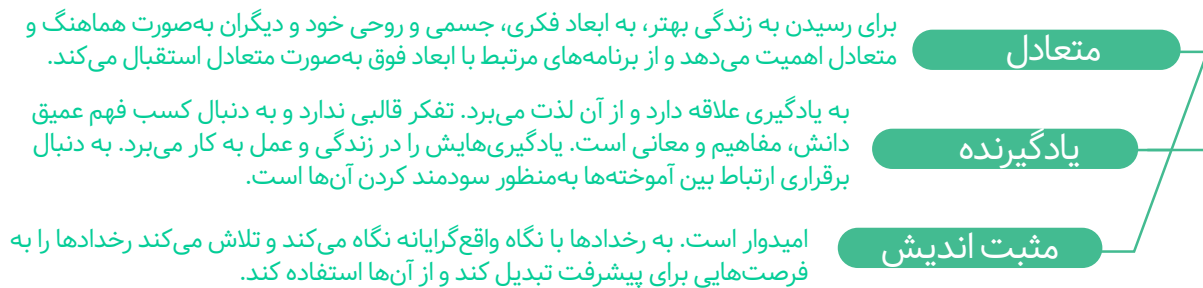
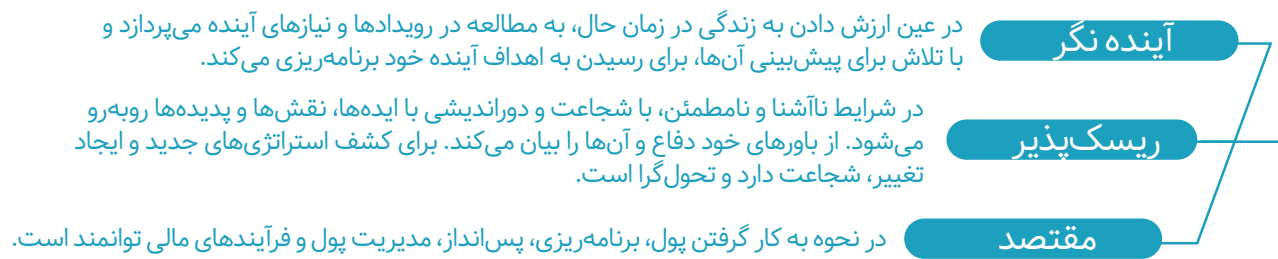
خدا

خلق

توسعه
اجتماعی

خلقت

توسعه
زیست محیطی



اگر مربی یادگیرنده نباشد، در مفید نخواهد ماند!



ابتدا از مشارکت کنندگان پرسیدیم که برای اجرای این الگو چه «چالش‌هایی» داشته‌اند و چه «مزیت‌هایی» برای الگوی مفید نسبت به الگوی معمول آموزش و پرورش قائل هستند. بسیاری از مشارکت کنندگان ضمن اینکه چالش‌هایی هم با الگو داشته‌اند و دارند، حضور در تیم الگو را فرصتی برای رشد فردی خود می‌دانند و قدردان این موقعیت هستند. در ادامه خلاصه‌ای از پاسخ‌های ایشان را به این پرسش می‌خوانید:

وقتی اسم الگوی آموزشی مفید را می‌شنوم یا می‌بینم سریعاً کلیدواژه‌هایی مثل: ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی، جست‌وجوگری، مهارت‌های فراموضوعی، بازاندیشی و کلی کلمه دیگر از ذهنم می‌گذرد. چند سالی است که الگوی آموزشی مفید را در دبستان‌ها شروع کرده‌ایم، وقتی الان خودم را با پنج یا شش سال پیش مقایسه می‌کنم، می‌بینم که چقدر معلم توانمندتر و باانگیزه‌تری شده‌ام. هرچند در این مسیر فرازونشیب‌هایی را طی کرده‌ایم، گاهی خسته و گاهی پرانرژی، گاهی دل‌زده و گاهی پرانگیزه بوده‌ایم. در این مدت همیشه چالش‌هایی هم وجود داشته است؛ مثل: نوشتن ارزشیابی برای هدف‌های موضوعی قبل از نوشتن فعالیت‌های دیگر یا استفاده از طبقه‌بندی بلوم برای بالا بردن سطوح آموزشی، ولی به ثمر رسیدن یک طرح یادگیری و اجرای آن و دیدن نتایج لذت‌بخش خستگی را از تنم در می‌آورد. می‌توانم به‌واقع الگوی آموزشی مفید را به بذری تشبیه کنم که بعد از جوانه زدن و رشد کردن الان به نهالی جوان و سرحال تبدیل شده است که این زیبایی و رشد نتایج زحمات تمام اعضای تیم الگوی آموزشی و معلمان تمام مدارس مفید است.

در حین نوشتن طرح تلفیقی در مورد موضوعات دانشی وجه اشتراک پیدا کردن بین موضوعات سخت بود، و از آن مشکل‌تر توجه به یک LP واحد در طول طرح یادگیری است. این نکته در بین پارامترهای چرخه یادگیری اهمیت دارد. تقریباً هیچ‌وقت از نوشتن فعالیت ارزشیابی احساس

پرسش و پاسخ کوتاهی با گروهی از مربیان و راهبران آموزشی داشتیم تا الگوی مفید را بهتر و عمیق‌تر بشناسیم. همکاران زیر در این گفت‌وگو شرکت کرده‌اند: خانم‌ها

زهرا دانش، مربی دبستان و راهبر آموزشی،

لیلا برنگی، مربی پیش دبستان و راهبر آموزشی،

فاطمه عزتبان، مربی و راهبر آموزشی،

فاطمه پیرمادی، مربی و راهبر آموزشی،

سمیه طالبی، مربی و راهبر آموزشی،

الناز طاهروردی، مسئول پایه سوم دبستان مرزداران،

مهدیه ذوالفقارخانی، مربی دبستان،

زینب رضازاده، مربی و راهبر آموزشی،

هدی نازی، مربی دبستان،

زهرا رکن، عضو هیئت علمی،

مهناز برزویی، مربی دبستان.

پاسخ‌هایی که دریافت کردیم، کمک کرد دریچه‌هایی نو به‌سوی الگو باز کنیم و شناخت ما از الگوی مفید همه‌جانبه‌تر شود.

رضایت کامل نداشتیم چون ناخودآگاه فکر می‌کنم به علت آموزش‌های سنتی یک بخشی از فعالیت‌های ارزشیابی به سمت ارزشیابی‌های مداخله‌ای می‌رفت. همچنین پیدا کردن ارتباط بین درس‌های کتاب فارسی آموزش و پرورش با موضوعات طرح‌ها سخت بود و در صورت حذف دروس کتاب فارسی پیدا کردن کتاب داستان غنی و ارزشمند و مرتبط با موضوع نیز مشکل بود. محتواها و کتاب‌های آموزش و پرورش نگاه یکپارچه به موضوعات ندارند و گفت‌وگو محور بودن و مهارت‌های ارتباطی بین هم‌سالان را کمتر تقویت می‌کنند. مهارت‌های فراموضوعی در اهداف کتاب‌های آموزش و پرورش چندان برجسته نیست.

اجرای هر روش نوینی نیازمند آگاهی تسلط بر آن است. شرح صحیح چشم‌انداز، ویژگی‌ها و دستاوردهای حین و پس از اجرای این روش برای مجریان آن در مدارس و همراه ساختن با میل و رغبت و نه از سر اجبار و اکراه همکاران برای فراگیری این مدل از جمله چالش‌های اجرایی کردن الگوی آموزشی مفید بوده است.

تلفیقی بودن ساختار مدل آموزشی مفید با هدف نهادینه‌سازی مهارت‌ها و مطالب مورد نیاز و همچنین انسجام بخشی ذهنی یادگیرنده با تأکیدات متنوع در ذهن، رفع یکنواختی مدل‌های ارائه کلاسی، علاقه‌مند کردن و جذب دانش‌آموز به فرایند یادگیری از جمله مزایای این الگو نسبت به الگوی رایج آموزش و پرورش است.

یکی از چالش‌هایی که معلمان با آن درگیر هستند، مخصوصاً در پایه‌های پایین‌تر، ناتوانایی در تلفیق است. در سال‌های اولیه ابتدایی موضوعات درسی بسیار ساده و ابتدایی است و در خیلی موارد تلفیق کردن این موضوعات درسی بسیار کار دشوار و حتی در مواردی نشدنی است. یکی دیگر از چالش‌ها موضوع فضا است. طرح درس‌هایی که دانش‌آموز محور است، نیازمند فضای کافی برای انجام بازی و فعالیت‌های مشارکتی است اما متأسفانه در بسیاری از موارد، مدارس ما با چالش فضای کم روبه‌رو هستند.

چالش دیگر عدم شناخت اولیا از این الگو است که باعث می‌شود همراهی کمتری با معلمان داشته باشند و حتی در مواردی به‌خاطر نگرانی از عقب ماندن فرزندشان وارد بحث آموزش می‌شوند و این صدمه بسیار زیادی به دانش‌آموز می‌زند. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های الگوی آموزشی مفید نسبت به الگوی معمول آموزش و پرورش، فرصت کشف و شهود دادن به دانش‌آموزان است. به قول معروف، در مفید به کودک ماهی‌گیری یاد می‌دهند به جای آنکه به او ماهی بدهند. این روش باعث می‌شود کودک جست‌وجوگر باشد و خودش با علاقه به دنبال کشف موضوعات باشد. مزیت دیگر پیدا شدن استعدادها و علایق دانش‌آموزان است که به وسیله تنوع فعالیت‌ها به آن می‌رسیم.

شروع کار و ورود به قالب جدید سختی خودش را داشت باید قالب می‌شکستیم و خلاقیت به کار می‌بردیم. به خصوص وقتی قرار بود تلفیق بشود و رابطه‌ای منطقی بین دروس را هم برقرار کنیم. دل‌نگرانی نرسیدن به سرفصل‌های کتاب را هم داشتیم. گاهی اوقات برای یک مطلب پیدا کردن کتاب داستانی که بتواند هدف مورد نظر را داشته باشد مشکل بود. ولی مزیتش این بود که تمام توان خود را به کار می‌بردیم تا متنی مناسب که هدف را پوشش دهد بسازیم و این شیرین بود. هر چند که توصیه می‌شد این کار را نکنیم.

یکی از چالش‌ها در دبستان دخترانه این بود که بعد از تلاش تیم و بارگذاری و در دسترس قرار گرفتن طرح‌های مدارس دیگر، باز هم نمی‌توانستیم از طرح‌های مدارس پسرانه استفاده کنیم و مجبور بودیم تغییراتی در آن‌ها بدهیم که شاید کاملاً تغییر می‌کرد و فقط یکی دو فعالیتش را استفاده می‌کردیم. اما باز با تمام چالش‌ها دید وسیعی به من داد، یاد گرفتم که به راحتی با طرح چند بازی، یادگیری را جذاب‌تر کنم. فعالیت‌ها طوری باشد که تقریباً همه بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. استفاده از کتاب‌های داستان برای پربارتر کردن دروس ارزشمند بود. لذت کار گروهی و بهترین و شیرین‌ترین قسمتش پایش آن بود، کسی کلاس را ببیند، در کمال آرامش و احترام نکات یا ایراد کار را بگوید و شنونده پاسخ من باشد. این کار در داشتن روحیه انتقادپذیری به من خیلی کمک کرد. نوشتن طرح درس با خود تیم الگو و بازخورد دادن آن و دوباره ادیت کردن و فرستادن آن برای تیم هر چند سخت بود ولی به نظرم خیلی مفید بود. به خصوص در مقایسه با الان که دیگر این اتفاق خیلی کم می‌افتد و گزینشی شده است.

ابتدا که با این مدل نوشتن طرح درس آشنا شدم، خیلی برای من گیج‌کننده بود. رفت و برگشت طرح‌ها بین ما و تیم الگو کلافه‌کننده بود. نگرانی زیادی داشتم چون تا سال تحصیلی چیزی نمانده بود و درمانده بودم که آیا واقعاً این طرح‌ها به سال می‌رسد؟ خیلی اوقات در مقابل حرف‌های تیم الگو گارد داشتم چون ترس پشت سر گذاشتن تجربه‌های قبلی در کنارم بود. خیلی وقت‌ها هم فکر می‌کردم که متوجه حرف‌های آن‌ها شده‌ام اما نیاز به زمان داشتم تا آنچه یاد گرفته‌ام و تجربه‌های قبلی را سازمان بدهم اما فرصت کم بود! فکر می‌کنم سال اول تیم الگو هم به حرف‌های منظمی نرسیده بودند چون بعد از مدتی کامنت روی طرح‌ها تغییر می‌کرد و به این نتیجه رسیدیم بعضی درس‌ها مثل ریاضی شاید بهتر باشد در بستر تلفیق نروند یا شاید ما توانمندی‌اش را نداشتیم!

اما حرف و نظر اساتید هم متفاوت بود و نگاه‌های مختلفی داشتند. مثلاً می‌دانستیم اگر دنبال طرح تلفیقی با هنر هستیم بروم سراغ کدام بزرگوار. بعد از دو سال به ثبات خوبی رسیدیم و تجربه‌هایی جذاب و دوست‌داشتنی پیدا کردیم که حالا می‌توانیم بهتر بنویسیم. الگوی معمول آموزش و پرورش دور از زندگی واقعی بچه‌هاست.

مزیت الگوی آموزشی مفید این است که نگاه به آینده دارد. نگاهی از جنس خلق کردن و این خلق کردن و آفرینش همیشه جذاب و همراه با شوق است. در عین حال سخت و زمان‌بر است منظوری از سختی حجم بالای کار است. چالش زمان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های من است و مدیریت زمانی که در اختیار دارم برای یادگیری و رشد شخصی‌ام و اجرای این مفاهیم در بستر مدرسه.

سالی که به مفید وارد شدم، هم‌زمان بود با وارد شدن تیم الگو برای آموزش و طرح درس نویسی. عجب تابستانی بود! پر از یادگیری و هر هفته یا دوهفته یک‌بار کارگاه‌های یک‌هفته‌ای و بعد بین روزها طرح درس نویسی. این‌ها همه در طی سال و تابستان بعد هم با شیب اندک همچنان ادامه داشت. همه معلمان مدارس تشنه بودند، یادداشت می‌کردند و بعد از هر کارگاه یک طرح درس با هر آنچه یاد گرفته بودند، می‌نوشتند. معلم‌هایی که برای

”

وقتی اسم الگوی آموزشی مفید را می‌شنوم یا می‌بینم سریعاً کلیدواژه‌هایی مثل: ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی، جست‌وجوگری، مهارت‌های فراموضوعی، بازاندیشی و کلی کلمه دیگر از ذهنم می‌گذرد

همه مدارس بودند و برای کارگاه‌ها همه آن‌ها را می‌دیدیم همه مشتاق بودند و همراه، کسی غر نمی‌زد که وای چقدر کارگاه و چقدر نوشتن؛ برعکس هربار همدیگر را می‌دیدیم، از تجربه‌هایمان و چالش‌هایمان صحبت می‌کردیم و دنبال راهی برای رفعش بودیم. یکی از خاطرات شیرین من از مفید همان کارگاه‌های اولیه است. به نظرم هنوز هم آن نسل اول همچنان پیشرو هستند. کاش طوری بود که آن‌ها از مفید نروند. چند وقت پیش در جلسه راهبران صحبت شد که چطور دلمان می‌خواست کارگاه بگذارند و با شرکت کنیم و چطور امروز کارورزان این انگیزه ما را اصلاً ندارند. در ادامه گفتیم شاید به‌خاطر این باشد که آن‌ها قرار است طرح‌درس‌های ما را اجرا کنند یا ببینند و خودشان هیچ کاری نمی‌کنند، ما در آن موقع عجب تشنه یادگیری بودیم و انگار به سرچشمه آب گوارا رسیده بودیم و برای اول مهر می‌خواستیم آماده باشیم و حتماً در کارمان تأثیر داشت. من شیوه دیگری به‌جز الگو برای طرح‌درس‌نویسی و اجرا امتحان نکرده‌ام و نمی‌توانم خیلی در مورد قبل و یا اینکه اگر نباشد، توضیحی بدهم اما نکته جالبی که خودم فهمیدم این است که وقتی با معلم‌هایی از مدارس دیگر صحبت می‌کنم، درک عمیق‌تری از بچه‌ها و آموزش دارم طوری که حرف‌های من را معلم‌های دیگر نمی‌فهمند و می‌گویند: «مگر می‌شود؟» حالا می‌توانم نه فقط برای دانش‌آموزان مفید بلکه برای همه دانش‌آموزان ایران طرح‌درس بنویسم و خودم را به لطف خدا توانمند می‌دانم. طرح‌درسی می‌نویسم که بچه‌ها در آن نقش فعالی داشته باشند، جست‌وجوگر باشند و از یادگیری لذت ببرند. معلم کسی است که با تمام دانشش فرصت فکر کردن را به بچه‌ها می‌دهد، صبور است و تسهیلگری مهربان و در عین حال قاطع است. بچه‌هایی که از این سیستم بالا آمدند، به نظرم کسانی هستند که حوصله‌شان سر نمی‌رود چون یاد گرفته‌اند جست‌وجوگر و یادگیرنده باشند. پس در هر فرصتی چه مسافرت چه کلاس چه خانه می‌توانند کارهایی از جنس یک پله جلو رفتن برای خود جور کنند و انجام دهند، امیدوارم این‌ها کسانی باشند که ایران زیبا را بهتر از قبل بسازند.

هر سال که از تولد الگوی آموزشی مفید می‌گذرد

”

دانش‌آموزان مفیدی معنا و مفهوم موضوعات درسی را به‌خوبی درک می‌کنند و یادگیری‌شان مفهومی است. همچنین به‌غیر از یادگیری مفاهیم درسی، بسیاری از مهارت‌های زندگی اجتماعی را می‌آموزند

دوستی‌ام با او محکم‌تر می‌شود انگار بیشتر همدیگر را می‌فهمیم. هم درک من از او و اهدافش بیشتر می‌شود هم او خودش را به من بهتر می‌شناساند. وقتی کتاب‌های درسی را ورق می‌زنم یا طرح‌درس‌های مدارس دنیا را می‌بینم یا در مقالات مختلف از تلفیق می‌شنوم قدر این الگو را بیشتر می‌دانم. روزی که این الگو آمد، من معلم یک درس بودم اما الان آموزگارم و می‌توانم کتاب‌ها و مهارت‌ها را با هم درآمیزم و لذت یادگیری را برای بچه‌ها دوجندان کنم. طرح‌هایم منعطف شده‌اند چون بر روی الگویی منعطف سوار شده‌اند. اهداف طرح‌هایم یکپارچه‌تر شده است چون اهداف الگو منسجم‌تر شده است. طرح‌ها دائم تغییر می‌کند چون من و الگو در حال تغییر هستیم. اوایل چالش‌ها برایم غیرقابل حل و غافلگیرکننده بود اما الان حتی اگر کوچکی کلاس برای اجرای طرح‌ها محدودیت بیاورد، باز راهی برای حل آن با پویایی خود الگو پیدا می‌کنم. الگو را دوست دارم و دلم می‌خواهد این تجربه در اختیار معلمان دیگر مدارس هم قرار بگیرد تا طعم خلق یک طرح یادگیری دوست‌داشتنی را بچشند.

از مزایای الگوی مفید این است که محتوای آموزشی به‌صورت برابر شامل فعالیت‌های شناختی و ذهنی و عاطفی و زیبایی‌شناختی است. هم به سوادآموزی و ریاضی و علوم توجه می‌شود هم به فعالیت‌های فیزیکی و بدنی مانند ورزش‌ها و دست‌ورزی و هم به فعالیت‌های هنری. مثلاً در یادگیری ریاضی، ذهن کودک و دست‌ها و عواطف او هم‌زمان به کار گرفته می‌شود.

یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد برنامه‌درسی ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی، مانند همدلی و توجه به طبیعت است. در الگو فرایندهای لازم برای رسیدن به ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی به‌صورت یکپارچه در فرایند آموزش دیده شده است.

پرسش دوم این بود: «**با توجه به اهدافی که برای الگوی آموزشی مفید پیش‌بینی شده است، فکر می‌کنید الگو تا چه حد به اهداف خود رسیده است؟**»

پاسخ‌دهندگان عقیده داشتند که الگوی مفید، به‌خصوص در دوره دوم ابتدایی، هنوز هم در ابتدای مسیر است. با این حال حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد اهداف محقق شده است. بخش بزرگی از کار حاصل توانمندی معلم‌ها بوده و اینکه زبان مشترکی بین معلم‌ها و تیم الگو حاصل شده است. ادامه این فرایند نیازمند تداوم ارتباط تیم الگو با معلمان و فراهم کردن فرصت گفت‌وگو برای بهبود کیفیت عملکرد است.

از مشارکت‌کنندگان خواستیم «**ویژگی‌های خاص**» الگوی مفید را بیان کنند.

پاسخ‌ها شامل این ویژگی‌ها بود: توجه به مهارت‌های ارتباطی و پژوهشی، تلاش مدل آموزشی مفید برای تعیین مسیری در جهت رشد و تعالی یادگیرنده آرمانی مبتنی بر ارزش‌های انسانی و دینی و اخلاقی و ملی، توجه به فراهم آوردن بستری برای پرورش و ارتقا و تعمیق انواع مراتب عقلانیت، مسئولیت همه‌جانبه در برابر خدا و خود و خلق و خلقت، توجه به تفاوت‌های فردی و حفظ کرامت افراد، حق‌محوری و عدالت‌گستری و مهرورزی، درگیری دانش‌آموزان با موضوعات درسی، فعالیت‌های مشارکتی دانش‌آموزان، تلفیق کردن دروس، کار گروهی، ارتباط برقرار کردن با تجربه زیسته بچه‌ها، توجه به چرخه یادگیری.

درباره «**تفاوت‌های دانش‌آموزان الگویی**» با سایر دانش‌آموزان سؤال کردیم و به این پاسخ‌ها رسیدیم:

از آنجاکه دانش‌آموزانی که از پیش‌دبستان و ابتدای شروع امر آموزش با این روش جلو رفته‌اند، هنوز دوره دبستان را به پایان نبرده‌اند، مشاهدات جامع و دسته‌بندی شده‌ای در مورد این یادگیرندگان وجود ندارد اما در همین زمان اندک اجرایی شدن الگو، تفاوت بارزی میان مدل گفت‌وگوی دانش‌آموزان مشهود و ملموس است. دانش‌آموزان ما در تعامل و توانایی حل تعارض نسبت به دانش‌آموزان دیگر قوی‌تر هستند.

دانش‌آموزان مفیدی معنا و مفهوم موضوعات درسی را به‌خوبی درک می‌کنند و یادگیری‌شان مفهومی است. همچنین به‌غیر از یادگیری مفاهیم درسی، بسیاری از مهارت‌های زندگی اجتماعی را می‌آموزند. به‌طور مثال آن‌ها به‌خوبی می‌توانند پژوهش کنند و پژوهش خود را برای افراد بزرگسال ارائه دهند. آن‌ها به‌خوبی می‌توانند نمایش اجرا کنند و بسیاری از فعالیت‌های دیگر که

است که همگی به توسعه فردی و پیشرفت مجموعه اهتمام دارند و هرکس در هر نقش و سمت خود را یادگیرنده می‌داند.

اجراکنندگان هر سیستمی از اجزای مهم آن هستند؛ در مفید هم این مورد بارز است. مربیان و کادر دبستان‌های مفید شوق به آموزش دارند و تمام تلاش خود را می‌کنند تا بتوانند الگوی آموزشی را به‌خوبی در کلاس‌هایشان و حتی فضای مدرسه پیاده کنند. اگر این همراهی نبود الگوی آموزشی قابلیت اجرایی شدن و پیشرفت را نداشت. همراهی مربیان و کادر را در اجرایی شدن الگو ۹۰ درصد می‌دانم.

قطعاً یکی از بازوهای توانمند برای اجرای الگو مربیان و کادر مدرسه هستند. مربیان تمامی تلاششان را می‌کنند تا به‌صورت کامل و تمام‌قد حضور داشته باشند. گاهی هم ممکن است چالش‌هایی پیش بیاید ولی قطعاً هرچه این همراهی بیشتر باشد، حاصل کار ارزشمندتر خواهد بود.

همکاران بسیار هماهنگ و مشتاق و هم‌سو و دغدغه‌مند هستند و برای رشد و پویایی تیم نهایت تلاششان را می‌کنند. قطعاً این همراهی اثر مستقیم در موفقیت الگو دارد.

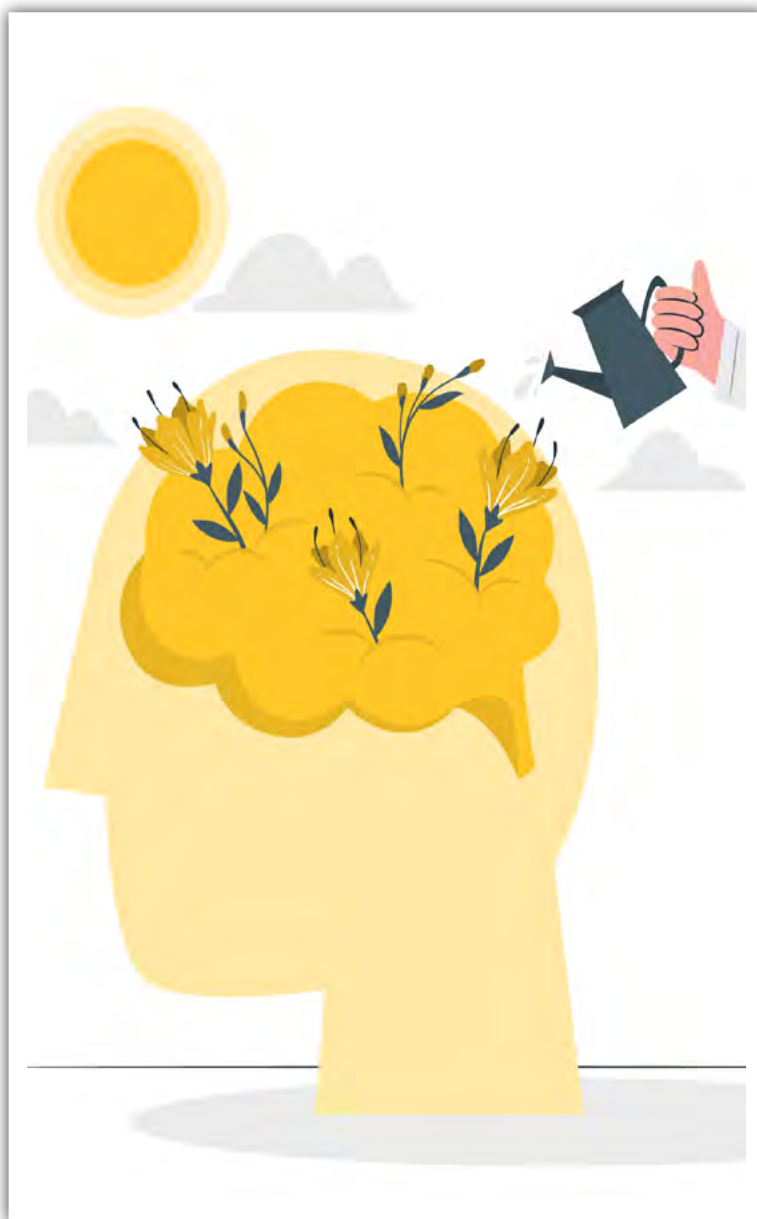
مدیران مدارس در انگیزه‌بخشی و ترغیب همکاران برای شرکت در دوره‌ها نقش مهمی دارند و تعریف جایگاهی با عنوان راهبر پایه به‌عنوان همراه دائمی مربیان و معلمان در پیمودن این مسیر از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشرفت روند اجرای الگو است.

به نظر من همراهی هر دو طرف خیلی مهم است. از این سو مربی‌ها مواردی که آموزش می‌بینند را به کار بیندند، به‌خصوص راهبران که نیروهای جوان و تازه‌وارد را هرچه زودتر با نوع نوشتن طرح‌درس‌ها و اهداف آشنا و همراه کنند، از طرف دیگر هم همراه بودن کادر تیم در نوشتن و دادن بازخوردها و پایش‌ها به نظرم خیلی مهم است.

اگر همراهی نبود که اینجا نبودیم! واقعاً کسی می‌آید مفید که یادگیرنده است و گرنه نخواهد ماند.



مربیان و کادر دبستان‌های مفید شوق به آموزش دارند و تمام تلاش خود را می‌کنند تا بتوانند الگوی آموزشی را به‌خوبی در کلاس‌هایشان و حتی فضای مدرسه پیاده کنند. اگر این همراهی نبود الگوی آموزشی قابلیت اجرایی شدن و پیشرفت را نداشت



در دیگر مدارس به آن‌ها کم‌توجهی می‌شود.

دانش‌آموزان مفید در مهارت‌های پژوهشی، بحث و گفت‌وگو، انتقاد و ارائه مطلب قوی‌تر از دانش‌آموزان دیگر هستند. خیلی راحت با موضوعات برخورد می‌کنند و اکثراً اعتمادبه‌نفس بالایی برای مواجه شدن با سؤالات جدید دارند. تحلیل‌های خوبی ارائه می‌دهند. سعی می‌کنند موضوعات را تعمیق دهند و نگاه کل‌نگرانه‌ای دارند. البته چون تمرین کمتری دارند، خط و املا و محاسباتشان ضعیف‌تر است.

پرسش پایانی این بود: «ارزبایی شما از میزان همراهی مربیان و کادر مدارس مفید در اجرای الگو چیست و این همراهی را چقدر در موفقیت الگو تأثیرگذار می‌دانید؟» خلاصه‌ای از پاسخ‌ها را می‌خوانید:

از الطاف خداوند متعال گرد آمدن همراهان و همکارانی یادگیرنده در خانواده بزرگ مفید

خواب امیرپویان، فرصتی برای همدلی

سمانه خداوردی

مربی پیش دبستان مفید مرزداران



ساعت هنوز هفت‌ونیم نشده بود که امیرپویان خیلی آهسته وارد کلاس شد. گفتیم: «سلام. صبح به‌خیر امیرپویان.»

خیلی آهسته گفت: «سلام.» صدای موسیقی سلام سلامی که هر روز صبح برای بچه‌ها می‌گذارم این‌قدر بلند بود که صدای سلام امیرپویان را واضح نشنیدم.

از روزهای قبل قمقمه‌اش را توی مدرسه جا گذاشته بود. برای اینکه یادم نرود، زود قمقمه را به دستش دادم و گفتم: «فکر کنم این برای توست.»

گفت: «آره.» توی کیفش گذاشت و بعد کیفش را درون کمد گذاشت و همان‌طوری که نشسته بود روی زمین دراز کشید. کمی خواب‌آلود به نظر می‌رسید. انگار که توی سرویس هم خواب بوده. کم‌کم خوابش برد. پیش خودم گفتم تا بچه‌ها بیایند کمی بخوابد. بعد بیدارش می‌کنم.

نگران بودم که بچه‌ها روی او بیفتند. نفر بعدی وارد شد. با تعجب نگاه کرد و گفت: «خوابیده؟» گفتم: «هیس...». آره. خیلی مواظب باش که پات بهش نخوره.» او خیلی آهسته از کنارش رد شد و وسایلش را در کمدش گذاشت.

بچه‌ها یکی‌یکی وارد می‌شدند و همه با تعجب نگاه می‌کردند. می‌پرسیدند: «توی مدرسه هم می‌شه خوابیده؟» «خانم شب دیر خوابیده؟» «چرا خوابیده؟» من هم تلاش می‌کردم با صدای آهسته حرف بزنم تا بیدار نشود.

ساعت هشت شده بود. کلاس تقریباً ساکت بود. ما هر روز ساعت هشت دور میز می‌نشیم و کمی در مورد موضوعات مختلف گفت‌وگو می‌کنیم تا اگر کسی هنوز نرسیده به ما بپیوندد و بعد روال‌های کلاس را دنبال می‌کنیم. موقع گفت‌وگو با صدای آهسته حرف می‌زدم و بچه‌ها هم سعی می‌کردند آهسته صحبت کنند. اگر فرد جدیدی وارد کلاس می‌شد، خود بچه‌ها هشدار می‌دادند که: «مواظب باش! امیرپویان خوابه.» کسی با صدای بلند صحبت نمی‌کرد. بعد رفتیم سراغ روال‌های کلاس. مشخص کردن تقویم روز، خواندن برنامه هفتگی و... نوبت به ورزش کردن رسید! از بچه‌ها خواستم که هم موسیقی آرامی داشته باشیم و هم خودمان حرکات‌های آهسته‌ای داشته باشیم تا امیرپویان بیدار نشود. تصمیم گرفتیم که یوگا انجام بدهیم. یک فیلم از حرکات آهسته

یوگای کودکان در تلویزیون پخش کردم. موسیقی آرامی داشت و بچه‌ها هم همراهی می‌کردند و آهسته ورزش آن روزمان را انجام دادیم. دوباره دور میز نشستیم و این بار وقت کتاب خواندن بود. ما هر روز یک کتاب می‌خوانیم. کتاب در مورد زمین بود. سعی می‌کردم با صدای آهسته کتاب را بخوانم. ساعت هشت‌وچهل دقیقه شد و وقت صبحانه بود. به بچه‌ها گفتم: «بریم دستامون رو بشویم و بیایم سفره بندازیم.» همه از کلاس خارج شدیم و بعد از دست شستن بچه‌ها کمک کردند و وسایل صبحانه را آوردند ولی چون امیرپویان وسط کلاس روی فرش خوابیده بود، ناچار شدیم سفره را کنار در بیندازیم و مشغول صبحانه خوردن شدیم. مسیح از راه رسید با دیدن امیرپویان یاد پتویی افتاد که چند روز پیش آورده بود مدرسه اما گم شده بود. از من پرسید: «خانم پتوم کو؟» پتو در باکس «پیداشده‌ها» بود. به او گفتم باکس پیداشده‌ها را نگاه کند. فوری پتو را آورد و به آرامی روی امیرپویان انداخت. تقریباً ساعت نه شده بود و ما صبحانه خوردنمان هم تمام شده بود. داشتیم وسایل صبحانه را جمع می‌کردیم که امیرپویان بیدار شد. اطرافش را نگاه کرد. دوباره به او سلام کردیم. هنوز کمی فرنی روی میز صبحانه باقی مانده بود. به او گفتم: «فرنی می‌خوری؟» بدون این که صحبتی کند، تمام فرنی را خورد و بعد پیش بقیه بچه‌ها رفت تا زنگ دوم را آغاز کنیم...

• اخبار





جهت بازدید فیلم این برنامه،
تصویر را اسکن نمایید

خبر

یادگار

اردوی جهادی دانش‌آموزان مفید در سه منطقه از مناطق محروم کشور برگزار شد

اردوی جهادی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دوره دوم مفید، طبق سنت هرساله، امسال در سه منطقه از مناطق محروم کشور برگزار شد.

امسال بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز از دبیرستان‌های دوره دوم مفید یادگار امام، قیطریه و نیایش به‌همراه مربیان و کادر آموزشی مدارس، با حضور در اردوهای جهادی و فعالیت در مناطق محروم و صرف کمک‌های جمع‌آوری‌شده بالغ بر ۱۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال، به یاری نیازمندان شتافتند.

دانش‌آموزان دبیرستان مفید یادگار امام که تابستان امسال چهل‌ویکمین دوره از اردوهای جهادی خود را برگزار کردند، با حضور در مناطق روستایی شهرستان شیروان و بخش لوجلی، اقداماتی مانند ساخت و تکمیل چند منزل مسکونی، چند سرویس بهداشتی و حمام، چند مورد دیوار چینی حیاط، رنگ‌آمیزی مدارس، تعمیر لوازم آشپزخانه مدرسه شبانه‌روزی، تعمیرات سرویس بهداشتی و حمام مدرسه شبانه‌روزی، توزیع ۱۱۰ بسته ارزاق، توزیع ۵۰ بسته لوازم‌التحریر و تهیه چند قلم از هزینه عروس را با هزینه‌ای بالغ بر پنج میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال به مرحله اجرا رساندند.

در این دوره از اردوی جهادی دبیرستان دوره دوم مفید یادگار امام که از تاریخ ۷ الی ۱۹ مرداد برگزار شد، ۱۰۵ نفر از دانش‌آموزان و ۱۹ نفر از مربیان و کادر آموزشی مدرسه حضور داشتند.

دانش‌آموزان دبیرستان مفید قیطریه نیز تابستان امسال در سی‌ونهمین دوره از اردوهای جهادی خود به مناطق محروم شهرستان شیروان و بخش لوجلی سفر کردند و اقدامات خود را در زمینه‌های عمرانی و محرومیت‌زدایی با هزینه‌ای بالغ بر ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال انجام دادند. این اقدامات شامل موارد زیر بود: پی‌کنی و حصارکشی حیاط، دیوارکشی خانه، پلاستر دیوار، گچ‌کاری و شیب‌بندی سقف و رنگ‌آمیزی مدارس عشایری.

در این دوره از اردوی جهادی دبیرستان دوره دوم مفید قیطریه که از تاریخ ۲ الی ۷ شهریور برگزار شد، ۶۳ نفر از دانش‌آموزان و ۱۵ نفر از مربیان و کادر آموزشی مدرسه حضور داشتند.

دانش‌آموزان دبیرستان دوره دوم مفید نیایش نیز از تاریخ ۹ الی ۱۵ شهریور به شهرستان پلدشت در استان آذربایجان غربی سفر کردند و در روستاهای محروم این شهرستان اقدام به احداث دیوار حیاط و آماده‌سازی فضای مدارس برای آغاز سال تحصیلی کردند.

در این دوره از اردوی جهادی دبیرستان مفید نیایش که با حضور ۳۳ دانش‌آموز و ۱۰ تن از مربیان و کادر آموزشی مدرسه برگزار شد، مبلغ دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال کمک جمع‌آوری‌شده برای اقدامات عمرانی، صرف شد.

در اردوهای جهادی، هزینه‌های سفر را خود دانش‌آموزان پرداخت می‌کنند و کمک‌های جمع‌آوری‌شده فقط برای اقدامات عمرانی و محرومیت‌زدایی در مناطق محروم استفاده می‌شود.



قېتريه

نيایش





جهت بازدید فیلم این برنامه،
تصویر را اسکن نمایید

خبر

مراسم تجلیل از پیشکسوتان مجتمع آموزشی مفید به میزبانی دبیرستان مفید یادگار امام (ره) برگزار شد

در این مراسم که عصر روز سه‌شنبه ۷ شهریور صورت گرفت، لوح تقدیر و شاخه گلی به رسم یادبود و احترام، توسط دکتر میرسعید موسوی، مدیرعامل مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین (ع)، به پیشکسوتان مجتمع آموزشی مفید تقدیم شد.

آقایان شکيبا، خدابخش، بدیعی، مختاری، سبجانی، رفیعی، فدایی، ناظم، شکوری و ادهم دعوت‌شدگان به این مراسم بودند که آقایان شکوری و ادهم امکان حضور در این مراسم را نداشتند.

در حاشیه این مراسم، مدیران و مسئولان فعلی و سابق مجتمع آموزشی مفید همراه با دانش‌آموزان پایه دوازدهم دبیرستان یادگار امام (ره)، با معلمین پیشکسوت مجتمع به گفت‌وگو نشستند.

همچنین در پایان مراسم، آقایان رفیعی، افشارمقدم و کریم‌زادگان، مدیران پیشین دبیرستان مفید یادگار امام (ره)، همراه با دکتر دانش ریاست مجتمع آموزشی مفید و آقای افصح مدیر فعلی دبیرستان، در دفتر کار سابق خود حضور یافتند و عکسی به یادگار گرفتند.



رویداد برنامه درسی در مدارس مفید و

خانه یادگیری سرو برگزار می شود

رویداد برنامه درسی هفته اول آذرماه در مدارس مفید و خانه یادگیری سرو برگزار می شود. در این رویداد که به همت مجتمع آموزشی مفید و خانه یادگیری سرو برگزار می شود، از الگوی آموزشی مدارس مفید و تولیدات علمی در حوزه برنامه درسی رونمایی خواهد شد. در این رویداد، روایت یک تجربه علمی از ایده، تولید برنامه درسی تا اجرا در کلاس های درس، با علاقه مندان حوزه آموزشی به اشتراک گذاشته می شود. اخبار تکمیلی و جزئیات برنامه های این رویداد، در کانال های ارتباطی خانه یادگیری معلمان سرو منتشر می شود.

سایت: www.sarvtilh.ir
اینستاگرام: [sarv.tlh](https://www.instagram.com/sarv.tlh)



خانه یادگیری سرو به روایت آمار و ارقام

آنچه در بهار و تابستان ۱۴۰۲ گذشت.

۱۳۹۵۳ نفر ساعت،

در دوره های خانه یادگیری سرو
همراه بودیم.

۳۹۸ ساعت،

در مجموع در حال
یادگیری و یاددهی بودیم.

۶۳ روز،

مشغول برگزاری
دوره، کارگاه و دوره های بودیم.

عنوان دوره های برگزار شده:

- تمرین فلسفی | بازی با خط
- بنیان های سوادآموزی | رقص واژه ها
- کاوشگری در علم | تخصصی هر دبستان
- ماجرای جوی در علم | فارسی منظم
- ریاضی ارزشمند | هنر دیالوگ
- دوره های دمان | تربیت مربی دبستان
- تربیت مربی دبستان تکمیلی | تربیت مربی دبستان





حضور دبیران و دانش آموزان دبیرستان مفید قیطر به تربیت بنیانگذار مجتمع آموزشی مفید

تعدادی از دبیران و دانش آموزان پایه یازدهم دبیرستان دوره دوم مفید قیطر به تربیت مرحوم آیت الله العظمی موسوی اردبیلی (ره) بنیان گذار مجتمع آموزشی مفید حضور یافتند و با حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی موسوی اردبیلی فرزند گرامی ایشان دیدار کردند.



رویداد "بیدادود" در متوسطه دوره اول یادگار امام برگزار شد

گردهمایی پایانی رویداد «بیدادود» همراه با ارائه تعدادی از آثار منتخب و ارائه تقدیرنامه و هدایا برای برگزیدگان، روز ۲۷ اردیبهشت به صورت مجازی برگزار شد.

سال گذشته به دلیل آلودگی شدید هوا، گروهی از معلمان متوسطه دوره اول یادگار امام، حلقه آماده سازی این رویداد را تشکیل دادند که در پی آن دانش آموزان به صورت مجازی در آن شرکت کردند.

آثار دانش آموزان در قالب های مختلف مقاله، نقاشی، داستان، پادکست یا آثار هنری دیگر با موضوع آلودگی هوا، توسط یک هیئت کارشناسی متشکل از معلمان مدارس دخترانه و پسرانه دوره اول مفید بررسی شد و برگزیدگان انتخاب شدند.

آثار فردی و گروهی بردیا چادله، سلوی هنرور، فاطمه حدادیان، محمد مسیح سانیانی، پرهام شهوازی، امیرحسین مرامی، پرهام داوری، سیدطاها میرجبرئیلی، علی داوودآبادی، حسنا سادات نوابفر، محدثه فرزانه و صالح نوربخش در بخش های داستانی، نقاشی، داستان مصور و مقاله علمی به مرحله نهایی راه یافت.

قرار است این رویداد با موضوع محیط زیست و به صورت سالانه برگزار شود و شرکت در این رویداد برای مدارس دیگر آزاد است.

لازم به ذکر است، جلسه اول گردهمایی رویداد «بیدادود» در اواسط اسفند سال گذشته تشکیل شد که در آن دکتر حناچی، شهردار سابق تهران، حمیدرضا میرزاده، روزنامه نگار و فعال محیط زیست، آخرتی، فعال در حوزه آسیب های اجتماعی و کیومرث سلطانی، کارشناس و معلم هنر مدارس مفید، در خصوص راهبردها و راهکارهای سیاسی، آثار کلی آلودگی بر بدن انسان و زندگی روزمره، مسائل فرهنگی و اجتماعی آلودگی در شهر و مردم شهر، دیدگاه هنر و تأثیر آلودگی بر آثار هنری و همچنین مطالبه گری به کمک هنر سخن گفتند.





خاطرات و تجربه‌های علیرضا باقری مدیر دبستان مفیدم‌زداران منتشر شد

در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است:

وقتی قرار بر این شد که هر سال مدیران مجتمع مفید تجربیات خود را از یک سال تحصیل روی کاغذ بیاورند تا قوت‌ها و ضعف‌ها نمایان شود که با تحلیل آن بتوانیم قدمی رو به جلو برداریم، من تصمیم گرفتم از ایستگاهی بنویسم که مسیر سفرم را عوض کرد و رسالت سفر را دوباره براریم یادآوری کرد؛ ایستگاه ۱۱۶۸۰. روزی که همکارانم مدیریت دبستان را به من پیشنهاد کردند، ۱۱۶۸۰ روز از زندگی‌ام با دبیرستانی‌ها می‌گذشت و پیش از آن پیشنهاد حتی به پنهانی‌ترین لایه‌های ذهنم هم خطور نمی‌کرد که روزی مسیرم را این طور تغییر بدهم و مهم‌تر از آن، با این تجربه تازه همدل و همراه باشم و از آن لذت ببرم. این کتاب اولین تجربه‌نگاری من بعد از ۳۲ سال تجربه معلمی و مدیریت دبیرستان است. تجربه ایستگاهی تازه که مقدمه دیدن پدیده‌های زلال و بکری شد که تا آن زمان به تماشایشان ننشسته بودم.



جشنواره گفت و گو با هدف آشنایی دانش آموزان با پارامترهای یک گفت و گوی سالم برگزار شد

جشنواره گفت و گو با هدف آشنایی دانش آموزان با پارامترهای یک گفت و گوی سالم و غیرتک‌گویانه، با حضور ۱۲ تیم از چهار مدرسه متوسطه دوره اول مفید برگزار شد.

در این جشنواره، تیم‌های منتخب دانش آموزی در قالب تیم‌های دوفره و از هر مدرسه شش دانش آموز، با انتخاب موضوعات تصادفی و متناسب با دغدغه‌های نوجوانان، وارد گفت و گو با یکدیگر شدند و پس از انجام گفت و گو، تیم داور براساس پارامترهای گفت و گو، ارزیابی و بازخورد لازم را به تیم‌های حاضر در جشنواره اعلام نمودند.

قبل از برگزاری این جشنواره، گروه تفکر و فیک مدارس متوسطه دوره اول مفید، محتوای آموزش گفت و گو را در قالب فیلم، مصاحبه و متن در اختیار دانش آموزان گذاشته بودند، سپس تیم‌های شرکت‌کننده فیلمی از گفت و گوی بیست دقیقه‌ای خود را به عنوان پیش شرط ورود به رویداد ارسال نموده و برای روز جشنواره آماده شدند.

همچنین در این رویداد دانش آموزان با تکنیک پی‌ام‌ای آشنا شدند. در این تکنیک دانش آموزان در قالب نکات مثبت و نکات منفی، نکات نه مثبت و نه منفی و تنها جالب در قالب نوشتاری، نقطه نظرات خویش را در مورد جشنواره ارائه نمودند که این نقطه نظرات برای بهبود کیفیت برگزاری جشنواره در سال‌های بعد استفاده خواهد شد.

در انتهای این رویداد نیز با اهدای لوح یادبود و نماد جشنواره که به انار تشبیه شده بود، جشنواره به پایان رسید.

لازم به ذکر است پیشنهاد برگزاری این جشنواره با قالب مناظره، از دو سال قبل در گروه تفکر و فیک مدارس متوسطه دوره اول مفید مطرح و با توجه به لزوم اتخاذ موضع برابر و پرهیز از تفکر بردوباخت، به جشنواره‌ای با عنوان گفت و گو تبدیل شد.



اولین نشست هم اندیشی با نگاهی نو به آموزش مفاهیم کتاب هدیه های آسمانی و قرآن در دبستان دخترانه مفید برگزار شد

تبیین رویکرد دبستان دخترانه مفید و بررسی طرح درس ها و کتاب هدیه های آسمانی و قرآن پایه دوم دبستان، از اهداف برگزاری این نشست بوده است.

این نشست توسط گروه مطالعات انسان کامیاب و با همکاری و حمایت دبستان دخترانه مفید، در دو روز متوالی ۵۲ و ۶۲ مرداد از ۹ صبح تا ۴ بعدازظهر و به صورت کارگاهی در دبستان دخترانه مفید برگزار شد.

اولین نشست هم اندیشی با نگاهی نو به آموزش مفاهیم کتاب هدیه های آسمانی و قرآن، ویژه پایه دوم با حضور ۵۲ نماینده از مدارس دولتی و غیردولتی تهران در دبستان دخترانه مفید برگزار شد.

در این نشست هم اندیشی که با هدف بهره گیری از شواهد پژوهشی و تجربی به دست آمده در حوزه تربیت دینی، طراحی و برگزار شد، آموزگاران خانم پایه دوم دبستان از مدارس دولتی و غیردولتی از جمله تزکیه، طلوع، خرد، ستوده، فرهنگ، سرمد و مهدا حضور داشتند.



شماره سوم مجله ادبی فرهنگی دبیرستان مفید قیطر به منتشر شد

این شماره از مجله ادبی فرهنگی دبیرستان مفید قیطر به با عنوان «زنگ هفت» با محوریت روز معلم و به همت جمعی از معلمان و دانش آموزان گردآوری و منتشر شده است.

در این شماره می خوانیم: یک شروع سینمایی / گفت و گو با احسان / از زمین به بهشت / رسائل الحبيب / از زبان یک دست چپی / اکت / معلم بما هو معلم / تاجر ابریشم / تیر عشق / حتی شما دوست عزیز / معلمی شغل انبیا



برپایی سمینار مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

کارشناس مشاور طراحی سند تحول آموزش و پرورش، افزود: «متأسفانه، در زمان تدوین سند، حرف‌ها زیبا و آرمانی بوده و به ظرفیت‌سنجی اجرایی توجهی نشده است. همچنین در بحث مکانیسم‌های تشویقی نمی‌توان توقع داشت بین مدیری که زیر بار سند تغییر و تحولات رفته با مدیری که به آن توجهی ندارد، تفاوت قائل نباشد.»

وی خاطرنشان کرد: «اگر براساس مفاهیم تحولی، برنامه عملیاتی مدارس که در اجرای آن موفق بوده‌اند را به مدارس دیگر اعلام کنیم و از مدارس بخواهیم با توجه به ظرفیت‌ها، چالش‌ها و توانمندی‌های خود یک برنامه عملیاتی داشته باشند، در آینده می‌توان از مجموعه تجربیات موفق هر کدام از مدارس به‌عنوان چراغ راه بقیه مدارس در این خصوص استفاده کرد.»

رعنائی با بیان اینکه سند تحول، براساس بازخوردها در مرحله اصلاح و ترمیم است، گفت: «در انجام این تغییرات، رویکرد اصلاحی داریم و با توجه به تغییر و تحولات جمعیت دانش‌آموزی، آینده‌نگری و پیش‌بینی‌هایی کرده‌ایم و همچنین یک رویکرد اجرایی جهت بررسی موانع و برطرف کردن آن داریم. ویراست دوم سند در حال آماده‌سازی است و به‌زودی به مرحله اطلاع‌رسانی عموم می‌رسد.»

همچنین در بخشی از این سمینار مطرح شد که فعالیت‌های مجموعه مفید با توجه به ۱۶ شایستگی برگرفته از سند تحول صورت می‌گیرد که شناخت و ارتباط با خدا، ارتباط با خلق، ارتباط با طبیعت، توسعه مدیریتی و اجتماعی بخش‌هایی از آن‌ها هستند، ولی به‌دلیل جامع بودن این موضوعات باید با اولویت‌بندی صحیح و مشخص در این مسیر گام برداشت. تیم برنامه‌ریزی درسی مجتمع آموزشی مفید در تلاش است تا براساس ساحت شش‌گانه، نگاه شایستگی‌محور و با توجه به وسع خود، مبنای اولیه کلاس‌های آموزشی را شکل دهد.

سمینار مدرسه تراز سند تحول بنیادین با حضور مدیران و معاونان مدارس و با سخنرانی آقای دکتر مجید رعنائی کارشناس مشاور طراحی سند تحول آموزش و پرورش در خانه یادگیری سرو برگزار شد.

رعنائی، کسب شایستگی از سوی دانش‌آموزان برای تولید معنا را محور اصلی برنامه‌درسی دانست و گفت: «پرسشگری انرژی مترکام یادگیری در کودکان است و باید آن را فعال نگه داشت.»

کارشناس مشاور طراحی سند تحول آموزش و پرورش در بخشی از سخنان خود گفت: «در سند تحول، رقابت با دیگران قابل قبول نیست، به این معنا که رقابت باید با خود فرد صورت بگیرد.»

وی در ادامه گفت: «از آنجایی که الگوهای رفتاری در مدرسه پیام‌های پنهانی دارد، باید به آن‌ها توجه شود.» رعنائی افزود: «همچنین علاوه بر شایستگی پایه باید به شایستگی ویژه هم پرداخت زیرا، شایستگی پایه را همه بچه‌ها باید یاد بگیرند اما شایستگی ویژه براساس تفاوت‌های فردی و علایق بچه‌ها آموزش داده می‌شود.»

وی درخصوص موضوع ارزشیابی در سند تحول گفت: «هدف ارزشیابی یادگیری است، پس باید در خدمت یادگیری باشد. در سند تحول، ارزشیابی در فرایند یادگیری حل شده است، بنابراین ارزشیابی باید منصفانه باشد و در آن به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی بچه‌ها توجه شود. همچنین، باید دقت شود در فرایند ارزیابی، معیارهای بدون اصالت گذاشته نشود.»

رعنائی از وجود مدرسی مانند مفید که در عرصه آموزش و پرورش با تفکر و تدبیر از ایده‌های جدید استقبال و برای عملیاتی شدن آن‌ها تلاش می‌کنند، ابراز خوشحالی کرد و افزود: «ستاد به‌دنبال الگوهای مدارس در مسیر تحول است و یکی از دغدغه‌های شورای عالی نیز رسیدن به الگوهای عملیاتی در سطح مدارس است.»





ارزیابی جسمانی و تغذیه؛ خدمتی نوآورانه در مدارس مفید

مرکز نوآوری مفید با هدف ارائه خدمات هرچه بهتر به مدارس و دانش آموزان، با استارتاپ پرکتینو تفاهم‌نامه همکاری امضا کرد.

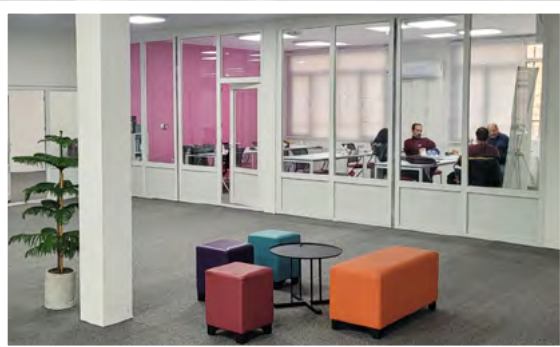
این استارتاپ که در حوزه خدمات ارزیابی جسمانی و تغذیه فعالیت دارد، طی این تفاهم‌نامه به ویژه‌سازی فرایند ارزیابی برای دانش آموزان خواهد پرداخت و محصول ارزیابی جسمانی و تغذیه‌ای خاص افراد ۶ الی ۱۸ سال را توسعه خواهد داد.

هوشمند بودن، خدمات در لحظه، پشتیبانی روزانه و حفظ مسیر فعالیت جسمانی دانش آموزان در طی ۱۳ سال فعالیت در مدرسه از جمله ویژگی‌های خدمات این استارتاپ است.

هدف از امضای این تفاهم‌نامه، اصلاح سبک زندگی دانش آموزان برای

داشتن زندگی فعال و مستقل در طی دوران بزرگسالی است و در مرحله اول به دانش آموزان مدارس مفید و سپس دانش آموزان دیگر مدارس کشور خدمت‌رسانی خواهد کرد.

مرکز نوآوری مفید از مهر ۱۴۰۱ برای انتقال تکنولوژی آموزشی و نوآوری به مدارس تأسیس شده است.



توسعه پیام‌رسان داخلی، گام اول تحول دیجیتال در مجتمع آموزشی مفید

مرکز نوآوری مفید برای تسهیل در امور ارتباطات و اطلاع‌رسانی هرچه بهتر دانش آموزان، خانواده‌ها، مدارس و همکاران مجتمع آموزشی مفید (زیست‌بوم مجتمع مفید) با مجموعه سگاما تفاهم‌نامه همکاری امضا کرد. مجموعه سگاما در حوزه توسعه نرم‌افزار فعالیت دارد. به‌موجب این تفاهم‌نامه مجموعه سگاما پیام‌رسان داخلی مدارس را با مشارکت مجتمع آموزشی مفید راه‌اندازی خواهد کرد.

از ویژگی و جذابیت‌های این پیام‌رسان می‌توان به امکان ایجاد گروه و کانال، ارسال فرمت‌های مختلف پیام، مدیریت زمان و برنامه‌ریزی، مدیریت پروژه‌ها و تکالیف کلاسی و درسی، برگزاری جلسات آنلاین، امکان انتشار وضعیت و... اشاره کرد.

هدف این تفاهم ایجاد ارتباطات هرچه بیشتر در خانواده مفید و تسهیل در بازخورد نظرات خانواده‌ها به مدیران مدارس و مجتمع و

اصلاح امور ارتباطی در تمام ارگان‌های مجتمع مفید است. مرکز نوآوری مفید از مهر ۱۴۰۱ برای انتقال تکنولوژی آموزشی و نوآوری و همچنین حل چالش‌های مدارس مفید تأسیس شده است.



امضای تفاهم‌نامه

مرکز نوآوری مفید و تیم آناتومیار

مرکز نوآوری مفید در راستای مأموریت خود مبنی بر حمایت از کسب‌وکارهای حوزه تکنولوژی آموزشی، تفاهم‌نامه‌ای با تیم آناتومیار امضا کرد.

این تیم توانسته با کمک تکنولوژی AR نرم‌افزار آموزشی آناتومی بدن را توسعه دهد. با کمک این نرم‌افزار دانش آموزان می‌توانند با دقتی بیشتر و کیفیتی بالاتر قسمت‌های مختلف آناتومی بدن را مشاهده کنند و همچنین مطالب ارزشمندی را در کنار آن مطالعه کنند. این نرم‌افزار اولین نسخه فارسی در این زمینه است.

دختران مفید نمایش سلطان مار بهرام بیضایی را به روی صحنه بردند

دانش‌آموزان مدرسه متوسطه دوره اول دخترانه مفید، نمایش سلطان مار، اثر بهرام بیضایی را به روی صحنه بردند.

این نمایش حاصل شش ماه تمرین دانش‌آموزان پایه نهم به همراه یکی از دانش‌آموزان پایه هفتم، به‌عنوان اجرای نهایی کلاس پروژه دانش‌آموزی تئاتر، روز شنبه ۲۷ خرداد در سالن پردیس قلهک به اجرا درآمد.

زینب یعقوبی کارگردان این نمایش ضمن تشکر از کادر مدرسه، اولیا و دانش‌آموزان برای هماهنگی در تمرین‌های گروهی گفت: در ابتدا دانش‌آموزان به تمرین‌های بدنی، فن بیان، خلاقیت و شخصیت‌پردازی پرداختند. سپس نمایشنامه را انتخاب و آن را تحلیل کردند. در پایان ارتباط‌گیری دانش‌آموزان با یکدیگر و نقش‌هایشان، تمرین‌های بداهه‌گویی، طراحی صحنه و طراحی لباس انجام شد.

یعقوبی در خصوص نحوه انتخاب این نمایشنامه گفت: در تمرین‌های پیش از انتخاب نمایشنامه، سؤالی در مورد دغدغه‌هایمان مطرح کردم: «دوست داریم از چه چیزهایی صحبت کنیم و مسئله ما چیست؟» هر کدام از دانش‌آموزان دغدغه‌های خود را روی یک برگه نوشتند و بعد از بررسی آن‌ها، به دو موضوع عشق و مسائل اجتماعی رسیدیم. با جستجوی این دو موضوع در نمایشنامه‌های مرتبط، نمایشنامه سلطان مار، اثر بهرام بیضایی که علاوه بر پرداختن هم‌زمان به این دو موضوع، یک فضای کمدی هم داشت، انتخاب شد. دانش‌آموزان در اجرای این نمایش احساس راحتی بیشتری داشتند و می‌توانستند در آن تمرین کار طنز و بداهه‌پردازی را هم‌زمان داشته باشند.

ثنا احمدی، ثنا ترقی‌جاه، دینا عباسی، حناه عصار، مریم سرو، شادان شکوهی، سحر نوریان به‌عنوان بازیگر و حسنا هنرور به‌عنوان دستیار صحنه در این نمایش حضور داشتند.



عنوان پروژه: بررسی تأثیر پلی‌ونیل پروپیلن بر جذب یون آهن در ساختار کیتوسان



تعامل مؤثر بین مدارس و دانشگاه‌های برتر و صنعتی کشور، هدایت صحیح دانش‌آموزان برای انجام پژوهش‌هایی متناسب با سن و دانش آن‌ها و فراهم آوردن فضایی خردمند برای تشکیل گروه‌های پژوهشی و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های خلاقانه، از جمله اهداف برگزاری این جشنواره اعلام شده است.

کسب رتبه دوم جشنواره دانش‌آموزی خواجه نصیرالدین طوسی توسط دانش‌آموزان دبیرستان مفید قیطر به

دانش‌آموزان دبیرستان دوره دوم مفید قیطر به، موفق به کسب رتبه دوم در جشنواره دانش‌آموزی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی شدند.

امیرحسین سرشار و پارسا ناصری با پروژه بررسی تأثیر پلی‌ونیل پروپیلن بر جذب آهن در ساختار کیتوسان در جشنواره دانش‌آموزی خواجه نصیر حضور داشتند.

کیتوسان فیلتری است که از پوست سخت‌پوستان و دیواره سلولی برخی از گیاهان به دست می‌آید و به‌وسیله آن یون‌های سنگین موجود در آب‌های صنعتی مانند نیکل، مس، آهن جدا می‌شوند. در این پروژه به نحوه ساخت این فیلتر پرداخته شده است.

در دومین دوره جشنواره ملی دانش‌آموزی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، حدود ۳۰۰ پروژه دانش‌آموزی در رشته‌های حوزه علوم پایه، علوم انسانی، فنی مهندسی، پزشکی، هوش مصنوعی و کسب‌وکار از سراسر کشور ارائه شد.

برگزاری پنجمین

دوره جشنواره داستان نویسی پر بال

در پنجمین دوره از جشنواره داستان نویسی «پر بال»، ۱۵ اثر از میان آثار ارسالی به دبیرخانه دائمی جشنواره در مدرسه متوسطه دوره اول پسرانه قیطریه، انتخاب شدند.

سهیل طهماسبی فر، معلم سابق ادبیات مدرسه متوسطه دوره اول قیطریه و دبیر این جشنواره، با اعلام این خبر گفت: در جشنواره امسال تعداد ۶۰ اثر ارسال شد که بیشتر آن‌ها از مدارس مفید بودند و متأسفانه به دلیل محدودیت در تبلیغات، از سایر مدارس شرکت کنندگان زیادی حضور نداشتند.

وی افزود: تلاش می‌شود تا با ایجاد شرایط مناسب برای سال‌های آینده، در جشنواره «پر بال» بتوانیم میزبان بچه‌های دست‌به‌قلم مدارس دیگر نیز باشیم. به همین منظور، در نظر گرفته شده است در صورت ایجاد بستر مناسب در آینده، دوره‌های «پر بال» به صورت منطقه‌ای، استانی و حتی کشوری برگزار شود.

دبیر جشنواره «پر بال» گفت: فاطمه یل، دبیر متوسطه دوره یک دخترانه، مسئولیت ویراستاری این دوره از جشنواره را برعهده دارد و مریم شایسته دبیر سابق جشنواره نیز به عنوان مشاور در دبیرخانه حضور دارد.

وی افزود: همچنین تعدادی از برگزیدگان دوره‌های قبل که آثارشان چاپ شده بود، قرار است امسال به عنوان پشتیبان ستاد دبیرخانه با جشنواره همکاری داشته باشند. این افراد، نویسندگان جدید را حمایت و آثار آن‌ها را نقد می‌کنند.



دبیرخانه جشنواره که ایده اصلی پیدایش آن، پنج سال پیش توسط آقایان جامدی، قدم‌یاری و سلطانی مطرح شد، در نظر دارد که در آینده، هیئت داوران را از معلمان و کادر آموزشی جدا کرده و اداره جشنواره را به دست دانش‌آموزان بسپارد.

هفتمین جشنواره شعر و داستان

همیشه بهار

آخرین جلسه خوانش آثار هفتمین جشنواره شعر و داستان «همیشه بهار» با شرکت دانش‌آموزان مدارس مفید نیایش، قیطریه، قلهک و یادگار امام و با حضور فعالان حوزه ادبیات از جمله آقایان جلال بتویی و صابر قدیمی، بیست و پنجم اردیبهشت ۱۴۰۲ در محل دبیرستان دوره دوم مفید نیایش برگزار شد.

در این جلسه، ۲۱ اثر منتخب از میان ۴۲ اثر ارسال شده در سبک‌های مختلف شعر و داستان از جمله شعر کلاسیک، شعر نو، شعر سپید و داستان کوتاه که به مرحله نهایی جشنواره رسیده‌اند، توسط دانش‌آموزان صاحب اثر، ارائه و هریک از داوران علاوه بر متذکر شدن نکاتی مرتبط با نقد ادبی، به ذکر نکات مثبت و منفی آثار نیز پرداختند.

جوایز این دوره از جشنواره شامل لوح تقدیر، تندیس و هدایای نقدی، روز سی‌ام خرداد سال جاری، در سالن آمفی‌تئاتر دبستان مفید مرزداران، به برگزیدگان اعطا می‌شود.

این جشنواره از سال ۱۳۹۴ به صورت سالیانه و به میزبانی دبیرستان دوره دوم مفید نیایش برگزار می‌شود و دانش‌آموزان مدارس متوسطه اول و دوم سراسر تهران با شرکت در این جشنواره به خوانش آثار ادبی خود می‌پردازند و داوران



حوزه ادبی، آثار ارائه شده را بررسی می‌کنند.

شرکت در این جشنواره برای تمام دانش‌آموزان آزاد است. در سال‌های گذشته و قبل از کرونا علاوه بر مدارس مفید، دانش‌آموزانی از دیگر مدارس از جمله نیکان، صلحا، روزبه و میزان هم حضور داشتند.

دوره‌های مختلف آفرینش ادبی در دبیرستان مفید نیایش به طور متناوب در حال برگزاری است و دانش‌آموزان علاقه‌مند در طول دوره تحصیلی خود با شرکت در این کلاس‌های آموزشی با مهارت‌های گوناگون ادبی از جمله شعرسرایی، شعر پژوهی، داستان‌پردازی و نقد ادبی آشنا می‌شوند و از تجربیات کاری و دانش ادبی فعالان شاخص حوزه ادبیات نیز بهره‌مند می‌شوند.



کارگاه تابستانه چالش ریاضی مفید برگزار شد

کارگاه تابستانه و مرحله نهایی دومین چالش ریاضی مفید در مدرسه متوسطه دوره اول مفید قیطریه برگزار شد.

به گزارش مرکز رسانه مجتمع آموزشی مفید، این برنامه از صبح تا عصر روز پنجشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۲ در مدرسه متوسطه دوره اول مفید قیطریه و با حضور بیش از ۶۰ نفر از دانش‌آموزان برگزیده پایه‌های هفتم و هشتم و نهم مدارس مفید یادگار امام، قیطریه و دخترانه برگزار شد. پس از مراسم افتتاحیه که شامل خوشامدگویی مسئولان برگزاری و همچنین سخنرانی دکتر کسری علیشاهی عضو هیئت علمی دانشکده علوم ریاضی دانشگاه صنعتی شریف بود، دانش‌آموزان در کارگاه‌هایی شرکت کردند تا با جنبه‌هایی خلاقانه و کاربردی از درس ریاضی آشنا شوند.

دومین چالش ریاضی مفید، ترکیبی از ۹ مسابقه هفتگی و یک مسابقه نهایی بود که در فاصله آبان تا اسفند سال ۱۴۰۱ در مجموعه مدارس مقطع متوسطه دوره اول مفید برگزار شد. طی این مسابقات هفتگی، دانش‌آموزان در قالب گروه‌های دو تا چهار نفره، مسائلی را که هر هفته برایشان منتشر می‌شد، حل می‌کردند و پاسخ‌های خود را به صندوق می‌ریختند.

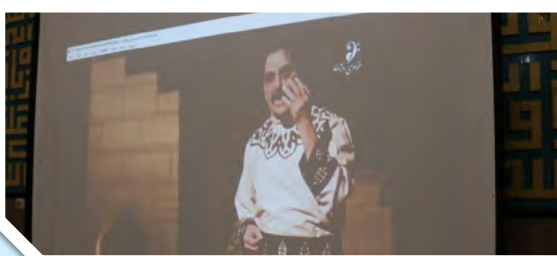
برگزاری مراسم شاهنامه خوانی در متوسطه دوره اول دخترانه مفید

به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی، متوسطه دوره اول دخترانه مفید، روز شنبه ۲۳ اردیبهشت میزبان برنامه ویژه شاهنامه‌خوانی بود.

در این برنامه که میهمانان با صدای آهنگ «قند پارسی» علی‌رضا قربانی به مراسم دعوت شدند، رادمان رسولی دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو تیم الگوی آموزشی مفید و مسئول اندیشکده زفان، درباره جایگاه زبان فارسی از گذشته تا کنون و نقش شاهنامه در تثبیت این زبان صحبت کرد.

برنامه نقالی داستان ضحاک و کاوه آهنگر نیز با حضور ایشان در نقش ضحاک، مهدی ابوالقاسمی، سرپرست الگوی آموزشی متوسطه دوره اول مجتمع آموزشی مفید، در نقش کاوه آهنگر و خانم سارا حسینی، دبیر ادبیات به‌عنوان راوی، اجرا شد.

حسن ختام این برنامه که با حضور دانش‌آموزان تمام پایه‌های هفتم و هشتم و نهم برگزار شد، تماشای بخشی از آلبوم تصویری درفش کاویانی با صدای شنیدنی استاد شهرام ناظری بود.



آماده سازی و تولید بسته های آموزش ترکیبی برای مقطع دبستان



قابل قبولی برخوردار است، افزود: «من امیدوارم این بسته های آموزشی علاوه بر مدارس مفید، در مدارس دیگر هم مورد استفاده قرار بگیرند، زیرا فکر می کنم به یادگیری دانش آموزان کمک می کند و به معلم این امکان را می دهد که از یادگیری همه بچه ها پشتیبانی کند.»

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که تولید این بسته های آموزشی کمک کند تا باقی معلم ها هم ششانی بودن این کار را ببینند و با تکیه بر توانمندی ها و مهارت هایشان، برای تولید بسته های مشابه و حتی بهتر ترغیب شوند.

لازم به ذکر است که طراحی بسته های آموزش ترکیبی توسط گروهی از همکاران مدارس مفید شامل: نگار وکیلی، سمیه شعبانی، نسیم جمشیدی، مهدیه گلستانی، الهه شکوری، فائزه همایونی، محدثه کشاورز و زهرا حیدری، انجام شده است.

جلسه معرفی بسته های آموزش ترکیبی برای توسعه ارزش مکانی دوم و سوم و چهارم دبستان، در اسفند سال گذشته، در خانه یادگیری سرو برگزار شد که در این کارگاه، علاوه بر ارائه یک بسته آموزشی ترکیبی آماده برای اجرا و دریافت نظرات و بازخوردهای شرکت کنندگان، زمینه مشارکت و همکاری معلمان علاقه مند با گروه طراحی بسته های آموزش ترکیبی فراهم شد.

بسته های آموزش ترکیبی با محتوای درس ریاضی برای پایه های دوم و سوم و چهارم دبستان شامل روایت کلی طرح یادگیری، طرح های جلسه به جلسه و تمام ابزارهای لازم برای اجرای طرح، در مجموعه مفید آماده سازی و تولید شده است.

زهرا پندی عضو هیئت علمی برنامه درسی دبستان های مفید در این خصوص گفت: «در طرح یادگیری این بسته ها، با در نظر گرفتن اهداف فعالیت ها، نکات و پرسش و پاسخ هایی که از سوی معلم و شاگرد در هر جلسه مطرح می شود، به موضوعات مختلف دروس ریاضی پرداخته شده است. به نحوی که فعالیت های بازنمایشی و شواهد یادگیری که به روند آموزش دانش آموزان کمک می کند، در اختیار آن ها قرار داده می شود.»

وی افزود: «علاوه بر موارد فوق، مطالب و محتوایی که قرار است دانش آموزان با آن درگیر شوند و آموزش ببینند، به محتوا افزوده شده و حتی به نحوه انتقال آن ها به دانش آموزان توجه شده و رسانه های مختلفی مثل، فیلم، کاربرگ، پوستر و فایل های تعاملی نیز برای استفاده آماده شده است. با توجه به خروجی های پیش بینی شده و مهارت های مورد نیاز برای تولید آن ها، با گروهی از معلمان که اکثر آن ها از خود مجموعه مفید بودند، تقسیم کار و آن را شروع کردیم که به مرور زمان این تقسیم کار با توجه به علاقه مندی و توانمندی افراد دستخوش کمی تغییر شد.»

پندی با بیان اینکه، آنچه که تولید شده قطعاً بی نقص نیست ولی از کیفیت

کسب مقام نخست هشتمین دوره مسابقات موت کورت دانش آموزی توسط دختران مفید



دانش آموزان متوسطه دوره اول دخترانه مفید، موفق به کسب مقام نخست هشتمین دوره مسابقات موت کورت دانش آموزی و دریافت چکش طلایی (نشان مقام اول این مسابقات) شدند. نورا جان قربان، ضحاسادات طباطبائی، دیانا مهدی زاده، باران برزگر، عرفانه انجمی و ریحانه رضایی، به نمایندگی از مدرسه متوسطه دوره اول دخترانه مفید در این مسابقات شرکت کرده بودند. لازم به ذکر است که این مسابقات بین ۳۲ تیم دانش آموزی در مقطع متوسطه اول برگزار شد و مدرسه متوسطه دوره اول مفید یادگار با ۱۰ تیم بیشترین مشارکت را در این دوره از مسابقات داشت. متوسطه دوره اول دخترانه و نیایش نیز به ترتیب با چهار و دو تیم در این مسابقات حضور یافتند.

موت کورت نوعی دادگاه شبیه سازی شده است که در آن دانش آموزان سعی می کنند با ایفای نقش های حقوقی چون وکیل، دادستان، داور، قاضی و... با تیم های مقابل خود به رقابت بپردازند.





کسب مدال طلا در مسابقات طناب زنی شهر تهران توسط دختران مفید

دختران دبستان مفید، پس از شرکت و کسب مقام در مسابقات طناب زنی مدارس منطقه دختران دبستان مفید، پس از شرکت و کسب مقام در مسابقات طناب زنی مدارس منطقه سه تهران، موفق به کسب رتبه اول و مدال طلا در مسابقات بین تمامی مناطق شهر تهران شدند. حلما کیهانی، ثنا یوسفی کیا، مهسا بیسادی و آمیتیس سعیدی اعضای تیم دبستان دخترانه مفید بودند که توانستند با کسب مدال طلا به مراحل بالاتر صعود کنند.



کسب مقام برتر طرح درس فیزیک، توسط دبیر دبیرستان پسرانه قیطره

آقای دکتر کلانتریان دبیر فیزیک پایه دهم دبیرستان پسرانه قیطره، موفق به کسب مقام نخست در جشنواره الگوهای برتر استانی تدریس در درس فیزیک پایه شد.

آقای کلانتریان با بهره گیری از الگوی آموزشی مفید به شیوه روش حل مسئله و فیزیک اکتشافی در موضوعات ماشین گرمایی در سطح منطقه و شکست موج در سطح استانی شرکت کرده بود.

این جشنواره به صورت سالیانه و با حضور معلمان در رشته ها و دروس گوناگون برگزار می شود. مرحله مقدماتی این رقابت ها در سطح منطقه ای، در اردیبهشت سال جاری برگزار شده بود و نتیجه رقابت های سطح استانی نیز، بیست و نهم خرداد اعلام شد. لازم به ذکر است، رقابت های کشوری الگوی برتر تدریس نیز در ماه مرداد برگزار شد و موضوع پروژه ها به صورت قرعه کشی و از بین دوازده موضوع انتخاب شد.



همایش هوش مصنوعی مولد و کاربردهای آن در آموزش در دبیرستان مفید قیطره برگزار شد

همایش هوش مصنوعی مولد و کاربردهای آن در آموزش با ارائه دکتر حمید شیردستان استاد دانشگاه بیشاپ کانادا در دبیرستان مفید قیطره برگزار شد.

در این همایش که روز یکشنبه ۱۵ مرداد و با حضور ۱۳۰ نفر از دبیران و دست اندرکاران تعلیم و تربیت برگزار شد، مباحثی مانند آشنایی با توانمندی های Chat GPT در تولید انواع و اقسام محتواهای آموزشی مورد نیاز کلاس، آشنایی با پلاگین های Chat GPT و کداینترپرت، تکنیک های تولید پرامپت های مناسب، آشنایی با هوش های مصنوعی تولید گرافیک و عکس، آشنایی با هوش های مصنوعی تولید ویدئو و انیمیشن طرح و ارائه شد.

کسب ۴۲ رتبه زیر ۱۰۰۰ کنکور ۱۴۰۲

توسط دانش آموزان مفید



۱۵۱
انسانی

سجاد رشیدی مهرآبادی



۱۲۲
زبان

آرش نبوی



۱۰۶
انسانی

محمدرضا محبت پور



۴۶
زبان

امیرسام غفاری



۱۹۸
ریاضی

محمد یآوری



۱۶۸
ریاضی

علی اصفهانی



۱۵۸
ریاضی

مهدی آمرهای



۱۵۵
تجربی

ایلینا ذکاوت



۲۳۷
ریاضی

علی یخچالی



۲۱۱
ریاضی

سینا فلاحی



۲۰۶
ریاضی

مصطفی
مشهدی عباس اصفهانی



۲۰۴
ریاضی

علیرضا کاشی‌ها



۳۰۹
ریاضی

ایمان باباجانی



۲۹۷
انسانی

سید حسن موسوی



۲۴۸
ریاضی

محمدرضا ذوقی پور



۲۳۹
ریاضی

علی جوادی یگانه



۳۷۳
زبان

عرفان حاجی قاسمی



۳۷۳
تجربی

علی حاجی آقایی



۳۱۴
ریاضی

مهدی کریمی



۴۸۶
ریاضی

سید محمد صدرا میرصادقی



۴۶۴
ریاضی

سید امیر مهدی لطفی زاده

کسب ۴۲ رتبه زیر ۱۰۰۰ کنکور ۱۴۰۲

توسط دانش آموزان مفید



۵۱۵
ریاضی

مهدی اسدی



۵۰۶
انسانی

مبین علی اکبری



۴۹۲
ریاضی

محمد عرفان گونه



۴۸۹
ریاضی

عرفان عسکریوکی



۶۲۸
ریاضی

فرزام صاین



۶۰۴
ریاضی

محمدهادی خاکی



۵۴۸
ریاضی

دانیال نیازخانی



۵۳۱
ریاضی

امیرضا پسندیده



۷۳۷
ریاضی

ایلیا فروزنده



۷۱۳
تجربی

آرین رادفر



۷۰۵
ریاضی

علی اصغر درویش وند



۶۵۶
ریاضی

سهیل غروی



۸۱۰
ریاضی

علی شاکرزاده



۷۶۶
انسانی

محمدعلی رشیدی



۷۵۲
انسانی

متین علی اکبری



۷۴۱
ریاضی

حسین دهقانی



۸۹۰
انسانی

معصومه عظمتی



۸۵۹
ریاضی

محمدامین نظری مقدم



۸۱۸
ریاضی

صدرا سفیدگری



۹۸۰
انسانی

سید کیان رسولی



۹۶۵
انسانی

محمدمتین اکبری



برنامه‌درسی چندبعدی، ویژگی‌های یادگیرنده آرمانی،
یادگیری موضوعات درسی به‌صورت تلفیقی
و ارزشیابی، از ویژگی‌های مهم الگوی آموزشی مفید است